

وزارت فرشته چهارم

نامه ای به غلاطیان

مدرسه سبت

خلاصه

1	انجیل معتبر: مکاشفه عیسی مسیح.....	2
2	زندگی بوسیله ایمان مسیح - قسمت 15.....	1
3	زندگی بوسیله ایمان مسیح - قسمت 29.....	2
4	رستگاری از نفرین - قسمت 40.....	1
5	رستگاری از نفرین - قسمت 53.....	2
6	رستگاری از نفرین - قسمت 69.....	3
7	فرزندخواندگی - قسمت 83.....	1
8	فرزندخواندگی - قسمت 91.....	2
9	فرزندخواندگی - قسمت 101.....	3
10	روح نجات را آسان می کند.....	801
11	اطاعت از حقیقت.....	021
12	پیام صلیب.....	134
13	شکوه صلیب.....	841

1 انجیل معتبر : مکاشفه عیسی مسیح

آیه طلایی: «اما حتی اگر خود ما یا فرشته‌ای از آسمان به شما انجیل دیگری غیر از آنچه به شما ابلاغ کرده‌ایم بشارت دهد، ملعون باد». (غلاطیان 1:8)

یکشنبه

1 پولس، رسولی (نه از انسانها و نه توسط هیچ انسانی، بلکه توسط عیسی مسیح و سوگند به خدای پدر که او را از مردگان برخیزانید)

2 و تمامی برادرانی که با من هستند به کلیساهای غلطیه،

3 فیض و سلامتی از جانب خدای پدر و خداوند ما عیسی مسیح،

4 که خود را برای گناهان ما سپرد تا ما را از این عصر بد کنونی برحسب اراده خدای پدر ما نجات دهد.

5 برای او جلال تا ابدالابد. آمین!

پنج آیه اول سلام را تشکیل می دهد و تمام آن را در بر می گیرد

انجیل. اگر نوشته های دیگری وجود نداشت، ما در اینجا به اندازه کافی برای آن داشتیم

نجات جهان اگر این بخش کوتاه شده را با این همه اهتمام و حرارت مطالعه می کردیم

گویی تنها متن مقدس موجود، ایمان، امید و عشق ما خواهد بود

بی نهایت تقویت شده همانطور که آیات را می خوانیم، بیایید سعی کنیم غلاتیان را از دست بدهیم، و

اجازه دهید این کلمات را به عنوان صدای خدا در نظر بگیریم که مستقیماً و شخصاً از طریق ما با ما صحبت می کند

وسط رسول

رسول - «رسول» به معنای کسی است که فرستاده شده است. اعتماد به نفس پل

به تناسب اقتدار کسی بود که آن را فرستاده بود و به اطمینانی بستگی داشت

در این اقتدار و قدرت قرار گیرد. «زیرا کسی که از جانب خدا فرستاده شده است سخنانش را می گوید

خدا» (یوحنا 3:34) پولس با اقتدار صحبت کرد، و کلمات "فرمان" از جانب خداوند بود

(اول قرنیتیان 14:37) بنابراین، هنگام خواندن این رساله یا هر نامه دیگری در کتاب مقدس، نباید به ویژگی ها و شرایط شخصی

نویسنده فکر کنیم. درست است که هر نویسنده ای

فردیت خود را حفظ می کند، زیرا خداوند مردان مختلفی را انتخاب می کند

انجام کارهای مختلف؛ اما همیشه، و در هر مورد، کلام خداست.

یک مأموریت الهی - نه تنها به رسولان، بلکه برای همه افراد کلیسا بود
هیئتی را تعیین کرد که طبق کلام خدا صحبت می کند (اول پطرس، 4:11)
همه کسانی که در عیسی مسیح هستند مخلوقات جدیدی هستند که با خدا آشتی داده اند
از طریق همین عیسی؛ و همه کسانی که با هم آشتی کردند، کلام را دریافت کردند
وزارت آشتی، به طوری که آنها سفیران مسیح هستند، گویی خدا
از مردم بخواهید که به نام مسیح با خدا آشتی کنند (دوم قرنتیان، 5: 17-20)
برای کسانی که پیام خدا را ابلاغ می کنند، این یک محافظ قدرتمند است
در برابر افسردگی و ترس سفیران پادشاهی های زمینی دارای اختیار هستند
متناسب با قدرت پادشاه یا حاکمی که آنها نماینده آنها هستند، و مسیحی نماینده آن است
پادشاه پادشاهان و پروردگار اربابان.

پدر و پسر - "از عیسی مسیح و از خدای پدری که او را از مردگان برخیزانید". O
پدر و پسر در اینجا با شرایط برابری متحد شده اند. "من و پدر یکی هستیم"
(یوحنا، 10:30) هر دو بر تخت می نشینند (عبرانیان 3: 1 مکاشفه، 21: 3 شورای صلح
بین هر دوی آنها خواهد بود (زک. 6: 12 و 13) عیسی در تمام زندگی خود پسر خدا بود
ذریه داوود بر حسب جسم، اما برای رستخیز مردگان بود،
مطابق روح قدوسیت، همانطور که شخصیت او به عنوان یک پسر نشان داده شد (روم،
1:3 و 4) این رساله همان مقام رسالت پولس را دارد: از جانب او که
دارای قدرت زنده کردن مردگان، از جانب کسی که از مردگان برخاست،
(1 نامه به غلاطیان بر چه کسی است؟ (غلاطیان 1:3)

ر:

دوشنبه

کلیساهای غلاطیه - غلاطیا شهری در آسیای صغیر بود که به نام خود نامگذاری شد
در آن خروس هایی که از سرزمینی که اکنون به نام فرانسه می شناسیم آمده اند، زندگی می کنند.
آنها در قرن 3 قبل از میلاد در آنجا ساکن شدند و نام آن منطقه (Galatia) را دادند. پاک کردن
که آنها بت پرست بودند، با دینی بسیار شبیه دین درویدهای انگلستان.
پولس اولین کسی بود که مسیح را به آنها موعظه کرد (اعمال رسولان، 18:23؛ 16:6 کشور غلاطیه

همچنین شامل ایکونیوم، لستره، و دربه، شهرهایی است که پولس و برنابا از آنها بازدید کردند
اولین سفر تبلیغی (اعمال رسولان، 14)

فیض و سلامتی از جانب خدای ما پدر و خداوند عیسی مسیح بر شما باد.

ما کلام خدا را پیش روی خود می یابیم: معنای آن بسیار بیشتر از کلمه خداست
مرد. خداوند هرگز ستایش خالی را بیان نمی کند. کلام شما خلاقانه است و ما اینجا را پیدا می کنیم
شکل امری که خداوند آن را برای ایمان آوردن از طریق کلامش گسترش داد.

خداوند فرمود: بگذار نور باشد. و نور بود. و حالا وقتی این عبارت را می گوید: «فضل و آرامش
برای تو»، اینطوری می شود. خداوند فیض و صلح را فرستاد و عدالت و نجات را به ارمغان آورد
همه مردها همچنین به شما، هر که هستید، و به من. وقتی اینو میخوانی
آیه، به هیچ وجه آن را نوعی ادب یا ساده نگیرید

سلام، اما به عنوان کلمه خلاقانه که شخصاً تمام برکات صلح را برای شما به ارمغان می آورد
مال خدا برای ما همان کلمه ای را نشان می دهد که عیسی در مورد آن صحبت کرد
به آن زن گفت: گناهان تو آمرزیده شد. در آرامش باش. " (لوقا 7:48 و 50)

این فیض و آرامش از مسیح می آید که "خود را برای گناهان ما سپرد." "آ
فیض برای هر یک از ما بر اساس میزان عطای مسیح تعیین شده است."
(افس. 4:7 بنابرین، می توان مطمئن بود که خود مسیح به هر یک از آنها داده شده است.
این واقعیت که انسان زندگی می کند دلیلی بر این است که مسیح به او داده شده است و این
مسیح «زندگی» است و این «زندگی» نور انسانهاست. این نور و زندگی «کل را روشن می کند
انسانی که به این جهان می آید» (یوحنا 1: 4؛ 6: 14 و 9) «همه چیز در اوست»
(کولس 1:17) از آنجا که «او پسر خود را دریغ نکرد، بلکه او را برای همه واگذار کرد
چگونه او همه چیز را با خود به ما خواهد داد؟» (روم. 8:32)
«زیرا قدرت الهی او همه شرایط لازم را برای زندگی و برای ما فراهم کرده است
خداپرستی، از طریق شناخت او که ما را به جلال و جلال خود فرا خواند
فضیلت» (دوم پطرس، 1:3)

در مسیح کل جهان به ما داده شده است، و تمام پری او به ما داده شده است
قدرت غلبه بر گناه خداوند برای هر روحی ارزش زیادی قائل است
به صورت فردی، و همچنین تمام خلقت او. مسیح از طریق فیض طعم مرگ را چشید
همه، به طوری که هر انسان در جهان "هدیه غیرقابل وصف" را دریافت کرده است (عبرانیان، 2: 9؛ 2:
قرنتیان 9:15) «فیض و عطای بسیار بیشتر بر بسیاری ریخته شد،

به فیض یک انسان، عیسی مسیح. «بسیار» به معنای همه است، زیرا همانطور که "برای جنایت یک نفر، همه مردم محکوم شدند، همچنین برای عدالت یکی، عادل شمرده شدن برای همه مردم آمده است» (رومیان 5: 15 و 18).

(1) خدا پسرش عیسی مسیح را به چه کسی داد؟ (یوحنا 3:16)

ز:

مسیح به هر انسانی داده شده است. سپس، هر یک کلیت مسیح را دریافت می کند. عشق خداوند تمام جهان را در بر می گیرد، در عین حال که به هر شخص به طور جداگانه می رسد. شخص عشق یک مادر وقتی به هر یک از او تقسیم می شود کاهش نمی یابد. کودکان، به طوری که بیش از قسمت سوم، چهارم یا پنجم آن را دریافت نکنند. خیر؛ هر کودکی موضوع محبت کامل مادرش است. چقدر بیشتر با خدا اینجوری میشه که عشقش کاملتر از بهترین مادر قابل تصور است! (اشعیا 49:15) مسیح نور است جهان، خورشید عدالت اما نوری که انسان را روشن می کند، به هیچ وجه از آن چیزی که وجود دارد کم نمی کند دیگران را روشن می کند اگر اتاقی کاملاً روشن باشد، هر یک از ساکنان آن روشن است از نور موجود بهره برد، چنان که گویی تنها در آن مکان حاضر است. به این ترتیب نور مسیح هر انسانی را که وارد این جهان می شود روشن می کند. خیر در قلب هر کسی که ایمان دارد، مسیح در کمال خود زندگی می کند. بذر بکار بر روی زمین، شما بذرهای بسیار بیشتری به دست خواهید آورد و هر یک از آنها به اندازه موجودی که در زمین است، حیات خواهند داشت که اقدام کردند. مسیح، بذر واقعی، تمام زندگی خود را کامل می بخشد.

سهشنبه

(1) کدام افراد با خون مسیح خریداری شدند؟ (دوم قرنتیان 5:14 و 15)

ز:

مسیح ما را خرید - چقدر می شنویم که مردم در اینها ناله می کنند اصطلاح: "من چنان گناهکار هستم که خداوند مرا نمی پذیرد". حتی برخی که سالهاست که خود را مسیحی می دانند، اما متأسفانه تمایل خود را بدون اینکه بتوانند بیان کنند به امنیت مقبولیت خداوند دست یابید. اما خداوند هیچ دلیلی نمی دهد

به این تردیدها پذیرش ما از قبل برای همیشه تضمین شده است. مسیح ما آن را خریده و قبلاً قیمت آن را پرداخت کرده است.

دلیل اینکه شخصی به فروشگاه برود و کالایی بخرد چیست؟ چون این به او علاقه مند است اگر ثمن پرداخت شده است پس از بررسی تا آگاه شوید از آنچه خریده است، آیا فروشنده می ترسد که خریدار کالا را قبول نکند؟ برای در غیر این صورت، اگر محصول را نگه دارید، خریدار اعتراض خواهد کرد: "چرا آن را به من نمی دهید؟" که متعلق به من است؟ برای عیسی فرق می کند که خود را به او بسپاریم یا نه. علاقه مند با اشتیاق بی پایان برای هر روحی که با خون خود خرید. "پسر انسان آمد تا گم شده را بجوید و نجات دهد" (لوقا. 19:10) «خدا ما را انتخاب کرد قبل از خلقت جهان، تا در محبت در پیشگاه او مقدس و بی عیب باشیم... تا فیض شکوهمند او را ستایش کنم» (افس. 1:4 و 6).

چرا مسیح خود را برای گناهان ما سپرد؟ «برای رهایی خود از قرن شر کنونی.»

هر جا که می رویم، جهان ("این عصر شرور کنونی") را با خود می بریم. ما مانند باری سنگین و ظالمانه در قلب خود حمل می کنیم. اگرچه ما می خواهیم نیکی کن، متوجه می شویم که «شر در من است» (روم. 7:21) همیشه وجود دارد «این عصر بد کنونی»، تا زمانی که ناامیدی بر ما چیره شده، فریاد می زنیم: «بیچاره من! چه کسی مرا از این بدن مرگ رها خواهد کرد؟» (آیه. 24).

رهایی از آن ماست. مسیح فرستاده شد تا چشمان نابینایان را باز کند تا آنها را از زندان آزاد کند به زندانیان و از زندان به کسانی که در تاریکی هستند (اشعیا. 42:7) در راستای این، «آزادی برای اسیران و آزادی برای اسیران» اعلام می کند (اشعیا. 61:1) او به همه زندانیان می گوید: «بیرون بیایید» (اشعیا. 49:9) این افتخار همه است که بگویند: «پروردگارا، من غلام تو هستم، بنده تو، پسر کنیز تو، تو بندهای مرا شکستی» (مزمور. 116:16)

چه باور داشته باشیم چه نداشته باشیم این طور است. هر چند ما بندگان پروردگار هستیم بیایید سرسختانه از خدمت به او امتناع کنیم. مسیح ما را خرید. و با خرید ما، او هر بانداژی را که می توانست ما را از خدمت به او باز دارد، خرد کرد. اگر واقعا باور کنیم، ما پیروزی را داریم که بر جهان غلبه می کند (اول یوحنا 5:4؛ یوحنا 16:33) پیام برای ما این است که «جنگ ما پایان یافته است»، «گناه ما بخشیده شده است» (اشعیا. 40:2)

تو مرا گمشده و در محکومیت دیدی،

و از جلگه ای به من بخشش داده ای.

خداوندا خارها را برای من گرفتی.

برای همین است که با سرود عشقم را به تو می سپارم.

(1 آیا خداوند بزرگ ترین گناهکاران را هم پذیرفته است؟ (رومیان 8: 5 و 10: دوم قرن تیان

5:19)

ز:

چهار شنبه

اراده خدا - این رهایی "بر اساس خواست خدا و پدر ما" است. آ

اراده خدا تقدیس ماست (اول تسالونیکیان (3:4) اراده او این است که همه مردان

نجات پیدا کنید و به شناخت حقیقت بیایید (اول تیم. (2:4) او "همه کاری را انجام می دهد

مطابق با هدف اراده او» (افس. (1:11) یکی خواهد پرسید: آیا ما به دنبال آن هستیم؟

نجات جهانی را می آموزد؟ ما به دنبال نشان دادن این هستیم که کلام خدا تعلیم می دهد

به سادگی که «فیض خدا که باعث نجات می شود بر همه آشکار شده است

مردان» (تیطوس (2:11) خدا نجات را برای همه انسانها آورد و به همه داد

یکی از آنها؛ اما متأسفانه اکثریت آن را رد می کنند. قضاوت این واقعیت را آشکار خواهد کرد که برای هر

به انسان رستگاری کامل داده شد و همچنین هرکسی که از دست داد با رد کردن از دست رفت

عمداً حق اولادی که به عنوان تملک تعیین شد.

بنابراین اراده خدا چیزی است که باید از آن لذت برد، نه چیزی برای تحمل. تا زمان

حتی زمانی که شامل رنج باشد، به نفع ماست و باید در ما کار کند

وزن ابدی جلال» که از همه مقایسه ها پیشی می گیرد (رومیان 8:28؛ قر. (4:17) ما میتوانیم

با مسیح بگویید: «خدای من، من از انجام اراده تو لذت می برم و شریعت تو در من است

دل» (مزمور. (40:8)

این توصیه به شناخت اراده خداست. شامل رهاسازی است

بردگی ما به گناه؛ آنگاه می توانیم با نهایت اطمینان و با اطمینان دعا کنیم

سپاس کامل، زیرا «این اعتمادی است که ما به او داریم، که اگر چیزی بخواهیم

طبق خواست او، او ما را در هر آنچه بخواهیم می شنود، ما می دانیم

که آنچه از او می‌خواهیم داریم» (اول یوحنا 14: 5 و 15).

به خدا افتخار این رهایی! تمام جلال از آن اوست، مرد را بشناسید

یا نه. جلال دادن به او شامل دادن چیزی نیست، بلکه شناخت واقعیت است. ما می دهیم -

جلال او را با شناختن اینکه تمام قدرت از آن اوست. «می‌دانی که خداوند خداست.

او ما را آفرید و نه خود ما را» (مزمور، 100:3)

همانطور که در دعای نمونه خداوند می بینیم، قدرت و جلال با هم مرتبط هستند.

هنگامی که عیسی با قدرت خود آب را به شراب تبدیل کرد، به ما می گوید که این

معجزه "جلال او را آشکار کرد" (یوحنا 2:11). بنابراین، وقتی می گوئیم «خداوند باش

جلال»، ما تشخیص می دهیم که تمام قدرت از او می آید. ما خودمان را نجات نمی دهیم،

زیرا ما "ضعیف" هستیم. اگر اعتراف کنیم که همه جلال از آن خداست، نخواهیم کرد

ما تسلیم روحیه فخر فروشی و خودنمایی خواهیم شد.

اعلامیه نهایی "انجیل ابدی" که اعلام می کند که ساعت آن است

قضاوت، به این صورت بیان می شود: «از خدا بترسید و او را جلال دهید» (مکاشفه 14:7). بنابراین

رساله به غلطیان، که تمام جلال را به خدا نسبت می دهد، تأسیس انجیل ابدی را تشکیل می دهد. پیامی در چند روز گذشته

تنظیم شده است. اگر مطالعه کنیم و

اگر به این نکته توجه کنیم، می‌توانیم به تسریع زمانی که «زمین در آن خواهد بود» کمک کنیم

پر از معرفت جلال یهوه، چنانکه آب دریا را می پوشاند» (حاج. 2:14).

پنج شنبه

6در شگفتم که به این سرعت از کسی که شما را به فیض مسیح فرا خواند به انجیل دیگری برگشتید،

7که چیز دیگری نیست، بلکه عده‌ای هستند که شما را آزار می‌دهند و می‌خواهند انجیل مسیح را بر هم بزنند.

8اما حتی اگر خود ما یا فرشته‌ای از آسمان به شما انجیل دیگری جز آنچه به شما موعظه کرده‌ایم بشارت دهیم، ملعون

باد.

9همانطور که قبلاً به شما گفتیم، اکنون نیز به شما می‌گویم، اگر کسی انجیل دیگری غیر از آنچه قبلاً دریافت کرده اید به

شما موعظه کند، ملعون باد.

چه کسی مردان را "صدا کرد"؟ «خداوند امین است که شما را به ارتباط با پسر فراخواند، خداوند ما عیسی مسیح» (اول قرن‌تیان 1:9) «و خدای همه فیض که ما را به سوی فراخواند جلال ابدی در عیسی مسیح...» (اول پطرس 5:10) «زیرا وعده به شما و به شماست فرزندان، و به همه کسانی که دور هستند، به همه کسانی که یهوه خدای ما شعله». (اعمال رسولان 2:39) برای کسانی که نزدیک و برای کسانی که دور: این شامل همه ساکنان جهان بنابراین، خداوند هر انسان را می‌خواند (اما نه همه را او می‌آید).

جدایی خود از خدا - چگونه برادران غلطیه خود را از او جدا می‌کردند که آنها را فراخواند، و چون خداست که انسانها را با مهربانی فرا می‌خواند معلوم بود که آنها خداوند را رها می‌کنند.

به نظر می‌رسد بسیاری فکر می‌کنند که اگر آنها به سادگی "عضو عادی شده" باشند وضعیت در این یا آن کلیسا، آنها می‌توانند ایمن باشند. اما تنها مورد توجه سوال تعیین کننده این است: آیا من با خداوند متحد شده‌ام و آیا در حقیقت او گام برمی‌دارم؟ زمانی که برنابا بود به انطاکیه، او برادران خود را تشویق کرد که «با قلبی استوار و متحد با خداوند بمانند». (اعمال رسولان 11:22 و 12:3) این تمام چیزی بود که لازم بود. اگر این کار را نکنیم، چیزهای زیادی پیدا خواهیم کرد اوایل شهری که ملک خداست.

کسانی که خداوند را ترک می‌کردند قطعاً «در دنیا بدون خدا بودند». به همان اندازه که خود را از او جدا می‌کردند. اما کسانی که در این شرایط هستند آنها غیریهودیان یا به عبارتی بت پرست هستند (افس 2:11 و 12:12) برادران غلطی اینگونه بودند بازگشت به بت پرستی غیر از این نمی‌توانست باشد، زیرا هر بار که یک مسیحی از رفتن به سوی خداوند منصرف می‌شود، به زندگی قدیمی که از آن نجات یافته بود بازمی‌گردد. غیر ممکن وضعیتی ناامیدتر از "بدون خدا" بودن در این دنیا را تصور کنید.

"انجیل دیگری" - چگونه "انجیل دیگر" می‌تواند راه را باز کند؟ حقیقت انجیل "قدرت خداست برای نجات هر که ایمان دارد" (رومیان 1:16) خود خدا این قدرت است، و ترک او به معنای ترک انجیل مسیح است.

برای اینکه چیزی به عنوان «انجیل» تصویب شود، باید وعده نجات را بدهد. اگر نه چیزی بیش از مرگ ارائه می‌دهد، هرگز نمی‌توان آن را با "انجیل" که به معنای آن است، شناسایی کرد "خبر خوب" یا "خبر خوشحال کننده". وعده مرگ هرگز با این کار سازگار نیست مفهوم بنابراین برای اینکه یک دکترین نادرست به عنوان انجیل به تصویب برسد، باید به دنبال آن بود

راه زندگی باشد در غیر این صورت نمی توانید کسی را گول بزنید. غلطیان بودند فریفته شدن برای روی گرداندن از خدا به سوی چیزی که به آنها نوید زندگی و رستگاری می داد، اما از طریق نیرویی غیر از نیرویی که از جانب خدا می آید. آن انجیل دیگر نبود بیش از یک انجیل مردانه امر باطل ظهور چیزی است که واقعیت وجود ندارد ماسک یک انسان نیست. به این ترتیب، آن دیگری انجیلی که غلطیان به آن اغوا می شدند چیزی بیش از الف نبود انجیل منحرف: جعل، فریب، ربطی به اون نداشت انجیل معتبر

آیا کسی که انجیل دیگری را موعظه می کند شایسته محکومیت است؟ این روش رانندگی است دیگران را محکوم می کند، و آنها را به اعتماد به چیزی نادرست برای نجات سوق می دهد. در حالیکه غلطیان خود را از خدا جدا می کردند و یقین نجات را در خود قرار می دادند قدرتی که انسان ظاهراً دارد اما هیچ کس نمی تواند دیگری را نجات دهد (مزم. 49:7 و 8) «لعنت بر مردی که بر انسان توکل کند و بر جسم و بدن او تکیه کند دل از ابدی دور می شود» (ارم. 17:5) آنچه لعنت می آورد قطعاً می شود لعنت به خودش

"لعنت بر کسی که نابینایان را از راه هدایت می کند" (تثنیه 27:18) اگر لعنتی چیزی است که منحرف می شود کسی که از نظر جسمی محروم است، چه یقین بیشتری خواهد داشت که دیگری را به تباهی ابدی می برد! مردم را با نجات کاذب فریب دهید. آیا چیز بدتری ممکن است وجود داشته باشد؟ القا کننده است بگذار دیگران خانه خود را روی پرتگاهی بی انتها بسازند.

فرشته ای از بهشت - اما شاید "فرشته ای از بهشت" بتواند دیگری را موعظه کند چیزی غیر از انجیل واقعی؟ البته، اگرچه او یک فرشته نیست که به تازگی از بهشت فرود آمده است. «و جای تعجب نیست، زیرا همان شیطان به عنوان یک فرشته نور ظاهر می شود. بنابراین اگر وزرا هم باشند زیاد نیست به عنوان خادمین عدالت ظاهر شوید» (دوم قرنتیان 11:14 و 15) اشاره به آنهایی است که ظاهر می شوند ادعا می کنند که ارواح مردگان هستند و به دنبال رساندن پیام هایی از ماوراء هستند. اینها، آنها همواره «انجیل دیگری» متفاوت از انجیل عیسی مسیح را موعظه می کنند. خودت را ایمن نگه دار از آنها. «ای عزیزان، به هر روحی ایمان نیاورید، بلکه امتحان کنید که آیا از خدا هستند یا نه» (1 یوحنا 4: «به قانون و شهادت! اگر آنها بر این اساس صحبت نمی کنند، به این دلیل است که آنها را نمی بینند سپیده دم» (اشعیا 8:20) هیچ کس که کلام خدا را در اختیار دارد نیازی به فریب خوردن ندارد. در واقع غیرممکن است که اینطور باشد، در حالی که به کلام چسبیده ایم.

(1) تنها جایی که حقیقت انجیل را می یابیم کجاست؟ (یوحنا 17:17)

ز:

جمعه

10 در حال حاضر آیا من مردان را متقاعد می کنم یا خدا را؟ یا به دنبال جلب رضایت مردان هستید؟ اگر او همچنان مردم را خشنود می کرد، خادم مسیح نمی شد.

در سه قرن اول، کلیسا توسط بت پرستی خمیرمایه شد و با وجود اصلاحات، بسیاری از آن هنوز ادامه دارد. این نتیجه تلاش برای «راضی کردن مردان» بود. اسقف ها فکر می کردند که می توانند با کاهش نفوذ در میان مشرکان نفوذ کنند استاندارد بالای برخی از اصول انجیل و این کار را انجام داد. نتیجه این شد فساد کلیسا

عشق به خود همیشه در انتهای تلاش برای جلب رضایت مردان است. اسقف ها آنها می خواستند (شاید اغلب بدون اینکه بدانند) شاگردان را در اطراف خود جذب کنند (اعمال رسولان، 20:30) آنها مصالحه کردند و حقیقت را منحرف کردند تا رضایت مردم را جلب کنند.

در غلطیه به این ترتیب اتفاق افتاد. مردان انجیل را منحرف می کردند. اما پولس به دنبال خشنود ساختن خدا بود نه انسانها. بنده خدا بود و او به تنهایی باید راضی می کرد. این اصل در هر شاخه ای از خدمات مؤثر است. شما کارگرانی که سعی می کنند مردان را راضی کنند، هرگز کارگران خوبی نخواهند بود فقط زمانی خوب کار می کنند که کار آنها دیده شود و همه کارها را به حداقل می رساند که باید مورد ارزیابی قرار گیرد. پولس در این شرایط توصیه می کند: «آفریده شدگان، اطاعت کنید همه به اربابان زمینی خود، نه به عنوان کسانی که می خواهند خود را راضی نگه دارند مردان، اما با اخلاص قلبی، به احترام خدا. و هر کاری که انجام می دهید، از دل بکنید، مانند خداوند، نه برای مردم» (کولسیان، 3: 22-24)

تمایل به نرم کردن لبه حقیقت وجود دارد تا لطف دیگران را از دست ندهید. شخصی قدرتمند یا با نفوذ چه بسیار که از ترس از دست دادن، عقیده خود را خفه کرده اند پول یا موقعیت! بگذارید همه به یاد داشته باشند: "اگر هنوز سعی می کردم مردان را راضی کنم، این کار را نمی کردم من خادم مسیح خواهم بود." اما این بدان معنا نیست که ما باید بی ادب یا بی ادب باشیم. این بدان معنا نیست که ما باید به کسی توهین غیر ضروری کنیم. خدا مهربان است

با ناسپاسان و کافران ما باید برنده روح باشیم، بنابراین ما
ما باید یک روحیه برنده را بیان کنیم، ما باید انقیادها را نشان دهیم
ویژگی های کسی که همه عشق است، مصلوب.

1) چگونه بدون تحقیر خدا به مردان هشدار می دهیم؟ (دوم تیموتائوس 2:4، اول تیموتائوس
1:5 و 2)

_____:

شنبه

11 اما ای برادران، به شما می‌دانم که انجیلی که من موعظه کردم، مطابق مردم نیست.

12 زیرا من آن را نه دریافت کردم و نه از کسی آموختم، مگر با مکاشفه
عیسی مسیح

انجیل الهی است نه انسانی. رسول در آیه اول می فرماید که چنین نبود
فرستاده شده توسط مردم و کسی که جز مسیح تمایلی به خشنود ساختن آنها ندارد. واضح است که
پیامی که او آورد کاملاً از بهشت آمده است. با تولد و تحصیلات بود
بر خلاف انجیل، و هنگامی که او تبدیل شد، صدایی از آسمان آمد. O
خداوند خود در راه ظاهر شد، در حالی که نفس تهدید و مرگ بر علیه
قدیسان خدا (اعمال رسولان، 22-1: 9)

هیچ دو نفری وجود ندارد که تجربه تبدیل آنها یکسان باشد. با این حال
اصول کلی همیشه یکسان است. مانند پولس، آنها باید تبدیل شوند. تعداد کمی
آنها تجربه شگفت انگیزی مانند او خواهند داشت. اما اگر اصیل باشد، وحی خواهد بود
بهشت به همان اندازه که پولس بود. به همه فرزندان شما آموزش داده خواهد شد
ابدی» (اشعیا، 54:13) «همه توسط خداوند تعلیم خواهند یافت. به این ترتیب هر که می شنود و
از پدر بیاموز، نزد من بیا» (یوحنا، 6:45) «مسح که از او گرفته‌اید، در آن بمانید
شما، و نیازی ندارید که کسی به شما تعلیم دهد» (اول یوحنا، 2:27)

با این حال، فرض نکنیم که در ارتباط انجیل بسیار زیاد است
عامل انسانی خدا رسولان، انبیا، معلمان و دیگران را در کلیسا قرار داده است (اول قرن‌تینان، 12:28) این روح خداست که در همه آنها
کار می‌کند. مهم نیست از طریق چه کسی

شخص برای اولین بار حقیقت را شنیده است، باید آن را به صورت مستقیم دریافت کند
از آسمان. روح القدس کسانی را که می‌خواهند اراده خدا را انجام دهند واجد شرایط می‌کند تا آنها را انجام دهند
آنها به محض دیدن یا شنیدن حقیقت را می‌شناسند. و آنها آن را می‌پذیرند و نه
متکی به اختیار شخصی است که آن را ارائه کرده است، اما به حجت خدا
واقعا

ما می‌توانیم آنقدر از حقیقت مطمئن باشیم که چگونه آن را نگه داریم و آموزش دهیم
پولس رسول

اما وقتی کسی نام یکی از علما را می‌آورد که بسیار مورد احترام است
یک باور را توجیه کند یا به آن در برابر دیگری یا دیگرانی که به دنبال متقاعد کردنشان است، اهمیت بیشتری بدهد،
می‌توانید مطمئن باشید که حقیقتی را که ادعا می‌کنید نمی‌دانید. ممکن است درست باشد، اما نه
خودش می‌داند که این درست است. با این حال، این افتخار برای همه است که او را بشناسند (João)
8:31 و 32) هنگامی که یک شخص دارای حقیقتی است که مستقیماً از جانب خدا می‌آید، ده
هزار بار ده هزار نام بزرگ به نفع او، به وزن یک پر اضافه نمی‌شود
اقتدار او؛ همانطور که اگر او بود حتی کوچکترین کوچکی از او نمی‌کردم
مخالفت با تمام مردان بزرگ روی زمین.

مکاشفه عیسی مسیح - توجه داشته باشید که پیام پولس چنین نیست
صرفاً مکاشفه ای است که از عیسی مسیح می‌آید، بلکه «مکاشفه عیسی است
مسیح». فقط این نیست که مسیح چیزی را به پولس ابلاغ کرد، بلکه به این معناست
که خود را بر رسول آشکار کرد. راز انجیل مسیح در مؤمن است،
امید جلال (کولسیان، 1:25-27) حقیقت خدا فقط در این صورت است
شناخته شود و شناخته شود. مسیح خیلی دور نیست و محدود به اعلام است
اصول به نحوی خاص که ما از او پیروی می‌کنیم، اما کافی است که خودش بر ما تأثیر بگذارد.
تصاحب ما در حالی که خود را تسلیم او می‌کنیم و زندگی او را در آن آشکار می‌کنیم
گوشت فانی ما بدون عطر حضور او، موعظه ای وجود نخواهد داشت
انجیل عیسی در پولس به گونه ای نازل شد که می‌توانست او را در میان مشرکان موعظه کند.
من درباره مسیح موعظه نمی‌کنم، بلکه درباره خود مسیح موعظه می‌کنم. "چرا خودمان را موعظه نمی‌کنیم،
بلکه به عیسی مسیح خداوند» (دوم قرن‌تینان، 4:5)

اما در بسیاری، مسیح چنان "سرکوب" شده است که تشخیص او دشوار است. این حقیقت که زندگی آنها دلیلی بر این است که مسیح می خواهد آنها را نجات دهد، اما مجبور است صبورانه منتظر بماند لحظه ای که در آن کلمه را دریافت می کنند، به طوری که زندگی کامل مسیح آشکار می شود بر روی آنها

این می تواند برای هر کسی که آن را می خواهد، در حال حاضر، مهم نیست که چگونه اتفاق می افتد ذلیل و گناهکار باشد. به خدا اجازه این کار را بده. آنگاه تمام مقاومت ها متوقف خواهد شد.

(1) وقتی پولس از خدا مأموریت موعظه انجیل را دریافت کرد، مشورت کرد

مردان برای تایید تماس او چیست؟ (غلاطیان 1:15-17)

2 زندگی بر اساس ایمان مسیح - بخش 1

آیه طلایی: "بنابراین نتیجه می گیریم که انسان با ایمان جدا از اعمال شریعت عادل شمرده می شود." (رومیان، 3:28)

یکشنبه

1) پولس برای اطمینان از اینکه بیهوده دویده است چه کرد؟ تو چی

مثال به ما می آموزد؟ (غلاطیان 2:2)

1 پس از چهارده سال، دوباره با برنابا به اورشلیم رفتم و تیطوس را با خود بردم.

2 و من به وسیله مکاشفه بالا رفتم، و انجیلی را که در میان غیریهودیان موعظه می‌کنم، به ویژه برای کسانی که ارجمند بودند، توضیح دادم. به طوری که به هیچ وجه بیهوده دویدم یا نه

3 اما هنوز تیتوس که با من بود، که یونانی بود، مقید نبود خودتان را ختنه کنید؛

"چهارده سال بعد." پیروی از سیر طبیعی روایت به معنای چهارده است

سالها پس از دیدار غلاطیان، 18:1 که به نوبه خود سه سال پس از آن اتفاق افتاد

تبدیل پولس بنابراین، آن دیدار هفده سال پس از او اتفاق افتاد

تبدیل، یا اگر ترجیح می دهید، در سال 51 پس از میلاد، تاریخی که مصادف با شورای

اورشلیم، که در اعمال 15 به آن اشاره شده است. فصل دوم غلاطیان در مورد آن صحبت می کند

شورا، موضوعاتی که در آنجا مورد بحث قرار گرفت و آنچه از آنها نشات می گرفت.

در فصل اول به ما خبر می دهند که برخی مزاحم برادران بودند

از طریق تحریف انجیل مسیح، از طریق معرفی یک دروغ

انجیلی که سعی کرد خود را واقعی جلوه دهد. در اعمال رسولان 15:1 می خوانیم که آنها از آنجا آمده اند

یهودیه، برخی از آنها که به برادران خود تعلیم می‌دادند، مگر اینکه آنها را طبق آیین ختنه کنید

از موسی، شما نمی توانید نجات پیدا کنید. این شامل «انجیل دیگری» بود که آنها بودند

تلاش برای موعظه کردن به برادران، به جای موعظه واقعی - در واقع هیچ چیز دیگری نبود، زیرا

که یکی بیشتر نیست.

پولس و برنابا به هیچ وجه حاضر به حمایت از این موعظه جدید نبودند،

در برابر آن مقاومت کرد «تا حقیقت انجیل در میان شما باقی بماند» (غل).

(2:5 رسولان با برادران دروغین «بحث و نزاع شدیدی داشتند».

(اعمال رسولان 15:2). مناقشه بین انجیل معتبر و تقلبی آن بود.

مقایسه انجیل راست و دروغ

(1 برادران دروغین چه گفتند؟ (اعمال رسولان 15:1)

ز:

(2) با توجه به انجیل واقعی، با چه وسیله ای نجات پیدا می کنیم؟ (افسیان 2:8)

ز:

دوشنبه

انکار مسیح -نگاهی به تجربه کلیسای انطاکیه که بود

رنج بردن از هجوم آن انجیل جدید، نشان خواهد داد که بیشترین معنا را داشته است

بیانیه قطعی قدرت مسیح برای نجات.

انجیل ابتدا توسط برادرانی که از دیاسپورا آمده بودند گرفته شد

به دنبال آزار و شکنجه ای که با شهادت استفان آغاز شد. این برادران «به خود آمدند

انطاکیه، آنها با یونانیان صحبت کردند و انجیل خداوند عیسی را به آنها اعلام کردند. دست

خداوند با آنها بود. و عده زیادی ایمان آوردند و بسوی خداوند بازگشتند» (اعمال رسولان

11:20 و 21). در آن کلیسا انبیا و معلمانی بودند و خداوند را موعظه می کردند

و روزه گرفتند، روح القدس آنها را برانگیخت تا برنابا و شائول را جدا کنند

کاری که خدا آنها را به آن فرا خوانده بود (اعمال رسولان 13: 1-3). پس شکی نیست

که کلیسا تجربه عمیقی در امور خدا داشته است. آنها

آنها با خداوند و با صدای روح القدس آشنا شدند.

و حالا بعد از هر اتفاقی که افتاده بود، این برادران آمدند و گفتند: «اگر نکنیم

ختنه شده طبق آیین موسی، نجات نخواهید یافت.» این همان بود

بگو: "تمام ایمان شما به مسیح و تمام شهادت روح بدون علامت مسیح هیچ است."

ختنه. آنها قصد داشتند علامت ختنه بدون ایمان را بر ایمان به مسیح بدون ایمان برتری دهند

نشانه های بیرونی این «انجیل دیگر» یک حمله به کل حکومت انجیل بود

معتبر و انکار آشکار مسیح.

جای تعجب نیست که پولس کسانی را که به این روش تعلیم می دادند «برادران دروغین» نامید:

4 و این به خاطر برادران دروغینی است که مخفیانه وارد شدند تا آزادی ما را که در مسیح عیسی داریم جاسوسی کنند تا ما را به

اسارت خود درآورند.

5 که حتی یک ساعت هم تسلیم او نشدیم تا حقیقت انجیل در میان شما باقی بماند.

پولس در فصل اول بیان کرده بود که برادران دروغین «آنها را پریشان می کنند و

آنها می خواهند انجیل مسیح را منحرف کنند» (آیه 7). در نامه ای که توسط

رسولان و بزرگان به کلیساها، در مورد آنها گفته شد: "ما می دانیم که بدون ما

برخی ما را ترک کرده اند و ما را پریشان کرده اند و روحیه خود را با خود تیره کرده اند

کلمات» (اعمال رسولان 15:24).

تعداد بسیار بیشتری از آن کلاس همچنان وجود داشت. خیلی منفی بود

کار او که رسول فرمود که هر که خود را به آن داد: «باش

محکوم شد» (غلاطیان 1: 8 و 9 را ببینید). این واعظان به نوعی نگاه می کردند

عمداً انجیل مسیح را تضعیف می کنند و در نتیجه ایمانداران را نابود می کنند.

برادران دروغگو می گفتند: «مگر اینکه طبق آداب ختنه شده باشید

موسی، تو نمی توانی نجات پیدا کنی» (به معنای واقعی کلمه: تو قدرت نجات نداری).

آنها رستگاری را به سطح چیزی صرفاً انسانی، چیزی وابسته به قدرت تنزل دادند

انسان. آنها نمی دانستند که ختنه واقعاً شامل چه چیزی است: «کسی که

ظاهر است، و نه ختنه که ظاهراً در بدن است، بلکه یک یهودی است

آنچه در باطن است، و ختنه ای که از دل است، در روح، نه بر اساس

ظاهر و باطن (29) از جانب مردم نیست، بلکه از جانب خداست.

1) قدرت چه کسی در نجات انسان عمل می کند؟ (فیلیپیان 2:13)

ر:

سهشنبه

ابراهیم پس از توکل بر خدا، یک بار به صدای سارا گوش داد.
به جای گوش دادن به خداوند، و سعی در تحقق وعده های خدا از طریق قدرت
از گوشت خود (پیدایش 16) نتیجه شکست بود: به جای به دست آوردن وارث،
برده به دست آورد سپس خداوند دوباره بر او ظاهر شد و او را تشویق کرد
با دلی راست پیش او رفت و عهدش را با او تکرار کرد. به منظور. واسه اینکه. برای اینکه
ابراهیم به خاطر شکست و این واقعیت که «جسم هیچ سودی ندارد»، مهر را دریافت کرد
ختنه کردن، برداشتن قسمتی از بدن. این نشان می دهد که،
از آنجایی که «هیچ خیری در جسم ساکن نیست»، می توان وعده های خدا را در آن انجام داد
زمانی که ما "گناهان خود را کنار می گذاریم" (کولس 2:11) از طریق روح.
"ما ختنه واقعی هستیم، ما که بر اساس روح عبادت می کنیم
خدا، و ما به جسم اعتماد نداریم» (فیلیسیان 3: 3)

پس وقتی ابراهیم روح را با ایمان به خدا دریافت کرد، واقعاً بود
ختنه شده «و آنها ختنه را به عنوان علامتی دریافت کردند، یعنی مهر عدالت از طریق ایمان
هنگامی که او ختنه نشده بود» (روم 4:11) ختنه خارجی هرگز چیز دیگری نبود
تنها یک نشانه ظاهری از ختنه واقعی قلب است. اگر دومی گم شده بود،
سیگنال یک تقلب بود. اما اگر ختنه واقعی یک واقعیت بود، آن را انجام داده است
سیگنال خارجی را حس کنید ابراهیم «پدر همه کسانی است که ایمان آورده اند، هرچند ایمان ندارند
ختنه شده» (روم 4:11) برادران دروغین سعی داشتند واقعیت را جایگزین کنند
با نماد خالی برای آنها، پوسته مهره بیشتر از مهره پوسته شده به حساب می آمد.

عیسی گفت: «روح است که حیات می بخشد، جسم هیچ فایده ای ندارد. کلماتی که
من به شما گفتم روح و حیات است» (یوحنا 6:63) برادران انطاکیه و غلطیه
آنها برای نجات به مسیح اعتماد کرده بودند. اکنون برخی سعی کرده اند آنها را به اعتماد وادار کنند
در گوشت به آنها نگفتند که آزادند گناه کنند، این نیست، به آنها گفتند
گفتند باید قانون را رعایت کنند! اما آنها باید خودشان آن را حفظ کنند.

آنها باید خود را عادل بسازند، بدون عیسی مسیح. ختنه یعنی قانون را حفظ کنید اما ختنه واقعی قانونی بود که توسط روح بر قلب نوشته شده بود. برادران دروغین به دنبال ایمانداران بودند تا به شکل خارجی ختنه اعتماد کنند به عنوان جایگزینی برای کار روح. آنچه به عنوان نشانه ای از آن ارائه شده بود عدالتی که از ایمان حاصل می‌شود، نشانه‌ی حق‌پرستی است. تظاهر به باطل برادران باید خود را ختنه می‌کردند تا عادل شوند و نجات یابند. اما «با دل کسی معتقد است که عادل است» (رومیان، 10:10 و «هر چیزی که از ایمان نیست، گناه است».) (روم، 14:23) بنابراین، تلاش انسان برای حفظ قانون خداست از طریق قدرت خود، مهم نیست که چقدر پرشور و مخلص هستند، آنها یک تنها نتیجه: نقص، گناه.

وقتی این سؤال در اورشلیم مطرح شد، پطرس به کسانی که قصد داشتند گفت که مردم باید خود را با اعمال خود توجیه کنند، نه با ایمان به آن مسیح: «پس چرا خدا را با گذاشتن الف و سوسه می‌کنید یوغی که نه پدر و مادرمان تحمل می‌کنیم و نه ما؟ (اعمال رسولان، 15:10) همانطور که سخنان پولس به برادران دروغین نشان می‌دهد، این یوغ بردگی بود که «در خفا رفتند تا از آزادی ما در مسیح عیسی جاسوسی کنند ما را به بردگی فرو کن» (غلاطیان، 2:4) مسیح از گناه رهایی می‌یابد. زندگی شما "قانون کامل است - آزادی." "به شریعت معرفت گناه است» (رومیان، 3:20) اما نه رهایی (رهایی) از گناه. «شریعت مقدس است و فرمان مقدس و عادلانه و نیکو» (روم، 7:12) زیرا معرفت گناه را فراهم می‌کند و آن را محکوم می‌کند. این مثل یک است نشانگر که آدرس صحیح را به ما می‌گوید، اما ما را به محل نمی‌برد. میتوانی نشان دهید که ما در مسیر درستی نیستیم، اما عیسی مسیح فقط می‌تواند آن را چنین کند در او راه برویم، زیرا او راه است. گناه بندگی است. فقط کسانی که نگه می‌دارند احکام خدا در آزادی است (مزمور 119:45 و تنها نگه داشتن احکام ممکن است. احکام با ایمان به مسیح (رومیان 3:8 و 4).

بنابراین، آنچه مردم را وادار می‌کند که برای عدالت بدون مسیح به شریعت اعتماد کنند، این است بر آنها یوغ انداختن، آنها را در بردگی زندانی کردند. وقتی یک محکوم طبق قانون که او در زندان است، با همان قانونی که او را محکوم کرده است، نمی‌تواند از زندان آزاد شود. اما این به معنای نقص در قانون نیست. دقیقاً همینطور است زیرا این یک قانون عادلانه است که فرد مجرم را بی‌گناه اعلام نمی‌کند.

رسول گزارش می‌دهد که با تعلیم نادرستی روبرو شد که اکنون برادران غلطیه را به بیراهه می‌برد «تا حقیقت انجیل نزد آنها بماند». این همه است

بدیهی است که رساله به غلطیان حاوی انجیل در خالص ترین بیان آن است. خیلی ها سوءتفاهم کرده اند و هیچ سودی نمی برند، فکر می کنند اینطور است صرفاً یک کمک اضافی به "اختلافات و بحث های مربوط به قانون" (تیطوس 9: 3) که خود پولس نسبت به آن هشدار داد.

(1) طبق انجیل واقعی، همانطور که انسان مطیع قانون می شود،

اجرای عدالت؟ (رومیان 1:17)

_____ز:

چهارشنبه

6 و اما کسانی که چیزی به نظر می‌رسیدند (اینکه آیا در زمان دیگری بودند، نمی‌دانم، خداوند ظهور انسان را نمی‌پذیرد)، می‌گویم، کسانی که به نظر من چیزی بودند، چیزی به آنها ابلاغ نکردند. من

7 برعکس، چون دیدند که انجیل ختنه نشدن به من سپرده شد، چنانکه انجیل ختنه به پطرس سپرده شد.

طبق اعمال رسولان، در انطاکیه تصمیم گرفته شد که پولس، برنابا و برخی دیگر با توجه به موضوع مورد بحث به اورشلیم بروند. اما پل

بیان می کند که این "به وسیله مکاشفه" بود (غلاطیان 2:2) نه تنها آن را به توصیه بود

برادران، اما همان روح او را به سمت این حرکت داد، پولس و آنها. از عمد نبود

برای یادگیری حقیقت، اما برای محافظت از آن. این در مورد پیدا کردن چه چیزی نبود

شامل انجیل بود، اما انجیلی را که در میان مشرکان موعظه می کرد، ابلاغ می کرد.

کسانی که در آن مجلس مهم به نظر می رسیدند چیزی به آن اضافه نکردند. پل

انجیل را از هیچکس دریافت نکرد و نیازی به شهادت نداشت

هر مردی از صحت آن مطمئن شود. وقتی خداست که

صحبت می کند، تاییدی که از طرف یک مرد خواسته می شود، یک گستاخی است. O

خداوند ترتیبی داد که برادران در اورشلیم شهادت پولس را بشنوند

که به تازگی ایمان آورده بودند، می دانستند کسانی که خدا فرستاده بودند آنها سخنان خدا را می گفتند و بنابراین همه یک چیز را می گفتند. بعد از تو رویگردانی از «خدایان به اصطلاح بسیار» برای خدمت به خدای یگانه، که باید داشته باشند اطمینان به اینکه حقیقت یک انجیل است و یک انجیل برای همه انسانها.

انجیل خرافه نیست - هیچ چیز در این جهان وجود ندارد که بتواند فیض و فیض بدهد عدالت در حق انسان است و هیچ کاری از دست انسان بر نمی آید که رستگاری بیاورد. O انجیل قدرت خدا برای نجات است، نه قدرت انسان. هر آموزش که انسان را وادار می کند که به یک شی اعم از یک نقاشی یا هر چیز دیگری اعتماد کند چیز دیگری، یا حتی به هر تلاشی، به خود کار برای نجات اعتماد کنید، حتی اگر چنین تلاشی در جهت ستودنی ترین اهداف باشد، انحراف حقیقت انجیل است. این یک انجیل دروغین است. در کلیسای مسیح هیچ آیین مقدسی وجود ندارد که به موجب یک عملیات جادویی خاص، فیض خاصی را به کسانی که آنها را دریافت می کنند، می بخشد. با این حال، کسانی که به خداوند عیسی مسیح ایمان دارند و بنابراین هستند، کارهایی وجود خواهد داشت عادلانه و نجات یافته، او به عنوان بیانی از ایمان خود عمل خواهد کرد. "به فیض شما نجات یافته اید، توسط از طریق ایمان و این از جانب شما نیست، بلکه هدیه ای از جانب خداوند است. نه با آثار، به طوری که هیچ کس نمی تواند به خود ببالد زیرا ما کار او هستیم که در مسیح عیسی برای اعمال نیک آفریده شده ایم، که خدا از قبل برای ما آماده کرده بود تا در آنها راه برویم» (افسیسیان 10-8: 2) این «حقیقت انجیل» است که پولس از آن دفاع کرد. این انجیل برای همه زمانها است.

(1) آیا پیام انجیل ابدی خواهد بود یا در مقطعی تغییر خواهد کرد؟

(مکاشفه 14:6)

ر:

(2) آیا انجیل موعظه شده توسط پطرس با انجیلی که توسط پولس موعظه شده بود متفاوت بود؟

(غلاطیان 1:9)

ر:

ظواهر می تواند فریبنده باشد - خدا به آنچه انسان است نگاه می کند، نه به آنچه که به نظر می رسد. O
آنچه به نظر می رسد تا حد زیادی به چشمانی که آن را می بینند بستگی دارد. چی
واقعاً این است که میزان قدرت و حکمت خدا را در او نشان می دهد. نه خدا
در برابر مقام رسمی تعظیم می کند. این موقعیت نیست که اقتدار می بخشد، بلکه موقعیت است
اقتداری که موقعیت اصیل را می دهد. آدم های متواضع، بدون مقام، کم نیستند
آنها بر روی این زمین، بدون شناخت رسمی، واقعاً اشغال کردند
برتر و دارای اقتدار بیشتر از تمام پادشاهان زمین. اقتدار می آید
حضور خدا در روح، فارغ از محدودیت.

پنج شنبه

8(زیرا کسی که در پطرس برای رسالت ختنه کار مؤثری کرد، در من نیز نسبت به غیریهودیان مؤثر بود)

کلام خدا زنده و مؤثر است (عبرانیان . 4:12 هر فعالیتی که در کار باشد
از انجیل، هر آنچه انجام می شود از خدا می آید. عیسی «به انجام کارهای نیک پرداخت» زیرا
"خدا با او بود" (اعمال رسولان . 10:38) خودش گفت: «من از خودم کاری نمی توانم بکنم
انجام دهید" (یوحنا ، 5:30) پدری که در من زندگی می کند، او اعمال را انجام می دهد" (یوحنا . 14:10) از این
بنابراین، پطرس از او به عنوان «مردی که در میان شما با معجزات و عجایب مورد تأیید قرار گرفته است، یاد کرد
نشانه هایی که خدا بوسیله او انجام داد» (اعمال رسولان . 2:22) آیا شاگرد از او بزرگتر نیست؟
آقا سپس پولس و برنابا در مجمع اورشلیم «به بزرگان گفتند
عجایب و نشانه هایی که خدا به وسیله آنها در میان امت ها انجام داده بود» (اعمال رسولان . 15:12)
پولس اظهار داشت که کوشش کرده است تا «به هر کس کامل شود
مسیح»، «مبارزه با نیروی مسیح که در من نیرومند عمل می کند» (کولسیان 1:28 و
29) متواضع ترین مؤمنان می توانند همین قدرت را داشته باشند. «زیرا خدا همان قدرت است
که در شما کار می کند تا هم بخواهید و هم مطابق رضای او عمل کنید.» (فیل.
2:13) نام عیسی عمانوئیل است: "خدا با ما". خدا با او را آفرید
به انجام کارهای خوب ادامه داد اما خدا تغییر ناپذیر است. بنابراین، اگر ما واقعاً آن را داشته باشیم
عیسی - خدا با ما - ما نیز به انجام کارهای نیک خواهیم پرداخت.

9 و چون یعقوب و قیفا و یوحنا را که به عنوان ستون شمرده می شدند، فیضی را که به من عطا شد شناختند، دست راست خود را
به ما دادند، در مشارکت با من و با من.
برنابا، تا ما نزد غیریهودیان برویم و آنها به ختنه.

10 فقط به ما توصیه می‌کند که فقرا را به یاد بیاوریم، که من نیز در انجام آن سخت کوشیدم.

برادران در اورشلیم ارتباط خود را با خدا تأیید کردند و «فیض» را دیدند که به پولس داده شده بود. کسانی که توسط روح خدا هدایت می‌شوند همیشه خواهند بود آماده است تا کار روح القدس را در دیگران تشخیص دهد. مطمئن ترین مدرک اینکه کسی شخصاً چیزی در مورد روح القدس نمی‌داند ناتوانی است کار شما را تشخیص دهید حواریون دیگر روح القدس داشتند و از چگونگی آن قدردانی کردند خدا پولس را برای کار ویژه‌ای در میان مشرکان برگزیده بود. و اگر چه شما روش کار با آنها متفاوت بود، خداوند به او هدایای خاصی داده بود به خاطر این کار خاص و از دراز کردن دست راست خود به عنوان نشانه به سوی او دریغ نکردند از همنشینی، فقط از او می‌خواهد که از بینوایان قوم خودش یاد کند، "که من نیز مایل به رعایت آن بودم".

وحدت کامل - توجه داشته باشیم که بین رسولان اختلاف نظر وجود نداشت. و نه در کلیسا، با توجه به آنچه انجیل بود. برادران دروغین بودند، درست است. ولی از آنجایی که آنها دروغ بودند، آنها بخشی از کلیسا، بدن مسیح، که حقیقت است، نبودند. بسیاری از مسیحیان، افراد مخلص، گمان می‌کنند که چیزی کمتر از آن است نیاز به اختلاف در کلیسا وجود دارد. همه نمی‌توانند چیزها را از آن ببینند به همین ترتیب، این نظر مکرر است. آنها افسسیان 4:13 را اشتباه تفسیر می‌کنند و استنباط می‌کنند که خداوند به ما هدایایی داده است «تا زمانی که همه به وحدت ایمان برسیم». اما آموزش از کلام این است که "در وحدت ایمان و در معرفت پسر خدا" به "به یک حالت کامل، در قامت کامل مسیح." تنها "یک ایمان" وجود دارد (آیه 5). ایمان عیسی همانطور که یک خداوند نیز وجود دارد، کسانی که فاقد این ایمان هستند لزوماً عاری از مسیح خواهد بود.

کلام خدا حقیقت و نور است. فقط یک مرد نابینا می‌تواند از قدردانی آن کوتاهی کند شکوه نور اگر چه انسان هیچ نوع نور دیگری را نمی‌شناسد نور مصنوعی، به جز آنچه از یک لامپ می‌آید، بلافاصله تشخیص می‌دهد که که یک لامپ الکتریکی ساطع می‌کند که برای اولین بار به او نشان داده می‌شود. مشخص است که وجود دارد درجات مختلف دانش، اما بین درجات آن اختلافی وجود ندارد دانش تمام حقیقت یکی است.

(1) چه زمانی جهان باور خواهد کرد که خدا عیسی را فرستاده و او ما را دوست داشته است؟ (یوحنا - 17:21)

ر:

جمعه

11 و چون پطرس به انطاکیه آمد، من در برابر او مقاومت کردم، زیرا او مذموم بود.

12 زیرا قبل از آمدن عده‌ای از سوی یعقوب، با غیریهودیان غذا خورد. اما پس از رسیدن آنها، از ترس کسانی که ختنه شده بودند، عقب نشینی کرد و از آنها جدا شد.

13 و سایر یهودیان نیز با او بداخلاقی کردند، به طوری که حتی برنابا نیز از تحقیر آنها برده شد.

لازم نیست روی اشتباهات پیتر و هیچ مرد دیگری تمرکز کنیم

پارسا هیچ سودی در این کار وجود ندارد. اما ما باید به این اثبات توجه کنیم

شواهد انکارناپذیری نشان می‌دهد که پطرس هرگز «رئیس رسولان» در نظر گرفته نمی‌شود، و این

او هرگز پاپ نبوده و نبود. چه کسی جرات مقاومت کشیش، اسقف یا کاردینال را دارد

رو در رو با پاپ، قبل از یک مجمع عمومی!

اما پیتر مرتکب اشتباهی شد و به همین دلیل این کار را با توجه به یک موضوع حیاتی انجام داد

که معصوم نبود او ملامتی را که پولس به او کرد، با ملایمت پذیرفت.

او او را به عنوان مسیحی مخلص و فروتنی که بود پذیرفت. با توجه به داستان، اگر بود

چیزی به نام سر قابل مشاهده (انسان) کلیسا وجود دارد، این افتخار باید داشته باشد

ظاهراً با پولس مطابقت داشت و نه با پیتر. پولس نزد مشرکان فرستاده شد و

پطرس به یهودیان؛ اما این دومی ها بخش بسیار کوچکی از کلیسا را تشکیل می دادند. شما

تعداد نوکیشان غیریهودی به سرعت از آنها بیشتر شد، به طوری که حضور

ایمانداران یهودی الاصل به سختی مورد توجه قرار گرفتند. همه مسیحیان در شرایط عالی بودند

ثمره کارهای پولس را که طبیعتاً چشمها به او معطوف بود، بیشتر از سایر شاگردان معطوف کرد. به همین دلیل است که پولس

می‌توانست بگوید که بر او سنگینی می‌کند

"مراقبت روزانه برای همه کلیساها" (دوم قرنتیان 11:28) اما عصمت

این سهم هیچ انسانی نیست، و نه پولس به دنبال آن بود. بزرگترین در کلیسای

مسیح بر ضعیف ترین ها تسلط ندارد. عیسی گفت: «یکی استاد شماسست و همه شما برادران هستید» (متی. 23:8 و پطرس ما را تشویق می‌کند که «همه تسلیم یکدیگر باشیم».) (1 پد. 5:5)

هنگامی که پطرس در مجمع اورشلیم بود، به روشی اشاره کرد که در آن مشرکان انجیل را از طریق موعظه او دریافت کرده بودند: «خدایا که می‌داند قلب‌ها، آنها را با دادن روح القدس و همچنین ما به آنها شناخت. هیچ یک بین ما و آنها تفاوت ایجاد شد، زیرا او با ایمان دل‌های آنها را پاک کرد» (اعمال رسولان 8:15 و 9). چرا؟ زیرا با شناخت دل‌ها می‌دانستند که «همه گناه کرده‌اند و هستند از جلال خدا محروم می‌شوند، آنگاه آنها فقط می‌توانستند «آزادانه توسط آن‌ها توجیه شوند فیض، از طریق فدیة ای که توسط مسیح عیسی انجام شد» (رومیان 3:23 و 24) با اینکه، پس از آن که خداوند او را در برابر چشمان پطرس اثبات کرد - پس از این به مشرکان موعظه کرده بود و پس از اینکه شاهد اعطای روح بود برای ایمانداران غیر یهودی و همچنین برای یهودیان مقدس است. پس از صرف غذا با آنها و دفاع صادقانه از آنها؛ پس از شهادت قاطع در مجلس در مورد آن خدایی که بین یهودیان و غیریهودیان تفاوتی قائل نشد. و حتی بعد از خودش تفاوتی ایجاد نکرده است - پدر، ناگهان، به محض اینکه "عده ای آمدند" که او تصور می‌کرد چنین آزادی را تایید نمی‌کند، شروع به ایجاد تفاوت کرد! "او عقب نشینی کرد و او از ترس ختنه شدگان رفت." همانطور که گفتم این "تقلب"، "نفاق" بود پولس، و نه تنها در خود بد بود، بلکه شاگردان را گیج و گمراه می‌کرد. پدر او در آن زمان تحت کنترل ترس بود، نه با ایمان.

بر خلاف حقیقت انجیل - به نظر می‌رسید که موج ترس نیز به آنها رسیده است مؤمنان یهود، زیرا «دیگر مؤمنان یهودی در تقلب آنها شرکت داشتند، آنقدر که حتی برنابا هم گرفتار ریاکاری آنها شد.» مسلماً «راه نرفتند دقیقاً مطابق حقیقت انجیل» (آیه 14) اما عمل ساده از تقلب تمام اهانت به حقیقت انجیل نبود. در آن متن به معنای انکار عمومی مسیح بود، همان طور که در آن متن دیگر بود زمانی که پیتر، تحت فشار ناگهانی ترس، به وسوسه افتاد. ما داریم اغلب به اشتباه کودکان می‌افتادند تا به عنوان قاضی برخیزند، اما می‌توانیم واقعیت و پیامدهای آن را به عنوان یک هشدار مشاهده کنیم.

14 اما چون دیدیم که طبق حقیقت انجیل به درستی راه نمی‌اروند، در حضور همه به پطرس گفتم: «اگر تو که یهودی هستی، مانند غیریهودیان زندگی می‌کنی، نه مانند یهودیان، چرا شما غیریهودیان را مجبور می‌کنید که مانند یهودیان زندگی کنند؟»

توجه داشته باشید که چگونه عمل پیتر و کسانی که او را همراهی می کردند یک عمل مجازی بود - هرچند نه عمدی - انکار مسیح. بحث ختنه شده بود

محل همین الان مسئله توجیه و رستگاری بود: انسان فقط نجات می یابد

با ایمان به مسیح یا با اشکال بیرونی؟ شهادت به این معنا صریح بود

که نجات تنها با ایمان است. و اکنون، در حالی که بحث هنوز زنده است،

هنوز "برادران دروغین" اشتباهات خود را تبلیغ می کردند، این برادران وفادار شروع به انجام این کار کردند

تبعیض به ضرر مؤمنان غیر یهودی چون ختنه نشده اند. که در

در واقع می گفتند: «اگر خودت را به رسم موسی ختنه نکنی،

نجات نخواهی یافت.» شکل عمل او این بود: «ما همچنین قدرت آن را زیر سؤال می بریم

فقط ایمان به مسیح می تواند انسان ها را نجات دهد. ما واقعاً به این نجات اعتقاد داریم

بستگی به ختنه و اعمال قانون دارد. ایمان به مسیح خوب است، اما انجام آن ضروری است

چیز دیگری مد نظر دارید. او خودش کافی نیست. پولس نمی توانست با چنین انکار موافقت کند

حقیقت انجیل، و به صراحت به ریشه مشکل رفت.

(1) ما با اعمالی که امروز انجام می دهیم یا فقط با ایمان عادل و نجات می شویم

در مسیح عیسی؟ (رومیان 2:8، 3:28 افسسیان 2:8)

شنبه

15 ما ذاتاً یهودی هستیم و در میان غیریهودیان گناهکار نیستیم.

16 چون می دانیم که انسان از طریق اعمال شریعت عادل نمی شود، بلکه با ایمان به مسیح عیسی، به مسیح عیسی نیز ایمان

آورده ایم تا با ایمان به مسیح عادل شمرده شویم، نه با اعمال شریعت. زیرا با اعمال شریعت هیچ جسمی عادل نخواهد شد.

آیا منظور پولس این بود که چون یهودی بودند گناهکار نبودند؟ غیر ممکن است، زیرا

آنها به عیسی مسیح ایمان آورده بودند تا عادل شوند. آنها ساده بودند

گناهکاران یهودی، نه گناهکاران غیریهودی. هر چه آنها ممکن است به عنوان به خود ببالند

یهودیان مجبور بودند آن را به خاطر مسیح از دست دادن حساب کنند. هیچ چیزی وجود نداشت که بتواند ارزش، جز ایمان به مسیح، و با این حال، آشکار است که گناهکاران غیریهودیان نیز می‌توانستند مستقیماً با ایمان به مسیح، بدون نیاز به نجات، نجات یابند از تشریفات پوچ پیروی کنید که برای یهودیان مفید نبوده است، و این به مقدار زیادی به دلیل بی‌ایمانی آنها داده شد.

«کلمه ای صادفانه که شایسته پذیرش همه است، که مسیح عیسی برای آن به دنیا آمد جز گناهکارانی که من سرآمد آنها هستم.» (اول تیم. 1:15) همه گناه کرده اند و هستند به همان اندازه در برابر خدا گناهکارند. اما هر کس، از هر نژاد و طبقه ای که باشد، می‌تواند این حقیقت را بپذیرد: "گناهکاران را بپذیر و با آنها بخور" (لوقا 15:2) یک گناهکار ختنه شده بهتر از ختنه نشده نیست. گناهکاری که عضو کلیسا است بهتر از یکی نیست که نیست گناهکاری که تحت شکل غسل تعمید قرار گرفته است نیست بهتر از گناهکاری که هرگز به دین مبادرت نکرد. گناه گناه است و گناهکاران، در داخل یا خارج از کلیسا، گناهکاران هستند. اما، خدا را شکر، مسیح همان است برای گناهان ما و همچنین برای گناهان تمام جهان قربانی کنید (اول یوحنا 2:2) برای کافری که پیشه دین می‌کند، امید است، هم به آن که که هرگز نام مسیح را نخواند. همان انجیلی که به جهان موعظه می‌شود باید در کلیسا نیز موعظه شود، زیرا فقط یک انجیل وجود دارد. برای هر دو مفید است گناهکاران در جهان و همچنین اعضای کلیسا را تبدیل کنید. و در همان زمان، کسانی را که واقعاً در مسیح هستند تجدید می‌کند.

معنای کلمه «عادل» «عادل شده» است. از کلمه لاتین *Justitia* گرفته شده است. بودن عادلانه بودن آن است. به این، پایان *Ficar* را نیز از لاتین به معنای اضافه می‌کنیم "انجام دادن". بزرگ کردن: بزرگ کردن. وقار: شایسته ساختن و غیره. توجیه کنید: عدالت را رعایت کنید. در برخی موارد ما اصطلاح «توجیه کردن» را برای کسی که از یک واقعیت بی‌گناه است به کار می‌بریم به ناحق متهم شد اما این نیاز به توجیه ندارد، زیرا از قبل منصفانه است. اکنون، از آنجایی که «همه گناه کرده‌اند»، هیچ کس عادل - یا درستکار - در برابر خدا نیست. پس همه آنها باید توجیه شوند یا عادل شوند.

شریعت خدا عدالت است (رومیان 9:39؛ 7:21؛ و 31:31 مزمور 119:172 را ببینید). پائولو قدردانی کرد هم شریعت، که به مسیح ایمان آورد تا عدالتی را که می‌خواهد به دست آورد، بلکه خودش را خود قادر به ارائه این نیست: «آنچه برای قانون غیرممکن بود، با توجه به اینکه چگونه بود بیمار از طریق گوشت؛ خدا در فرستادن پسر خود به صورت جسم

گناه، با گناه، گناه در جسم را محکوم کرد. تا عدالت قانون محقق شود
در ما که نه بر اساس جسم، بلکه بر اساس روح رفتار می کنیم» (رومیان 3: 8 و
4) قانونی که همه انسانها را گناهکار اعلام می کند، تنها با تأیید می تواند آنها را توجیه کند
که گناه گناه نیست اما این توجیه نیست، بلکه تناقض خواهد بود.

پس آیا ما قانون را باطل می کنیم؟ کسانی که در گناه پافشاری می کنند، این کار را با شادی انجام می دهند، زیرا چنین است
قانونی که آنها را مجرم اعلام می کند. اما لغو شریعت خدا غیرممکن است، زیرا آن است
این زندگی و شخصیت اوست. «پس شریعت مقدس است و فرمان مقدس و عادلانه و نیکو».
(روم. 7:12) وقتی قانون مکتوب را می خوانیم، تکلیف خود را به وضوح مشخص می کنیم. ولی
ما آن را برآورده نکرده ایم، بنابراین ما مقصریم.

همچنین، به دلیل بزرگی، هیچ کس قدرت لازم برای حفظ قانون را ندارد
از الزامات اگرچه مسلم است که هیچ کس را نمی توان با اعمال قانون توجیه کرد،
دلیلش این نیست که خود قانون معیوب است، بلکه به این دلیل است که فرد معیوب است. وقتی مسیح
با ایمان در قلب زندگی می کند، عدالت شریعت نیز در آنجا زندگی می کند، زیرا مسیح گفت: «من از آن لذت می برم
من در انجام اراده تو، ای خدای من. شریعت تو در قلب من است» (مزمور. 40:8)
هر کس شریعت را کنار بگذارد، زیرا شریعت را خوب نمی داند، خدا را نیز طرد می کند «که به هیچ وجه مجرم را بی گناه نمی داند»
(خروج. 34:7) ولی

خداوند گناه را از بین می برد و گناهکار را به صالح تبدیل می کند. منظورم این است که آن را در هماهنگی قرار دهید
با قانون شریعتی که زمانی او را محکوم می کرد، اکنون بر عدالت او گواهی می دهد (رجوع کنید به روم.
3:21).

3 زندگی بر اساس ایمان مسیح - قسمت 2

آیه طلایی: «با علم به این که انسان از اعمال شریعت عادل نمی‌شود، بلکه با ایمان به مسیح عیسی عادل می‌شود، به مسیح عیسی نیز ایمان آورده‌ایم تا از ایمان مسیح عادل شمرده شویم، نه با اعمال مسیح. قانون؛ زیرا با اعمال شریعت هیچ جسمی عادل نخواهد شد.» (غلاطیان 2:16)

یکشنبه

(آیا مردی که معتقد است عادل است در عمل گناه باقی می‌ماند؟)

(رومیان 6:12)

رن:

اگر کتاب مقدس را آنگونه که هست نپذیریم، چیزهای زیادی از دست می‌دهیم. در اصل، آیه 16

حاوی عبارت «ایمان عیسی» است، مشابه آنچه در مکاشفه 14:12 یافت می‌شود. عیسی

او «نویسنده و تکمیل کننده ایمان» است (عبرانیان 12:2) «ایمان از شنیدن می‌آید و شنیدن از طریق

کلام خدا» (رومیان 10:17) در هدایای مسیح به هر انسانی، ما «میزان ایمانی را که خدا به هر انسانی تقسیم کرد» می‌یابیم (رومیان 12:3).

همه چیز از خدا می‌آید. اوست که

توبه و آمرزش گناهان را می‌دهد.

پس هیچکس نمی‌تواند از ضعف ایمان شکایت کند. شاید قبول نکرده باشد

هدیه استفاده می‌شود، اما چیزی به نام "ایمان ضعیف" وجود ندارد. ممکن است شخصی "ضعیف ایمان" باشد.

ممکن است از تکیه بر ایمان بترسد اما ایمان به آن به اندازه کلام خدا استوار است. خیر

ایمان دیگری غیر از ایمان مسیح وجود دارد. هر چیز دیگری که چنین تظاهر می‌کند یک است

تحریف. فقط مسیح عادل است. او بر جهان غلبه کرده است و تنها او است که قدرت انجام آن را دارد

این. تمام پری خدا در او ساکن است، زیرا شریعت در قلب اوست. فقط

او قانون را در کمال خود نگه داشته و می‌تواند حفظ کند. سپس، تنها با ایمان او - ایمان

زندگی کنید - یعنی زندگی او در ما، ممکن است عادل شویم.

این کاملاً کافی است. او "سنگ آزموده شده" است (اشعیا 28:16) ایمانی که به ما می‌دهد همان است

خود شما، امتحان شده و تایید شده است. شما تحت هیچ شرایطی ما را ناامید نخواهید کرد. خیر

به ما توصیه می‌شود که سعی کنیم مانند او عمل کنیم، حتی اگر سعی کنیم ورزش کنیم

به همان اندازه که او ایمان داشت، اما صرفاً این که ما ایمان او را بگیریم و به او اجازه دهیم
برای عشق کار کن و دل را پاک کن و آن را انجام خواهد داد!

«به همه کسانی که او را پذیرفتند، به کسانی که به نام او ایمان آوردند، قدرت داد
پسران خدا شوید» (یوحنا 1:12) کسانی که او را می پذیرند کسانی هستند که به او ایمان دارند
نام. ایمان آوردن به نام او به معنای ایمان آوردن به این است که او پسر خداست. و این به نوبه خود،
یعنی باور کنیم که او در جسم، در بدن انسان، در بدن ما آمده است. پس باید
باشد، زیرا نام او "خدا با ما" است.

با ایمان به مسیح، تا زمانی که او را داریم، با ایمان مسیح عادل می شویم
شخصاً در ما زندگی می کند و ایمان خود را اعمال می کند. همه چیز در دست اوست
قدرت در آسمان و زمین با درک این موضوع، ما به سادگی به آن اجازه می دهیم
قدرت خود را به شیوه خود اعمال کند. مسیح در انجام آن توانا است
«بی نهایت بیشتر از هر چیزی که می‌خواهیم یا فکر می‌کنیم، با نیرویی که در آن کار می‌کند
ما» (افس. 3:20).

(1) تجربه کسی که ایمان مسیح را دریافت کرده است، ایمانی که شکست نمی خورد چیست؟
(رومیان 6:14، اول یوحنا 3:9)

_____ز:

(2) هر که از خدا زاده شد گناه نمی کند. و اگر هر لحظه مؤمن بترسد که به آن تکیه کند
در این ایمان چه باید بکند؟ (اول یوحنا 1:2 و 2)

_____ز:

دوشنبه

17 زیرا اگر ما که می‌خواهیم در مسیح عادل شویم، گناهکار باشیم، آیا مسیح وزیر گناه است؟ به نوعی

هیچ یک.

عیسی مسیح قدوس و عادل است (اعمال رسولان 3:14) «مسیح آمد تا ما را حذف کند گناهان» (اول یوحنا 3: 5) و نه تنها «گناهی مرتکب نشد» (اول پطرس 2:22) بلکه انجام نداد گناه را می‌دانست (دوم قرنتیان 5:21) پس محال است که هیچ گناهی از او سرچشمه بگیرد. مسیح گناه را نمی‌بخشد. در چشمه‌ی حیاتی که از پهلوی زخم خورده‌ی او جاری می‌شود قلب سوراخ شده، اثری از نجاست نیست. او وزیر نیست گناه: به کسی خدمت گناه نمی‌کند.

اگر عده‌ای که عدالت را از طریق مسیح جست‌وجو کردند - و یافتند - بیشتر گناه می‌کنند دیر، به این دلیل است که آنها جریان را مسدود کردند و باعث راکد شدن آب شدند. مجانی ندادند به کلام می‌روند تا جلال پیدا کنند. و جایی که فعالیت کم است، مرگ ظاهر می‌شود. لازم نیست کسی را در این مورد متهم کرد، غیر از خود شخص. اجازه ندهید هیچ ادعایی مسیحی در مورد نقص خود مشورت نکند و بگوید که او چنین است محال است که مؤمن زندگی بی‌گناهی داشته باشد. برای یک مسیحی واقعی، برای کسی که ایمان کامل دارد، آنچه غیرممکن است این است که نوع دیگری از زندگی داشته باشد، «زیرا ما که ما برای گناه مرده‌ایم، چگونه باید در آن زندگی کنیم؟» (روم 6:2) همه کسی که از خدا زاده شده است به گناه ادامه نمی‌دهد، زیرا حیات خدا در اوست. خیر او می‌تواند به گناه خود ادامه دهد، زیرا از خدا متولد شده است.» (اول یوحنا 3:9) بنابراین، «بمان در او».

18 زیرا اگر آنچه را که ویران کرده‌ام دوباره بنا کنم، خود را می‌سازم

متخلف

اگر یک مسیحی گناهان خود را به واسطه مسیح از بین ببرد - کنار بگذارد تا خود را بازسازی کند بعداً، او دوباره به عنوان یک متخلف شناخته می‌شود. دوباره گم شده است و نیاز به مسیح

لازم به یادآوری است که منظور رسول به کسانی است که به عیسی ایمان آورده اند مسیحی که با ایمان مسیح عادل شدند. پولس در رومیان 6:6 می‌گوید: «ما پیرمرد با او مصلوب شد تا بدن گناه باشد نابود شد تا دیگر برده گناه نباشیم.» همچنین می‌خوانیم: «تو هستی در او که رأس همه اصالت و قدرت است کامل است. تو هم در او بودی ختنه شده توسط یک ختنه بدون دست، هنگامی که شما را از بدن خارج کنید گناهان از طریق ختنه‌ای که مسیح انجام داد» (کولسیان 2: 10 و 11).

آنچه نابود می شود بدن گناه است و فقط حضور شخصی زندگی مسیح است که آن را از بین می برد. این کار را به این منظور انجام می دهد که ما را از قدرت گناه رهایی بخشد، و مانع از این می شود که ما هرگز مجبور نباشیم دوباره به آن خدمت کنیم. از آنجایی که مسیح آن را لغو کرد، برای همه نابود شده است جسم خود «دشمنی»، ذهن جسمانی. نه او - چون هرگز آن را نداشت - اما ما او گناهان، نقاط ضعف ما را از ما گرفت. او پیروزی را برای تمام روح به دست آورد. O دشمن خلع سلاح شد ما باید پیروزی مسیح را بپذیریم. پیروزی در مورد همه گناه در حال حاضر یک واقعیت است. ایمان ما به این امر آن را برای ما به واقعیت تبدیل می کند. از دست دادن ایمان ما را از این واقعیت خارج می کند و بدن قدیمی گناهان دوباره ظاهر می شود. آنچه ایمان ویران می کند با بی ایمانی دوباره ساخته می شود. لازم به یادآوری است که آن نابودی بدن گناهان، اگرچه قبلاً توسط مسیح برای همه انجام شده است، متعلق به زمان حال است، در هر یک به عنوان یک فرد.

سهشنبه

(1) اگر گناه را به زندگی خود بازگردانیم، واقعاً در معرض خطر هستیم.

مسیح؟ (اول یوحنا 3:9 و 10)

_____:

(2) اگر دوباره مسیح را وارد زندگی خود کنیم، وضعیت ما چگونه خواهد بود؟

(رومان 8:37)

_____:

91 زیرا به شریعت برای شریعت مرده ام تا برای خدا زندگی کنم.

به نظر می رسد بسیاری تصور می کنند که عبارت "مرده برای قانون" به همان معنی است

"اجازه دهید قانون بمیرد". آنها چیزهای کاملاً متفاوتی هستند.

قبل از اینکه کسی بتواند به آن بمیرد، قانون باید به قوت خود باشد. مانند
آیا کسی می تواند "مردم قانون" باشد؟ دریافت کامل پناهی خود که همان است
مرگ. فرد مرده است، اما قانونی که او را محکوم کرده بسیار مؤثر و مایل است
جنایتکار دیگری را مانند جنایت اول به مرگ محکوم کنید. حالا این را فرض کنیم
اولین نفری که به دلیل ارتکاب جنایات بزرگ به روشی معجزه آسا اعدام شد،
می توان به زندگی برگرداند. آیا او در برابر قانون مرده نخواهد بود؟ قطعاً. قانون ندارد
در این صورت نمی تواند هیچ یک از اعمال گذشته خود را سرزنش کند. اما اگر مرتکب جنایت شده باشد
باز هم با زیر پا گذاشتن قانون، قانون دوباره او را اعدام می کرد، انگار که شخص دیگری است.
از مرگی که - به خاطر گناه - شریعت را بر من تحمیل کرد زنده شده ام، اکنون وارد آن می شوم
«تجدید حیات»: من برای خدا زنده ام. همانطور که می توان در مورد شائول در مورد اول گفت
روزها، روح خدا "مرا به انسان دیگری تبدیل کرد" (اول سم. 10:6) چنین است
تجربه مسیحی، همانطور که آیه بعدی نشان می دهد:

چهارشنبه

20 من با مسیح مصلوب شدم. و این دیگر من نیستم که زندگی می کنم، بلکه مسیح در من زندگی می کند. و زندگی را
که اکنون در جسم می گذرانم، با ایمان به پسر خدا که مرا محبت کرد و خود را برای من داد، زندگی می کنم.

تا زمانی که با او مصلوب نشویم، مرگ و رستاخیز او نخواهد بود
به هیچ وجه سودی نخواهند برد. اگر صلیب مسیح دور و بیرون از ما بماند، حتی اگر فقط
برای یک لحظه، حتی اگر به اندازه ی یک تار مو باشد، برای ما انگار
ما به صلیب کشیده شده بودیم کسی که می خواهد مسیح مصلوب شده را ببیند، نباید نگاه کند
به عقب یا جلو، اما به سمت بالا. از آنجا که بازوهای صلیب در
جلگه از بهشت گمشده تا بهشت بازیابی شده است و کل را در بر می گیرد
دنیای گناه مصلوب شدن مسیح چیزی نیست که فقط به یک روز محدود شود. مسیح است
"بره ای که از آغاز جهان ذبح شد" (مکاشفه 13:8) اضطراب های
تا زمانی که یک گناه یا گناهکار وجود داشته باشد، جلگه متوقف نخواهد شد. همین الان
مسیح گناهان تمام جهان را برمی دارد، زیرا "همه چیز در او است."
و هنگامی که سرانجام خود را مجبور می کند تا بدکاران پشیمان را به دریاچه آتش بفرستد،
رنجی که آنها متحمل خواهند شد بیشتر از رنجی که مسیحی که آنها را رد کردند روی صلیب متحمل خواهند شد نخواهد بود.

(1 نگرش کسی که با مسیح مصلوب می شود چیست؟ (رومیان 6:11)

ر:

مسیح گناهان ما را در بدن خود بر روی درخت حمل کرد (اول پطرس 2:24) ساخته شده هنگام آویزان کردن بر صلیب، برای ما «لعنت» کنید (غلاطیان 3:13) روی صلیب، نه تنها او گرفت بیماری ها و گناهان بشریت، بلکه نفرین زمین. شما خارها ننگ لعنت هستند (پیدایش 3: 17 و 18) و مسیح تاج را گرفت خارها مسیح، مسیح مصلوب، تمام وزن نفرین را به دوش می کشد.

هر جا انسانی را می بینیم که در بدبختی گم شده و زخم هایش را به دوش می کشد گناه، ما همچنین باید ببینیم که عیسی به خاطر آن مصلوب شده است. مسیح روی صلیب همه چیز را می گیرد، از جمله گناهان آن انسان. به دلیل بی ایمانی شما ممکن است احساس کنید وزن رقت انگیز بار او اما اگر باور داشته باشید، می توانید از این بار رها شوید. مسیح می گیرد، در صلیب، گناهان تمام جهان. پس جایی که گناه می بینیم، می توانیم در امان باشیم که صلیب مسیح وجود دارد.

گناه یک امر شخصی است. در قلب انسان است. "از درون، از قلب از مردان افکار شیطانی، زنا، زنا، قتل، سرقت، بخل، شر، فریب، عادات بد، حسادت، شایعات، تکبر، جنون. همه این شرارت از درون می آید و انسان را نجس می کند» (مرقس 7:21-23) «فریبنده است دل از همه چیز بیشتر و منحرف است، چه کسی می تواند آن را بشناسد؟ (ارم. 17:9) گناه طبیعتاً در تمام فیبرهای وجود ما وجود دارد. ما در آن متولد شده ایم و زندگی ما همین است گناه، به طوری که ریشه کن کردن گناه بدون سلب حیات ممکن نیست در او. آنچه من نیاز دارم رهایی از گناه شخصی خودم است: نه فقط آن گناه که من شخصا مرتکب شده ام، بلکه آنچه در قلب زندگی می کند، گناهی است که کل زندگی من را تشکیل می دهد.

این من هستم که مرتکب گناه می شوم، آن را در خود مرتکب می شوم و نمی توانم آن را از آن جدا کنم من آیا آن را بر خداوند بگذارم؟ بله به این صورت است، اما چگونه؟ آیا می توانم به شما پیوندم دستهایم را و او را از من بیرون کن تا او را بگیرد؟ اگر میتوانستم اگر او را از خود جدا کنم، هر کجا که گناه کنم، نجات خواهم یافت تا زمانی که در من نبود متوقف می شد. در آن صورت، شما می توانید بدون انجام

مسیح، زیرا اگر هیچ گناهی در خود نمی یافتیم، مهم نبود کجا آن را پیدا کردم،
من از دست او آزاد می شدم، اما هیچ کاری نمی توانم مرا نجات دهد. تمام تلاش من برای
جدا شدن از گناه بیهوده است.

آنچه قبلاً مطالعه کردیم نشان می دهد که هر که می خواهد گناهان من را بزدايد باید به جایی که من هستم بیاید. باید
پیش من بیاید این دقیقاً همان کاری است که مسیح انجام می دهد. مسیح کلمه است،
و به همه گناهکارانی که قصد دارند با این ادعا که راهی ندارند خود را معذور کنند می گوید
بدانید که خدا از آنها چه می خواهد: «کلام به تو نزدیک است، در دهان و در تو
دل خود را به انجام برسانی» (تثنیه 30:11-14:هنوز: «اگر با دهانت
شما اعتراف می کنید که عیسی خداوند است، و در دل خود معتقدید که خدا او را از میان خدا برانگیخت
مرده، نجات خواهی یافت» (رومیان 10:9) در مورد خداوند عیسی چه اعتراف خواهیم کرد؟ اعتراف به
راستی، بپذیر که او در دهان و قلبت به تو بسیار نزدیک است و باور کن
که آنجاست، از مردگان برخاسته است. نجات دهنده قیام شده، نجات دهنده مصلوب شده است.
تا آنجا که مسیح زنده شده، مسیح را مصلوب شده می یابیم، در غیر این صورت، نه
برای هیچ کس امیدی وجود نخواهد داشت شخص می تواند باور کند که مسیح مصلوب شد
دو هزار سال پیش، و هنوز در گناهان خود می میرند. اما کسی که این را باور دارد
مسیح در او مصلوب شد و زنده شد و نجات یافت.

تنها کاری که هر انسانی برای نجات یافتن باید انجام دهد این است که حقیقت را باور کند.
یعنی شناخت اعمال، دیدن چیزها به همان شکلی که هستند و اعتراف به آنها
آنها هر کس که معتقد است مسیح مصلوب شده و در او قیام کرده است که در او زندگی می کند
با قدرت قیامت از گناه نجات می یابد. تا زمانی که ایمان داشته باشید نجات خواهید یافت. این تنها است
و اعتراف واقعی به ایمان

چه حقیقت باشکوهی، که در جایی که گناه زیاد شد، مسیح، نجات دهنده وجود دارد
گناهکار او گناه را از بین می برد، همه گناهان، گناه دنیا را.

(1کی و کجا عیسی گناهان من را برداشت؟ (اشعیا 53:6 و 7:اول پطرس 2:24)

_____:

جمعه

مسیح نزد گناهکار می آید تا هر انگیزه و امکاناتی را برای او فراهم کند
از گناه به سوی عدالت برگرد او «راه، راستی و حیات» است (یوحنا 14:6) ولی
اگرچه مسیح نزد هر انسانی می آید، اما هر انسانی عدالت خود را آشکار نمی کند،
زیرا برخی "حقیقت را به ناحق خود سرکوب می کنند" (رومیان 1:18)

اشتیاق الهام شده پولس این است که ما در درون انسان تقویت شویم
روح او، "بگذارید مسیح با ایمان در دلهای شما ساکن شود"، "تا پر شوید
از تمام پری خدا" (افس. 3: 16-19)

در گناهکار می توانیم مسیح را مصلوب ببینیم، زیرا در جایی که گناه و نفرین وجود داشت،
مسیح آنها را رهبری می کند. تنها چیزی که لازم است این است که گناهکار با آن مصلوب شود
مسیح، بگذار مرگ مسیح مرگ خودش باشد، تا زندگی او
عیسی ممکن است خود را در بدن فانی خود نشان دهد. ایمان به قدرت ابدی و الوهیت
خداوندی که خود را در همه خلقت نشان می دهد، این حقیقت را در دسترس همگان قرار می دهد. آ
بذر کاشته شده جوانه نمی زند مگر اینکه ابتدا بمیرد (اول قرنتیان 15:36) «اگر دانه گندم
روی زمین نمی افتد و نمی میرد، تنهاست. اما هنگامی که بمیرد، ثمره بسیار می دهد» (یوحنا 12:24) مثل این،
هر که با مسیح مصلوب شود به عنوان یک انسان جدید شروع به زندگی می کند. "من دیگر زندگی نمی کنم
من، اما مسیح در من زندگی می کند.»

اگر مسیح حدود دو هزار سال پیش مصلوب شد، چگونه می توانست خودش را بگیرد
گناهان شخصی من امروز؟ و همچنین، چگونه می توانم اکنون به صلیب کشیده شوم
او؟ ما ممکن است نتوانیم درک کنیم، اما این حقیقت واقعیت را تغییر نمی دهد.
هنگامی که به یاد می آوریم که مسیح حیات است، «زیرا حیاتی که نزد پدر بود، بود
آشکار شد» (اول یوحنا 1: 2) ما می توانیم بیش از این را درک کنیم. «زندگی در او بود و آن
زندگی نور انسانها بود.» «آن کلمه نور حقیقی بود که کل را روشن می کند
انسانی که به این جهان می آید» (یوحنا 1: 4 و 9)

گوشت و خون (آنچه چشم ها می بینند) نمی توانند "مسیح، پسر خدا" را آشکار کنند.
خدای زنده» (متی 16:16 و 17) زیرا «همانطور که مکتوب است: «آنچه را که هیچ چشمی ندیده است،
نه گوش شنیده و نه به قلب انسان وارد شده است، اینها چیزهایی است که خدا آماده کرده است
برای کسانی که او را دوست دارند. اما خدا آن را بوسیله روح بر ما آشکار ساخت» (اول قرنتیان 2: 9 و 10) هیچ یک
انسان، مهم نیست که چقدر با نجار ناصری آشنا باشد، می تواند
او را به عنوان خداوند تصدیق کنید، اگر نه توسط روح القدس (اول قرنتیان 12:3)

از طریق روح، حضور شخصی او می تواند برای هر فردی که در آن حضور دارد بیاید زمین، و همچنین پر کردن آسمان، چیزی که عیسی، در جسم، قادر به انجام آن نبود. سپس، مهم این بود که رفت و تسلی دهنده را فرستاد. «مسیح قبل از همه وجود داشت همه چیز در او است» (کولسیان 1:17) عیسی ناصری مسیح در بود گوشت کلامی که در آغاز بود؛ او که همه چیز در او است، اوست مسیح خدا. قربانی مسیح، تا آنجا که به این جهان مربوط می شود، «از خلقت جهان.»

صحنه کالواری تجلی اتفاقاتی بود که از زمان ورود به آن رخ داده بود گناه در جهان است، و آنچه ادامه خواهد داشت تا آخرین گناهکار نجات یابد چه کسی می خواهد باشد: مسیح گناهان جهان را می برد. حالا بیرشون کافی بود برای همیشه یک عمل مرگ و رستاخیز است، زیرا او یک زندگی ابدی است. از این رو، نیازی به تکرار فداکاری نیست. این زندگی برای همه مردان در همه جا است مکان، تا هر که با ایمان آن را بپذیرد، نفع کامل قربانی را از آن خود کند مسیح. و خود را از گناهان پاک می کند. هر که جان خود را رد کند زیانده است بهره مندی از قربانی او

مسیح برای پدر زندگی کرد (یوحنا 6:57) ایمان او به کلامی که خداوند به او توصیه کرده است به نقطه ای رسید که به او اجازه داد تا بارها و بارها و با تأکید آن را آشکار کند پس از مرگ او در روز سوم زنده خواهد شد. او در این ایمان از دنیا رفت و گفت: «ای پدر، در تو روح خود را به دست می سپارم» (لوقا 23:46) ایمانی که به او بر مرگ پیروز شد، او را نیز بر گناه پیروز کرد. این همان کاری است که وقتی زندگی می کنید انجام می دهید در ما با ایمان، زیرا "عیسی مسیح دپروز، امروز و تا ابدالابد یکسان است" (عبرانیان 13:8)

این ما نیستیم که زندگی می کنیم، بلکه این مسیح است که در ما و از طریق او زندگی می کند خود ایمان ما را از قدرت شیطان رها می کند. چه کار باید بکنیم؟ به او اجازه دهید در آن زندگی کند ما را در راهی که او نشان داد. بگذارید همان احساسی که در مسیح بود در شما وجود داشته باشد عیسی» (فیلیسیان 2:5) چگونه می توانیم این اجازه را بدهیم؟ به سادگی او را شناخت، اعتراف کردن به او

"کسی که مرا دوست داشت و خود را برای من فدا کرد." چه بیان شخصی! من هدف عشق هستم! هر شخصی در جهان می تواند بگوید: «او مرا دوست داشت و خودش را برای آن فدا کرد من". پولس درگذشت، اما سخنان او پابرجاست. وقتی درست می گفتند در مورد او اعمال می شود، اما نه بیشتر از زمانی که برای هر انسان دیگری اعمال می شود. هستند

کلماتی را که روح بر لبان ما می‌گذارد، اگر رضایت داشته باشیم که آنها را دریافت کنیم. آ
پری هدیه مسیح برای هر فردی «من» است. مسیح تقسیم نمی‌شود، اما
هر روحی او را در کمال خود می‌پذیرد، گویی هیچ شخص دیگری در جهان وجود ندارد.
هر فردی تمام نوری را که می‌تابد دریافت می‌کند. این واقعیت که میلیون‌ها نفر وجود دارد
افرادی که نور خورشید را دریافت می‌کنند، به هیچ وجه از آن چیزی که من را روشن می‌کند کم نمی‌کند. می‌گیرم
بهره کامل از آن من بیشتر از این دریافت نمی‌کردم، حتی اگر تنها کسی بودم که آنجا بودم
در تمام جهان. به این ترتیب مسیح خود را برای من داد، درست مثل اینکه من
تنها گناهکاری بودم که تا به حال روی زمین سکنی گزید. و همین موضوع درست است
برای هر گناهکاری

وقتی یک دانه گندم می‌کارید، دانه‌های بیشتری نسبت به دانه‌های اول بدست می‌آورید،
هر یک از آنها دارای زندگی یکسان و به اندازه آن چیزی است که نطفه اصلی داشته است.
به همین ترتیب در مورد مسیح، بذر اصیل، اتفاق می‌افتد. با مردن برای ما،
به طوری که ما نیز بذر واقعی شویم، به هر یک می‌دهد
تمام زندگی او "خداوند را به خاطر موهبت وصف ناپذیرش سپاسگزارم!" (دوم قرنتیان. 9:15)

شنبه

21 فیض خدا را باطل نمی‌کنم. زیرا اگر عدالت از قانون سرچشمه می‌گیرد، نتیجه آن است
مسیح بیهوده مرد.

اگر می‌توانستیم به وسیله شریعت خود را نجات دهیم، مسیح بیهوده مرد. اما این غیر ممکن است. و مسیح مسلماً بیهوده
نمرده است. پس نجات فقط در اوست. و

قادر به نجات همه کسانی است که از طریق او به خدا نزدیک می‌شوند (عبرانیان. 17:25) اگر هیچ کس
اگر نجات می‌یافت، بیهوده می‌مرد. اما اینطور نیست. وعده مطمئن است: «تو خواهی دید
آیندگان او روزهای او را طولانی خواهند کرد. و اراده خداوند در دستان او موفق خواهد شد.
او کار جان خود را خواهد دید و راضی خواهد شد» (اشعیا 10: 53 و 11).

هر که بخواهد می‌تواند بخشی از ثمره کار روح او باشد.

با توجه به اینکه مسیح بیهوده نمرده است، «فیض خدا را بیهوده» دریافت نکنید (2

کور. 6:1).

(آیا عدالت و نجات از طریق شریعت حاصل می شود یا به لطف خدا؟ (رومیان 3:24)

افسسیان (2:8)

ر:

4 رستگاری از نفرین - قسمت 1

آیه طلایی: "اما عادلان به ایمان زندگی خواهند کرد" (رومیان، 1:17)

یکشنبه

پس از پذیرش انجیل، غلاطیان به دنبال گمراهی بودند
معلمان دروغینی که «انجیل دیگری» را به آنها تقدیم کردند، تقلبی از حقیقت
و منحصر به فرد، چنان که هرگز، در هیچ زمانی، برای همه مردان وجود نداشته است.

جعل انجیل به این صورت بیان شد: «اگر نکنی
ختنه شده طبق آیین موسی، نجات نخواهید یافت.» اگر چه در ما
روزها موضوع آئین ختنه بی ربط است، اما با توجه به
خود رستگاری، مناقشه بر سر این که آیا کارهای انسانی در آن مشارکت دارند یا عادلانه است
مسیح، او مثل همیشه زنده است.

رسول به جای حمله به خطا و مبارزه با آن با استدلال های قوی
به تجربه ای اشاره دارد که موضوع مورد بحث را نشان می دهد. در ارائه خود به آنها
نشان می دهد که نجات تنها با ایمان برای همه انسان ها است و به هیچ وجه
برای آثار همان طور که مسیح طعم مرگ را برای همه چشید، هر که هست
نجات یافته باید تجربه شخصی مرگ، رستخیز و زندگی مسیح را در او داشته باشد.
مسیح در جسم آنچه را که شریعت قادر به انجام آن نبود انجام داد (غلاطیان 2:21؛ رومیان 8:3 و 4). اما
همین امر گواه بر عدالت قانون است. اگر جزییات ناقصی وجود دارد،
مسیح خواسته های آنها را برآورده نمی کرد. مسیح عدالت شریعت را با اجرای آن نشان می دهد،
یا انجام آنچه قانون می خواهد، نه صرفاً برای ما، بلکه در خودمان. لطف خدا
در مسیح به عظمت و قدوسیت شریعت شهادت می دهد. ما لطف خدا را کنار نمی گذاریم: اگر
عدالت را می توان از طریق شریعت به دست آورد، "سپس مسیح بیهوده مرد."

تظاهر به اینکه قانون را می توان لغو کرد، که خواسته های آن را می توان در اندک برآورده کرد
توجهی که ما می توانیم آنها را نادیده بگیریم، برابر است با گفتن اینکه مسیح در آن مرد
آنها میروند. اجازه دهید تکرار کنیم: عدالت را نمی توان با شریعت به دست آورد، بلکه فقط با ایمان مسیح. اما
حقیقت که عدالت قانون از راه دیگری جز از راه دیگر محقق نمی شود

مصلوب شدن، رستاخیز و زندگی مسیح در ما، عظمت بی نهایت و

حرمت قانون

(1) آیا خداوند وقتی انسان را با ایمان عادل می کند، خواسته های قانون را باطل می کند؟

(رومیان 3:31)

ر:

دوشنبه

1ای غلطیان نادان! چه کسی شما را مجذوب کرد تا از حقیقت اطاعت نکردید، زیرا عیسی مسیح قبلاً در برابر چشمان او به

عنوان مصلوب شده بود؟

پولس به معنای واقعی کلمه نوشت "چه کسی آنها را مسحور کرد؟" «اطاعت بهتر از فداکاری است،

و بهتر از چربی قوچ به شما خدمت می کند، زیرا طغیان مانند گناه است

سحر و نزاع مانند شرارت و بت پرستی است» (اول سم. 15:22 و 23) به زبان عبری،

به معنای واقعی کلمه می گوید: گناه طغیان جادوگری است و نزاع طغیان و بت پرستی است.

چرا؟ زیرا طغیان و قتال (اصرار بر خطا) طرد خداست، و

کسی که خدا را رد کند تحت کنترل ارواح شیطانی است. همه بت پرستی است

شیطان پرستی «آنچه بتها قربانی می کنند، برای شیاطین قربانی می کنند» (اول قرن.

10:20) زمین خنثی وجود ندارد. مسیح گفت: "کسی که با من نیست بر ضد من است"

(متی 12:30) به عبارت دیگر: نافرمانی، طرد خداوند، روح دجال است.

همانطور که قبلاً دیدیم، برادران غلطیه خود را از خدا جدا می کردند، به ناچار،

هر چند شاید بدون اینکه بدانند به بت پرستی باز می گشتند.

محافظت در برابر معنویت گرای - روح گرای چیزی بیش از راه دیگری برای اشاره به جادوگری باستانی یا جادوگری نیست. این یک

تقلب است، اما نه از آن نوع تقلبی که بسیاری تصور می کنند. واقعیتی در آن نهفته است. این یک تقلب است، از آنجایی که قصد دارد

ارتباط خود را با ارواح مردگان حفظ کنید، آن را فقط با ارواح حفظ کنید

از شیاطین، با توجه به اینکه "مردگان چیزی نمی دانند". رسانه روح بودن یعنی تسلیم شدن

کنترل شیاطین

تنها یک راه برای محافظت از خود در برابر آن وجود دارد و آن چسبیدن به کلام خداست. سازمان بهداشت جهانی کلام خدا را ساده می‌گیرد، ارتباط خود را با خدا از دست می‌دهد، و تحت تأثیر شیطان قرار می‌گیرد. حتی آنچه معنویت‌گرایی را در شرایط تقبیح می‌کند پراورزی تر، اگر دست از چسبیدن به کلام خدا بردارید، دیر یا زود خواهید بود فریب اغوای قدرتمند قلبی مسیح را خورد. فقط محکم ایستاده در کلام خدا، مؤمن را می‌توان از ساعت آزمایشی که در راه است دور نگه داشت. تمام جهان (مکاشفه 3:10) "روحی که اکنون در فرزندان نافرمانی کار می‌کند" (افس. 2:2) روح شیطان، روح دجال است. و انجیل مسیح که عدالت خدا را آشکار می‌کند (رومیان 1:16 و 17) تنها نجات ممکن است.

مسیح، در برابر ما مصلوب شد - هنگامی که پولس به غلطیان موعظه کرد، او را ارائه کرد مسیح مصلوب شد. توصیف آنقدر واضح بود که غلطیان واقعاً می‌توانستند او را در برابر چشمان خود به عنوان مصلوب بنگرید. موضوع صرفاً نبود لفاظی از طرف پل، و نه تخیل از طرف آنها. استفاده از پل به عنوان ابزار، روح القدس آنها را واجد شرایط برای دیدن مسیح مصلوب شد.

از این نظر، تجربه غلطیان نمی‌تواند منحصر به آنها باشد. صلیب از مسیح یک واقعیت فعلی است. تعبیر "رفتن به صلیب" یک شکل صرف بیان نیست، بلکه چیزی که به معنای واقعی کلمه می‌توانید انجام دهید.

هیچ کس نمی‌تواند واقعیت انجیل را بداند تا زمانی که مسیح را مصلوب شده ببیند جلوی چشمان شما، تا زمانی که صلیب را در هر قسمت ببینید. شاید کسی آن را خنده دار بداند، اما این واقعیت که یک نابینا نمی‌تواند خورشید را ببیند و تابش آن را انکار می‌کند، او را قانع نمی‌کند که نور آن را می‌بیند و می‌گیرد. بسیاری از کسانی هستند که می‌توانند شهادت دهند که سخنان از رسول، با اشاره به مصلوب شدن مسیح در برابر چشمان غلطیان، بیش از یک شکل گفتاری ساده دیگران نیز همین تجربه را می‌دانند. خداوند باشد که این مطالعه رساله وسیله باز کردن چشم بسیاری دیگر باشد!

سه‌شنبه

2من فقط می‌خواهم در مورد شما این را بدانم: آیا روح را با اعمال شریعت دریافت کردید یا با موعظه ایمان؟

تنها یک پاسخ وجود دارد: از طریق موعظه ایمان. روح به کسانی که ایمان می آورند داده می شود (یوحنا 7:38 و 39:13). همچنین می توانیم ببینیم که غلطیان روح القدس را دریافت کرده بودند. هیچ راه دیگری برای شروع زندگی مسیحی وجود ندارد. هیچ کس نمی تواند بگوید، عیسی خداوند است، اگر نه بوسیله روح القدس» (اول قرنیتیان 12:3). در آغاز، روح خدا بر فراز آنها حرکت کرد و حیات و فعالیت در آفرینش ایجاد کرد، زیرا بدون روح عمل نیست، زندگی وجود ندارد. «نه با زور و نه با خشونت، بلکه به وسیله خداوند صباپوت می گوید روح من» (زک. 6: 4). فقط روح خدا می تواند اراده کامل او را برآورده کند. هیچ کاری که انسان بتواند انجام دهد نمی تواند خدا را به روح برساند. به همان اندازه غیرممکن است که یک مرده بتواند خود را با تولید خود زنده کند نفس زندگی. بنابراین دریافت کنندگان این رساله مسیح را مصلوب دیده بودند در برابر چشمان آنها، و او را از طریق روح پذیرفته بودند. آیا عیسی و قبول کرد - ای تو هم؟

3 شما آنقدر احمق هستید که با روح شروع کرده اید و اکنون به آن پایان می دهید
گوشت؟

"احمقانه" دست کم گرفتن است. کسی که قدرت شروع کار را ندارد باور دارد که دارد قدرت تموم کردنش کسی که نمی تواند یک پا را جلوی پای دیگر بگذارد خودش این فکر را می کند شما حتی می توانید در یک مسابقه برنده شوید!

چه کسی قدرت تولید خود را دارد؟ هیچ کس. ما به دنیا نیامده ایم که ما را تولید کند یکسان. ما بدون قدرت به دنیا می آییم. بنابراین تمام قدرتی که می توانیم بعداً نمایان کنیم منشأ بیرون از ما دارد. به طور کامل در اختیار ما قرار می گیرد. نوزاد تازه متولد شده است نماینده انسان ما می گوئیم: «مردی به دنیا آمد. تمام قدرت آن یکی انسان در خود بزرگتر از آن فریاد نوزاد نیست که با آن اولین نفس خود را آغاز می کند در واقع همین قدرت اندک هم به او داده شد.

در عالم معنویت هم همین اتفاق می افتد. «به خواست او ما را به وجود آورد کلام حقیقت» (یعقوب 1:18). ما نمی توانیم به تنهایی زندگی کنیم نیروهایی بیش از آنچه که خودمان می توانیم تولید کنیم. کاری که روح آغاز کرد، خواهد بود در کمال آن توسط روح حمل شود. "چون ما شریک مسیح شده ایم، اگر ابتدای اطمینان خود را تا آخر محکم نگه داریم» (عبرانیان 3:14). چی او کار نیکی را در شما آغاز کرده است و آن را تا روز عیسی مسیح کامل خواهد کرد» (فیلسیان 1: 6) فقط او می تواند آن را انجام دهد.

(1) با تلاش خود می توان از خدا اطاعت کرد و در آن ماندگار نشد

مسیح؟ (یوحنا 5:15)

ر:

(2) پس چگونه انسان می تواند از احکام اطاعت کند؟ (فیلیپیان 4:13)

ر:

چهارشنبه

4 آیا بیهوده است که این همه رنج کشیدی؟ اگر چیزی بود، آن هم بیهوده بود.

5 پس کسی که روح را به شما می دهد و در میان شما معجزات می کند، آیا این کار را با اعمال شریعت انجام می دهد یا با موعظه ایمان؟

این سؤالات نشان می دهد که تجربه برادران غلطیه چنین بوده است عمیق و واقعی همانطور که از کسی که چشمانش مسیح را دیده است انتظار می رود مصلوب شده آنها روح را دریافت کرده بودند، معجزات در میان آنها انجام شد، و از جمله به خودی خود، زیرا عطایای روح با عطای روح همراه است. و در نتیجه این انجیل پر جنب و جوشی که زندگی کرده بودند، آزار و شکنجه شدند، زیرا «همه کسانی که در مسیح عیسی خداپسندان زندگی خواهند کرد، رنج خواهند برد آزار و اذیت» (دوم تیم. 3:12). این امر بر وخامت اوضاع می افزاید. داشتن پس از شریک شدن در مصائب مسیح، اکنون از رویگردان بودند. و این جدایی از مسیح، تنها کسی که از طریق او عدالت می تواند حاصل شود، با نافرمانی از

قانون حقیقت ناخودآگاه، اما به ناچار از آن تخطی کردند

قانونی که انتظار داشتند با آن نجات پیدا کنند.

6 ابراهیم به خدا ایمان آورد و برای او عدالت شمرده شد.

سؤالات ارائه شده در آیات سه تا پنج حاکی از پاسخ است.

روح به آنها خدمت شد و معجزات انجام شد، نه با اعمال شریعت، بلکه

آری با شنیدن با ایمان؛ یعنی با اطاعت از ایمان، زیرا ایمان با شنیدن می آید

کلام خدا (رومیان 10:17) کار پولس و تجربه غلطیان در آن بود
هماهنگی کامل با تجربه ابراهیم، که ایمان برای عدالت به او گفته شد.
شایان ذکر است که "برادران دروغین" که "انجیل دیگری" را موعظه کردند، دروغین
انجیل عدالت از طریق اعمال، یهودی بودند و ابراهیم را پدر خود می دانستند.
آنها به «فرزندان» ابراهیم بودن افتخار می کردند و به ختنه شدن خود به عنوان دلیل اشاره می کردند.
اما دقیقاً در آنچه آنها ادعای خود را مبنی بر فرزندان ابراهیم کردند،
ثابت کرد که نبودند، زیرا «ابراهیم به خدا ایمان آورد و این به او گفته شد
عدالت». ابراهیم پیش از ختنه شدن از عدالت ایمان برخوردار بود (رومیان ...). (4:11)
پس بدانید که ایمانداران فرزندان ابراهیم هستند» (غلاطیان 3: 7) ابراهیم این کار را نکرد
او با اعمال عادل شمرده شد (رومیان 2: 4 و 3) اما ایمان او بر عدالت تأثیر گذاشت.

(1) برای خدا، یهودی واقعی کیست و ختنه واقعی چیست؟

(رومیان 2:28 و 29)

ز:

همین مشکل امروز هم وجود دارد. علامت با جوهر اشتباه گرفته می شود، پایان
با وسایل از آنجایی که عدالت در کارهای نیک تحقق می یابد، به دروغ استنباط می شود
- این که کارهای نیک باعث عدالت می شود. برای کسانی که چنین می اندیشند، عدالتی که از ایمان حاصل می شود،
به نظر آنها کارهای نیکی که از «انجام دادن» سرچشمه نمی گیرد، معنای واقعی و عملی ندارد.
آنها خود را افرادی "عملی" می دانند و معتقدند که تنها راه انجام کاری،
انجام می دهد. اما حقیقت این است که این افراد اهل عمل نیستند. کسی که
مطلقاً فاقد قدرت است و قادر به انجام هیچ کاری نیست، حتی

برخیز و داروهای را که به تو پیشنهاد شده است مصرف کن. هر توصیه ای که به او داده شود تا
اگر سعی کنید این کار را انجام دهید، بیهوده خواهد بود. فقط در خدا قدرت و عدالت است (اشعیا 45:24).
"راه خود را به خداوند بسپارید، بر او توکل کنید، و او بهترین کارها را انجام خواهد داد" (مزمور 37:5)

ابراهیم پدر همه کسانی است که به عدالت ایمان دارند و تنها آنها. تنها چیزی
واقعاً عملی این است که باور کنیم، درست همانطور که او این کار را کرد.

(2) عدالت خدا از طریق ایمان یا اعمال چگونه در زندگی انسان متجلی می شود؟

(رومیان 1:17)

ز:

7 پس بدانید که ایمانداران فرزندان ابراهیم هستند.

8 و چون کتاب مقدس پیش‌بینی کرد که خدا غیریهودیان را با ایمان عادل می‌سازد، ابتدا انجیل را به ابراهیم موعظه کرد و گفت: جمیع امت‌ها در تو برکت خواهند یافت.

این آیات شایسته مطالعه دقیق است. درک شما ما را حفظ خواهد کرد از بسیاری از خطاها و درک آنها دشوار نیست، فقط به آنچه می‌گویند توجه کنید، همین.

الف) آنها اظهار می‌دارند که انجیل حداقل به همان روشی که در آن موعظه شده است روزهای حضرت ابراهیم؛

ب) خود خدا بود که آن را موعظه کرد. بنابراین، این حقیقت و تنها است انجیل؛

ج) همان انجیلی بود که پولس موعظه کرد. بنابراین، دیگری وجود ندارد انجیلی متفاوت از آنچه که ابراهیم داشت.

د) انجیل امروز تفاوت خاصی با آنچه در انجیل وجود داشت ندارد روزهای حضرت ابراهیم

خداوند امروز هم مثل گذشته را می‌خواهد و چیزی بیش از آن نیست. و موارد بیشتری وجود دارد:

سپس انجیل به غیریهودیان موعظه شد، زیرا ابراهیم غیریهودی، یعنی بت پرست بود. او تماس را به عنوان یک بت پرست دریافت کرد. «تراه، پدر ابراهیم و ناهور... به دیگران خدمت کرد خدایان» (یوش. 24:2) و تا زمانی که انجیل به او موعظه شد، بت پرست بود. به این ترتیب،

موعظه انجیل برای مشرکان پدیده ای بی سابقه در زمان پطرس نبود

و پل. قوم یهود از میان بتها گرفته شده است و تنها به موجب آن است

موعظه انجیل به مشرکان مبنی بر اینکه اسرائیل موجودیت و نجات دارد (اعمال رسولان

18:14-15:14-15:25 رام و 26) وجود قوم اسرائیل دلیلی بر هدف خداوند در نجات مردم از میان مشرکان بوده و هست. در حال تحقق است

برای این منظور اسرائیل وجود دارد.

پس می‌بینیم که رسول مشرکان را می‌برد و ما را به مبدأ می‌برد، جایی که

خود خدا انجیل را به ما "یهودیان" موعظه می‌کند. هیچ غیر یهودی نمی‌تواند امیدوار باشد که نجات یابد

به روشی دیگر، یا به وسیله انجیل دیگری غیر از آن چیزی که ابراهیم به وسیله آن نجات یافت.

3) یهودیان و غیریهودیان به چه وسیله ای توسط خدا عادل شمرده می شوند؟ (رومیان

3:29 و 30)

پنج شنبه

9 پس آنانی که ایمان دارند با ابراهیم مؤمن برکت می یابند.

10 همه کسانی که اعمال شریعت را انجام می دهند در لعنت هستند. زیرا مکتوب است: ملعون است هرکسی که در تمام آنچه در کتاب شریعت نوشته شده باقی بماند تا آنها را انجام دهد.

به رابطه نزدیکی که اینها با قبلی دارند توجه کنید. به ابراهیم موعظه شد انجیل تحت این شرایط: "به وسیله تو همه امت ها برکت خواهند یافت." «بت پرست»، «مهربان» و «امت‌ها» (از آیه 8) از همین کلمه ترجمه شده‌اند یونانی. این برکت شامل عطا‌ی عدالت از طریق مسیح است، همانطور که در اعمال رسولان نشان داده شده است. 25:3 و 26: «شما فرزندان انبیا و عهدی هستید که خدا با پدران ما بست. هنگامی که به ابراهیم گفت: در نسل او همه خاندان او خواهند بود زمین! وقتی خدا پسرش را زنده کرد، ابتدا او را نزد شما فرستاد تا برکت بده تا همه از شرارت خود برگردند.» از آنجایی که خدا موعظه کرد انجیل به ابراهیم می‌گوید: «به وسیله تو جمیع امت‌ها برکت خواهند یافت.» مؤمنان با ابراهیم مؤمن برکت می یابند. هیچ نعمت دیگری برای انسان وجود ندارد، هر که باشد، جز آنچه ابراهیم دریافت کرد. و انجیلی که موعظه شد همان است منحصر به فرد برای هر انسان روی زمین. نجات به نام عیسی وجود دارد که در آن ابراهیم ایمان آورد، و «در هیچ کس دیگری نجات نیست، زیرا هیچ نام دیگری در زیر آسمان داده نشده است. مردانی که بوسیله آنها نجات خواهیم یافت» (اعمال رسولان. 4:12) در او «ما از طریق او رستگاری داریم خون، آمرزش گناهان» (کولسیان. 1:14) آمرزش گناهان همه را به همراه دارد برکات

1) تنها نامی که از طریق آن عادل شمرده می شویم چیست؟

(رومیان 3:24 و 26)

ز:

تضاد: تحت نفرین - به تضاد ارائه شده در آیات توجه کنید
نه و ده: «کسانی که با ایمان زندگی می‌کنند برکت می‌یابند»، در حالی که «کسانی که متکی هستند
اعمال شریعت تحت لعنت هستند.» ایمان برکت می‌آورد. آثار قانون می‌آورد
لعنت؛ یا بهتر بگویم او را زیر لعنت رها می‌کنند. نفرین سنگینی می‌کند
همه، زیرا «کسی که ایمان نمی‌آورد قبلاً محکوم شده است، زیرا به نام پسر ایمان نیاورده است.
تنها مولود خدا» (یوحنا 3:18) ایمان این نفرین را معکوس می‌کند.

چه کسی زیر لعنت است؟ «...همه کسانی که به اعمال شریعت تکیه دارند.»
تصور کنید که متن می‌گوید کسانی که قانون را رعایت می‌کنند تحت لعنت هستند
که تضاد مستقیم مکاشفه 22:14 خواهد بود: «خوشا به حال کسانی که او را نگاه می‌دارند.
اوامر، تا حق درخت حیات را داشته باشند و از دروازه‌های آن وارد شوند
شهر!». «خوشا به حال کسانی که در راه خود بی‌عیب هستند و در شریعت گام بر می‌دارند
آقا!» (مصور 1:119)

کسانی که ایمان دارند حافظان شریعت هستند، زیرا کسانی که ایمان دارند برکت می‌یابند و کسانی که هستند
کسانی که احکام را حفظ می‌کنند نیز سعادت‌مند هستند. از طریق ایمان آنها را حفظ می‌کنند
دستورات اما انجیل بر خلاف طبیعت انسان است: ما شده ایم

حافظان شریعت، نه با عمل، بلکه با ایمان. اگر برای احقاق حق تلاش می‌کردیم
ما به سادگی در حال اعمال طبیعت گناه آلود انسانی خود هستیم، که هرگز انجام نمی‌دهیم
عدالت را برای ما به ارمغان می‌آورد، اما ما را از آن دور می‌کند. در مقابل، اعتقاد به «ارزشمند و
وعده‌های بزرگ، ما در نهایت «در طبیعت الهی شرکت می‌کنیم» (دوم پطرس 1:4) و
بنابراین تمام کارهای ما در خدا انجام می‌شود. «یهودیان که به دنبال آن نبودند
عدالت، آیا به عدالت رسیده‌اند؟ بله، اما عدالتی که از ایمان ناشی می‌شود. اما اسرائیل که
او به دنبال قانون عدالت بود، اما به آن دست نیافت. چرا؟ زیرا با ایمان نبود، بلکه با ایمان بود
آثار قانون: آنها به سنگ سکندری برخورد کردند. همانطور که نوشته شده است: «اینک، من را در
صهیون سنگ لغزش و سنگ رسوایی. و هر که به او ایمان بیاورد نخواهد
شرمنده خواهد شد» (رومیان 9:30-33)

(1) تنها راه اطاعت واقعی از خدا چیست؟ (رومیان 1:5)

ر:

جمعه

نفرین از چه چیزی تشکیل شده است؟ -هیچ کس که غلطیان را با دقت و تأمل بخواند
10:3 نمی فهمد که نفرین تخطی از قانون است. نافرمانی از قانون
خداوند به خودی خود لعنت است، زیرا «گناه از طریق یک انسان وارد جهان شد،
و مرگ به واسطه گناه» (رومیان 5:12). گناه شامل مرگ است. بدون گناه، مرگ
غیرممکن خواهد بود، زیرا "نیش مرگ گناه است" (اول قرنتیان 15:56). «همه کسانی که
به اعمال شریعت بستگی دارند، آنها تحت لعنت هستند.» چرا؟ آیا قانون شاید الف
لعنت؟ نه، زیرا «شریعت مقدس است و فرمان مقدس، عادلانه و نیکو»
(روم 7:12). پس چرا همه کسانی که به آنها تکیه می کنند تحت لعنت هستند
آثار قانون؟ زیرا نوشته شده است: «لعنت بر کسی که در همه باقی نمی ماند
چیزهایی که در کتاب شریعت نوشته شده است تا آنها را به انجام برسانند.»

دلیلی برای گیج شدن وجود ندارد: او نفرین نمی شود زیرا از قانون پیروی می کند، بلکه به این دلیل که او این کار را نمی کند.
آن را برآورده می کند. پس به راحتی می توان دریافت که تکیه بر آثار قانون به معنای این نیست
رعایت قانون نه! «زیرا عقل نفسانی دشمنی با خداست، زیرا
نه تابع شریعت خداست و نه می تواند باشد» (رومیان 7: 8). همه هستند
تحت لعنت است و هر کس فکر می کند که با اعمال خود می تواند خود را از آن رهایی بخشد در آن می ماند.
با توجه به این که «نفرین» عبارت است از باقی ماندن در همه چیزهایی که
در قانون نوشته شده است، به راحتی می توان استنباط کرد که "برکت" به معنای مطابقت کامل با آن است
به او.

1) چرا همه مردانی که ایمان ندارند در لعنت هستند، یعنی

محکوم؟ (رومیان 6:23؛ 3:23)

ر:

برکت و نفرین - «امروز برکت و نفرین را پیش روی تو قرار دادم. نعمت، اگر
از احکام خداوند ازلی، خدای خود، که امروز برای شما مقرر می دارد، اطاعت کنید. و

لعنت کن، اگر از احکام خداوند، خدای خود اطاعت نکنی» (تثنیه -11:26)
(28) این کلام زنده خداست که شخصاً خطاب به هر یک از ماست. "قانون
خشم ایجاد می کند» (روم. 15: 4) اما خشم خدا فقط به نافرمانان می رسد (افس.
6:15) اگر ما واقعاً ایمان داشته باشیم، محکوم نمی شویم، زیرا ایمان ما را وارد می کند
همه‌ها با قانون، زندگی خدا. "هر کس صادقانه به قانون کامل نگاه کند - قانون
آزادی - و در آن استقامت می کند، و شنونده ای ناشنوا نیست، بلکه انجام دهنده ای کوشا است.
از آنچه انجام می دهد خوشحال [مبارک]» (یعقوب. 25:1)

(1 چگونه یک مرد به دنیا نشان می دهد که ایمان واقعی دارد؟ (یعقوب 2:18)

رن:

کارهای خوب - کتاب مقدس کارهای خوب را رد نمی کند. برعکس، آنها را تعالی می بخشد. "وفادار است
کلمه. و این را می خواهیم که واقعاً تأیید کنید تا کسانی که به خدا ایمان دارند در جستجوی آن باشند
خود را به کارهای خوب بکار ببرید؛ این چیزها برای مردم خوب و سودمند است» (تیطوس. 8: 3)
اتهامی که بر کافران سنگینی می کند این است که آنها با اعمال خود خدا را انکار می کنند: آنها هستند
«برای هر کار نیک ناموفق» (تیطوس. 16:1) پولس از تیموتاوس خواست که بفرستد
به ثروتمندان این جهان «ایشان چیزهای خوب داشته باشند، در کارهای نیک غنی شوند» (اول تیموس 6:17 و
18) و رسول برای همه ما دعا کرد: «تا در برابر آن شایسته راه بروید
خداوند، او را در همه چیز خشنود می سازد و در هر کار نیک میوه می دهد» (کولسیان. 10:1) بیشتر
علاوه بر این، به ما این اطمینان را می دهد که «در مسیح عیسی برای اعمال نیک آفریده شده ایم...
که در آنها گام برداریم» (افس. 2:10)

خودش این آثار را برای ما آماده کرد؛ آنها را تولید می کند و به هر کسی می دهد
به او ایمان بیاورید (مزمور. 31:19) «این کار خداست که به کسی که او فرستاده ایمان بیاورید» (یوحنا
6:29) کارهای خوب لازم است، اما نمی توانیم آنها را انجام دهیم. فقط اونی که هست
خوب، خدا می تواند آنها را انجام دهد. اگر کمترین خیری در ما هست به دلیل است
کار خدا هیچ کاری که خدا انجام می دهد شایسته تحقیر نیست. «خدای صلح، که توسط
خون عهد ابدی، خداوند ما عیسی مسیح را از مردگان برخیزانید
ای شبان بزرگ گوسفندان، آنها را در هر کار نیک کامل کن تا او را انجام دهند

اراده کند و آنچه را که در نظر او پسندیده است از طریق عیسی مسیح در شما عمل کند،

چه شکوهی برای همیشه و همیشه آمین» (عبرانیان 13:20 و 21).

برای تعمق - یوحنا 6:28 و 29

شنبه

11 و بدیهی است که به موجب شریعت هیچ کس در حضور خدا عادل شمرده نمی‌شود، زیرا عادلان به ایمان زندگی خواهند کرد.

12 اکنون شریعت از ایمان نیست. اما کسی که این کارها را انجام می‌دهد با آنها زندگی می‌کند.

صالحان چه کسانی هستند؟ - وقتی این جمله را می‌خوانیم: «عادل با ایمان زندگی خواهد کرد»، اینطور است

ضروری است که ما به وضوح بفهمیم که اصطلاح "عادلانه" به چه معناست. بودن

عادل شدن از طریق ایمان، عادل شدن از طریق ایمان است. «هر بی‌عدالتی گناه است» (اول یوحنا، 5:17) و

گناه تخطی از شریعت است» (اول یوحنا، 3:4) بنابراین، همه بی‌عدالتی‌ها تخلف است

قانون؛ و البته، تمام عدالت، اطاعت از قانون است. پس می‌بینیم که عادل - راست قامت - است

کسی که قانون را اطاعت می‌کند و عادل شمرده شدن، حافظ قانون است.

چگونه عادل شویم - هدف مطلوب، عمل به خیر است و هنجار، قانون است

خداوند. «شریعت باعث خشم می‌شود» «زیرا همه گناه کرده‌اند» و «به همین دلیل خشم خدا می‌آید.

بر سر نافرمانان.» چگونه می‌توانیم مجری قانون شویم و در نتیجه فرار کنیم

از خشم یا نفرین؟ پاسخ این است: «عادل با ایمان زندگی خواهد کرد». با ایمان، نه با اعمال،

ما مجری قانون خواهیم بود! "با دل ایمان می‌آورد برای عدالت" (رومیان، 10:10) آیا آن است

بدیهی است که هیچ انسانی در برابر خدا به وسیله شریعت عادل شمرده نخواهد شد. چرا؟ زیرا

عادل با ایمان زندگی خواهد کرد.» اگر عدالت از اعمال می‌آید، پس از ایمان حاصل نمی‌شود، «و اگر به وسیله باشد

فیض دیگر با اعمال نیست، وگرنه فیض دیگر فیض نخواهد بود» (رومیان، 11:6) برای چی

کار می‌کند، حقوق به عنوان یک لطف به حساب نمی‌آید، بلکه به عنوان یک بدهی محسوب می‌شود. از سوی دیگر، برای

هر کس کار نکند، اما به کسی که ستمکاران را عادل می‌کند ایمان آورد، ایمان برای او حساب می‌شود.

عدالت» (رومیان 4: 4 و 5).

هیچ استثنایی وجود ندارد. هیچ مسیر میانی وجود ندارد. نمی‌گویند که برخی از

پرهیزکاران با ایمان زندگی خواهند کرد و با ایمان و اعمال زندگی نمی‌کنند. اما به سادگی:

"عادل با ایمان زندگی خواهد کرد." این ثابت می‌کند که عدالت با کارهایی که از خود شخص سرچشمه می‌گیرد به دست نمی‌آید

یکسان. تمام صالحان تنها با ایمان عادل می‌شوند و چنین نگره می‌دارند.

این به دلیل قداست والای قانون است که از دسترس انسان خارج است. فقط قدرت

الهی می تواند آن را برآورده کند. به این ترتیب، ما خداوند عیسی را با ایمان می پذیریم و او زندگی می کند
قانون کامل در ما

شریعت از ایمان سرچشمه نمی گیرد - این قانون مکتوب است - چه در کتاب باشد و چه بر روی لوح های سنگی -
در متن به آن اشاره شده است. قانون به سادگی می گوید، "این کار را انجام دهید." "این کار را نکن!" "چکار میکند
این چیزها برای آنها زندگی می کنند." قانون فقط در این شرایط زندگی را ارائه می دهد. ساخت و ساز،
فقط کار می کند، چیزی است که قانون می پذیرد. مهم نیست از کجا آمده اند، تا زمانی که
حضور دارند. اما هیچ کس الزامات قانون را رعایت نکرد، بنابراین نمی تواند وجود داشته باشد
تابع قانون یعنی هیچکس نمی تواند وجود داشته باشد که زندگی فعلی اش الف باشد
سابقه اطاعت کامل

"کسی که این کارها را انجام می دهد به وسیله آنها زندگی می کند." اما انسان باید زنده باشد تا بتواند
آنها را انجام دهد مرده هیچ کاری نمی تواند بکند و مرده در «تخلفات و گناهان»
(افس. ، 2:1) او قادر به اجرای عدالت نیست. مسیح تنها کسی است که در او حیات وجود دارد، زیرا او حیات است، و او
تنها کسی است که عدالت شریعت را به انجام رسانده و می تواند انجام دهد. چه زمانی
انکار و طرد نمی شود، بلکه شناخته شده و دریافت می شود، تمام پری زندگی او زندگی می کند
در ما، به طوری که دیگر ما نیستیم، بلکه مسیح در ما زندگی می کند. بنابراین، شما
اطاعت در ما را صالح می کند. ایمان ما با عدالت، به سادگی، برای ما به حساب می آید
زیرا آن ایمان مسیح زنده را تصاحب می کند. با ایمان ما بدن خود را به عنوان
معابد خدا مسیح، سنگ زنده، در قلب ساکن است که بدین ترتیب به قلب تبدیل می شود
تخت خدا و به این ترتیب، در مسیح، قانون زنده زندگی ما می شود، «به خاطر او
[از دل] حیات می آید» (امثال. 4:23)

5. رستگاری از نفرین - قسمت 2

آیه طلایی: «کسانی که ایمان دارند با ابراهیم مؤمن متبرک می شوند» (غلاطیان. 3: 9)

یکشنبه

13 مسیح ما را از لعنت شریعت نجات داد و برای ما لعنت شد. زیرا نوشته شده است: ملعون است هر که به درخت آویزان شود.

14 تا برکت ابراهیم از طریق عیسی مسیح به غیریهودیان برسد و ما از طریق ایمان وعده روح را دریافت کنیم.

پرداختن به موضوع اصلی - در این رساله بحثی در مورد آن وجود ندارد

قانون، در مورد اینکه آیا باید از آن اطاعت کرد یا نه. خواه از بین رفته باشد، تغییر یافته باشد یا قدرت خود را از دست داده باشد. آ

این رساله کوچکترین اشاره ای به این موضوع ندارد. مسئله ای که باید حل شود این نیست که آیا

قانون باید رعایت شود، اما چگونه باید از آن تبعیت کرد. مشخص شده است که

توجیه - عادل شدن - یک ضرورت است. سؤال این است: آنها با ایمان می آیند،

یا توسط آثار؟ «برادران دروغین» غلاطیان را متقاعد می کردند که باید

با تلاش خود صالح بسازند پولس، از طریق روح، این را به آنها نشان داد

تمام تلاش های خودشان بی فایده بود و تنها نتیجه ای که داشتند این بود که

لعنت حتی بیشتر به گناهکار پایبند است.

عدالت از طریق ایمان به مسیح برای همه در همه زمانها برقرار است، به عنوان تنها

عدالت واقعی معلمان دروغین در قانون لاف می زدند، اما به دلیل تخطی از قانون

خودشان نام خدا را رسوا کردند. پولس در مسیح و از طریق آن لاف زد

از عدالت شریعتی که بدین ترتیب به دست آورد، نام خدا را جلال داد.

(1) عدالت چیست؟ (مزمور 119:172)

ر:

(2) عدالت چگونه اجرا می شود؟ (عبرانیان 11:33)

ر:

(3) چه کسی در نزد خداوند عادل است؟ (اول یوحنا 3:7)

ر:

نیش گناه - قسمت آخر آیه 13 به وضوح نشان می دهد که لعنت عبارت است از مرگ: "لعنت بر هر که به درخت آویزان شود." مسیح وقتی او را به درخت آویزان کردند، هنگامی که او را مصلوب کردند، برای ما نفرین شد. اکنون بنابراین گناه عامل مرگ است: «گناه از طریق یک انسان وارد جهان شد و مرگ از طریق گناه، و مرگ به همه مردم سرایت کرد، زیرا همه گناه کردند.» (روم. 5:12) "نیش مرگ گناه است" (اول قرنتیان. 15:56) بنابراین، به طور مجازی، آیه 10 به ما می گوید: «کسی که در تمام آنچه در کتاب نوشته شده است پایبند نباشد کتاب قانون» را می توان مرده دانست. به عبارت دیگر، آن نافرمانی مساوی است تا مرگ

«هنگامی که طمع تصور شود، باعث گناه می شود. و گناه، با انجام شدن، ایجاد می کند مرگ» (یعقوب. 1:15) گناه شامل مرگ است و انسان بدون مسیح در گناهان خود مرده است. جنایات و گناهان (افس. 2:1) مهم نیست که تظاهر به پر از زندگی کنی، کلمات مسیح باقی می ماند: "مگر اینکه بدن پسر انسان را نخورید و خون او را بنوشید، حیات نخواهید داشت" (یوحنا. 6:53) «کسی که تسلیم خوشی ها می شود، زندگی می کند، مرده است» (اول تیم. 6:5) این یک مرگ زنده است، "بدن مرگ" از رومیان 7:24 گناه تخطی از قانون است. مزد گناه مرگ است. بنابراین نفرین عبارت است از مرگی که جذاب ترین گناه در خود پنهان می کند. «لعنت بر هر کس که در تمام آنچه در کتاب نوشته شده است پایبند نباشد کتاب شریعت، تا آنها را تحقق بخشد.»

دوشنبه

رستگاری از نفرین - "مسیح ما را از نفرین شریعت نجات داد." برخی از خوانندگان دیدگاه‌های سطحی این بخش سریعاً فریاد می‌زنند: «نیازی به رعایت قانون نداریم، از آنجایی که مسیح ما را از لعنت خود رهایی بخشید، گویی متن می گوید که مسیح است او را از "لعنت" اطاعت نجات داد. چنین افرادی کتاب مقدس را بی فایده خوانده اند. آ همانطور که دیدیم نفرین از قبل نافرمانی است: «لعنت بر هر که چنین نمی کند در تمام آنچه در کتاب شریعت مکتوب است می ماند تا آنها را به انجام رساند.»

بنابراین، مسیح ما را از نافرمانی شریعت نجات داد. خدا پسرش را فرستاد «در

شبهه جسم گناهکار... تا عدالت شریعت در ما تحقق یابد.»

(روم. 3:8 و 4).

کسی بدون فکر خواهد گفت: "این به من اطمینان می دهد: با توجه به قانون، من می توانم آنچه را که می خواهم انجام دهم، زیرا همه

ما رستگار شده ایم." درست است که همه باز خرید شدند، اما

همه رستگاری را نپذیرفته اند. بسیاری در مورد مسیح می گویند: «ما این را نمی خواهیم

بر ما فرمانروایی کن» و از نعمت های خدا روی گردان. اما رستگاری برای همه است. همه

با خون گران بها - زندگی - مسیح خریداری شدند، و همه می توانند، اگر

می خواهند از گناه و مرگ رها شوند. ما "از رفتار بیهوده" رهایی یافته ایم

ما از طریق آن خون از والدین خود دریافت کردیم (اول پطرس. 1:18)

برای فکر کردن به معنای این موضوع وقت بگذارید. اجازه دهید روح شما را تحت تاثیر قرار دهد و

قوت دهید، که در این عبارت وجود دارد: "مسیح ما را از نفرین شریعت نجات داد"

عدم رعایت خواسته های منصفانه ما دیگر نیازی به گناه نداریم! او را برید

غل و زنجیر گناه که ما را به بردگی گرفته است، به طوری که تنها کاری که باید انجام دهیم این است

رستگاری را بپذیریم تا از تمام گناهانی که بر ما مسلط است رها شویم. دیگر نیست

بر ما واجب است که عمر خود را در حسرت شدید و ناله های بیهوده بگذرانیم

آرزوهای برآورده نشده مسیح امید کاذب نمی دهد، بلکه می آید

اسیر گناه می شود و به آنها می گوید: «آزادی! درهای زندان شما باز است.

از او برو بیرون!» چه چیز بیشتر لازم است گفته شود؟ مسیح کامل ترین پیروزی ها را به دست آورد

در مورد این عصر شیطانی کنونی، در مورد "شهوت جسم و شهوت

از چشم ها و غرور زندگی» (اول یوحنا، 2:16) و ایمان ما به او پیروزی او را از آن ما می کند.

تنها کاری که باید انجام دهیم این است که آن را بپذیریم.

(1) مسیح ما را از گناه، از نافرمانی آزاد کرد. پس زندگی آن چه خواهد بود

چه کسی به او ایمان دارد؟ (اول یوحنا 3:6 و 9)

ر:

مسیح، برای ما نفرین کرد - برای هر کسی که کتاب مقدس را می خواند، روشن می شود

که "مسیح برای کافران مرد" (روم. 6: 5) و "به خاطر گناهان ما تسلیم شد"

(روم. 4:25) بی گناه برای گناهکار مرد، عادل برای ظالم، او توسط

گناهان ما، و به خاطر گناهان ما درهم شکسته شده اند: مجازاتی که ما را به آرامش می رساند

بر او بود و با زخم های او شفا یافتیم. همه راه افتادیم
مثل گوسفند سرگردان هر یک به راه خود گمراه شد، اما خداوند ساخت
گناه همه ما بر او خواهد افتاد» (اشعیا 53:5 و 6). حالا پس مرگ وارد شده است
با گناه مرگ نفرینی است که بر همه انسان ها گذشت، به این دلیل ساده
که "همه گناه کرده اند." از آنجایی که مسیح «لعنتی برای ما» ساخته شد، واضح است که اگر
تبدیل به "گناه برای ما" شد (دوم فرنتیان 5:21) و گناهان ما را در بدن خود حمل کرد
درخت» (اول پطرس 2:24) توجه داشته باشید که گناهان ما "در بدن او" بود. کار شما نیست
از چیزی سطحی تشکیل شده بود گناهان ما احساسی بر او گذاشته نشد
صرفاً نمادین است، اما آنها «در بدن او» بودند. او برای ما نفرین شد و
بنابراین او برای ما مرگ را متحمل شد.

برخی این را حقیقتی نفرت انگیز می دانند. برای مشرکان این جنون است و برای
یهودیان سنگ مانع هستند، اما برای نجات یافتگان، قدرت و حکمت خداست (اول قرن.
1:23 و 24) به یاد داشته باشید که او گناهان ما را بر بدن خود گرفت. مال شما نیست
گناهان، زیرا او هرگز گناه نکرد. همان کتاب مقدسی که می گوید خدا او را به گناه آفرید
برای ما او تأکید می کند که "گناهی نداشت". همان قسمتی که به ما اطمینان می دهد
"گناهان ما را در بدن خود بر درخت حمل کرد"، تصریح می کند که "او مرتکب نشد
گناه". این که او بتواند گناه ما را در خودش تحمل کند و او را گناه کند
زیرا ما، و با وجود اینکه مرتکب گناهی نشده ایم، به جلال او کمک می کنیم
جاودانگی و نجات ابدی ما از گناه. گناه همه انسانها بود
اما در او هیچ کس نمی تواند روشن ترین سایه گناه را در او کشف کند. با اینکه
با تحمل تمام گناهان در خود، در زندگی هرگز هیچ گناهی را آشکار نکرد. او آن را گرفت و با قدرت زندگی غیرقابل انحال
خود که بر مرگ غلبه می کند آن را جذب کرد. این قدرتمند است
تحمل گناه بدون اینکه او را لکه دار کند. و ما را با زندگی شگفت انگیز او بازخرید.
زندگی او را به ما عنایت کن تا از هر سایه گناه رهایی یابیم
که در گوشت ماست

«مسیح در روزهای زندگی زمینی خود با فریادهای بلند درخواست و دعا کرد
اشک به چیزی که می تواند او را از مرگ نجات دهد. و به خاطر خداپرستی اش شنیده شد» (عبرانیان 7: 5)
اما او مرد! هیچکس جان او را نگرفت. خودش داد تا دوباره بگیره
(یوحنا 10:17 و 18) دردهای مرگ رها شد، «زیرا غیرممکن بود
توسط او حفظ شد» (اعمال رسولان 2:24) چرا پس از آن مرگ محال بود که او را حفظ کند؟

که او داوطلبانه تحت قدرت آن قرار گرفت؟ زیرا "او گناهی نداشت."
گناه را بر خود گرفت، اما از قدرت آن در امان بود. از هر نظر شبیه به
برادران او، "از هر جهت مانند ما وسوسه شدند" (عبرانیان 4:15، 2:17 و از
او خودش نمی توانست کاری انجام دهد (یوحنا 5:30) او به پدر دعا کرد تا او را از سقوط نجات دهد.
شکست خورده و در نتیجه تحت قدرت مرگ قرار می گیرند. و شنیده شد. این
کلمات: «زیرا یهوه خدا به من کمک می کند و من شرمنده نمی شوم. به همین دلیل صورتم را گذاشتم
مثل سنگریزه، و می دانم که شرمنده نخواهم شد. همین نزدیکی است که مرا توجیه می کند. سازمان بهداشت جهانی
با من مبارزه خواهی کرد؟ بیایید با هم شرکت کنیم؛ دشمن من کیست؟ به
من» (اشعیا 50:7 و 8)

آن گناه چه بود که به او ستم کرد و از آن رهایی یافت؟ مال تو نیست، چون
وجود نداشت مال من و تو بود گناهان ما قبلاً غلبه کرده اند، شکست خورده اند.
مبارزه ما فقط با دشمن شکست خورده است. وقتی خدا را به نام عیسی می‌جوئید،
تسلیم مرگ و زندگی او شوید تا نام او را بیهوده نبرید.
تا زمانی که مسیح در شما ساکن است - تنها کاری که باید انجام دهید این است که او را به خاطر بسپارید
او تمام گناهان را به دوش کشید و هنوز هم آن را تحمل می کند. و اینکه او برنده است. شما فریاد خواهید زد: "با تشکر از
خدایی که ما را به وسیله خداوند ما عیسی مسیح پیروز می کند" (اول قرنتیان 15:57).
«خدایا را شکر که همیشه ما را در مسیح عیسی و به واسطه ما به پیروزی می رساند
او بوی معرفت خود را در همه جا آشکار می کند» (دوم قرنتیان 2: 14)

سه‌شنبه

مکاشفه صلیب - "درخت" غلاطیان 3:13 ما را به موضوع بازمی گرداند.
محور آیات 2:20 و 3:1 صلیب پایان ناپذیر.

در این رابطه هفت نکته را در نظر می گیریم:

(1) رهایی از گناه و مرگ از طریق صلیب انجام می شود (غلاطیان 3:13)

(2) کل انجیل در صلیب است، زیرا انجیل «قدرت خداست

برای نجات هر که ایمان آورد» (رومیان 1:16) و "برای کسانی که نجات می یابند"

صلیب مسیح "قدرت خداست" (اول قرنتیان 1:18)

(3) مسیح تنها به عنوان مصلوب و زنده شده خود را به انسان سقوط کرده نشان می دهد.

«هیچ نام دیگری در زیر بهشت به مردم داده نشده است تا بتوانند به وسیله آن باشند

نجات یافت» (اعمال رسولان 4:12) بنابراین، این تمام چیزی است که خداوند در برابر انسانها قرار می دهد

به طوری که امکان سردرگمی وجود نداشته باشد. عیسی مسیح، و عیسی مسیح مصلوب شده، تمام آن چیزی است که پولس می خواست بداند. این تمام چیزی است که باید بدانید انسان. آنچه انسان به آن نیاز دارد رستگاری است. اگر آن را به دست آورید، همه چیز را دارید چیزها اما تنها از طریق صلیب مسیح است که می توان به نجات رسید. پس خدا نمی گذارد در مقابل چشم انسان هیچ چیز دیگری؛ دقیقاً همان چیزی را به شما می دهد نیاز دارد. خداوند عیسی را به عنوان مصلوب شده به هر انسانی تقدیم می کند تا هیچ کس بهانه ای برای گم شدن یا ادامه گناه ندارد.

(4) مسیح به عنوان نجات دهنده مصلوب شده به هر انسانی معرفی می شود. و یک بار آن انسان باید از لعنت نجات یابد، او را حامل نفرین می کند. آنجا جایی که نفرین پنهان است، مسیح آن را می گیرد. ما قبلاً دیدیم که مسیح چگونه او را حمل کرد و هنوز هم لعنت زمین را تحمل می کند، زیرا او تاج خار را گرفت و نفرینی که بر روی زمین گفته می شد این بود: «خار و خار بیرون آور» (پیدایش. 3:18). بنابراین، از طریق صلیب مسیح، کل خلقت که اکنون تحت لعنت ناله می کند (رومان. 8:19-23).

(5) مسیح لعنت را بر روی صلیب گرفت. آنچه بر آن چوب آویزان شده نشان می دهد که بوده است برای ما نفرین کرد صلیب نه تنها نماد نفرین، بلکه نماد نفرین است رهایی از آن، زیرا صلیب مسیح، پیروز و فاتح است.

(6) ممکن است کسی بپرسد: نفرین کجاست؟ ما پاسخ می دهیم: کجا نیست این است؟! حتی نابینایان هم می توانند آن را ببینند، اگر فقط به شواهد خود توجه کنند حواس خود نقص یک نفرین است. بله، این نفرین است. و ما در هر چیزی که به این زمین مربوط می شود نقص می یابیم. مرد است ناقص، و حتی دقیق ترین طرح هایی که روی زمین پیش بینی می شود، حاوی نقص در برخی جزئیات همه چیزهایی که می بینیم خود را آشکار می کنند مستعد بهبود است، حتی زمانی که چشمان ناقص ما متوجه آن نمی شوند. نیاز به چنین بهبودی وقتی خدا جهان را خلق کرد، همه چیز "بسیار خوب" بود. حتی خدا هیچ امکانی برای بهبود آن ندید. ولی الان خیلی زیاده ناهمسان. باغبان سخت تلاش می کند تا میوه ها و گل های خود را بهبود بخشد توصیه شدند. و اگر درست باشد که حتی در بهترین زمین لعنت نازل می شود، در مورد میوه های معیوب، برگ ها و ساقه های بیمار، گیاهان سمی و غیره چه خواهیم گفت؟ "لعنت زمین را در همه جا فرو برد" (اشعیا. 24:6).

(7) آیا باید از این امر دلسرد شویم؟ نه، «چون خدا ما را به خشم گماشته است، بلکه برای به دست آوردن نجات از طریق خداوند ما عیسی مسیح» (اول تسالونیکیان. 5:9). اگرچه ما همه جا لعنت را می بینیم، طبیعت زندگی می کند و انسان زندگی می کند. اما نفرین مرگ است و هیچ انسان یا مخلوقی نمی تواند منجر به مرگ شود. مرگ و هنوز زنده است، زیرا مرگ می کشد! اما مسیح زندگی می کند. او مرد، اما زنده است همیشه (مکاشفه. 1:18) فقط او می تواند نفرین -مرگ- و به فضیلت را تحمل کند شایستگی های خودش زنده می شود. زندگی بر روی زمین وجود دارد، و با وجود این، در انسان وجود دارد لعنت، سپاس از مسیح که بر روی صلیب مرد. در هر تکه علف، در هر برگ در جنگل، روی هر بوته و هر درخت، روی هر میوه و هر گل، و حتی روی نانی که می خوریم، صلیب مسیح نقش بسته است. در ماست بدن های خود به هر طرف که نگاه می کنیم شواهدی از مصلوب شدن مسیح وجود دارد. آ موعظه صلیب -انجیل- قدرت خداوند است که در همه چیز آشکار شده است که آفرید چنین است "قدرتی که در درون ما کار می کند" (افس. 3:20) در نظر گرفتن رومیان، 1:16-20 همراه با اول قرنتیان 1:17 و 18 به وضوح نشان می دهد که صلیب مسیح در همه چیزهایی که خدا ساخته است، حتی در خود ما، آشکار می شود بدن

1) همه چیز، تمام زندگی در چه کسی است؟ (کولسیان 1:17)

ز:

چهارشنبه

تسلیت از دلسردی - "زیرا بدی های بی شماری مرا احاطه کرده اند: گناهانم مرا محصور کرده است و نمی توانم به بالا نگاه کنم. بیشتر هستند بیش از موهای سر من است. از این رو قلب من بیهوش می شود» (مزمور. 40:12) اما این فقط به این دلیل نیست که ما می توانیم با اطمینان به خدا فریاد بزنیم - «از عمیق» - بلکه در رحمت بیکران خود امیدوار است که در همین ها باشد اعماق به ما اجازه می دهد منبع اعتماد خود را پیدا کنیم. با وجود اینکه ما زنده ایم قرار گرفتن در اعماق گناه ثابت می کند که خدا، در شخص مسیح بر روی صلیب، به ما کمک می کند تا ما را آزاد کند به این ترتیب، از طریق روح القدس، حتی کسی که تحت نفرین کن (و همه چیز زیر آن است)، انجیل را موعظه کن. شکنندگی خودمان، به دور از مایه دلسردی بودن، اگر به پروردگار ایمان داشته باشیم، ضامن رستگاری است. ما "قدرت" را می گیریم

از ضعف.» «در تمام این چیزها ما به واسطه ی او که به ما عطا کرد بیش از پیروز هستیم دوست داشتنی» (روم. 8:37) قطعاً خداوند انسان را بدون شهادت نگذاشته است. و «کسی که ایمان آورد در پسر خدا، او در خود شهادت دارد» (اول یوحنا. 5:10)

(1) غیر از جاودانگی، خدا چه چیز دیگری از طریق انجیل به ما داده است؟ (II)

تیموتائوس (1:10)

ر:

توجه: خداوند از طریق انجیل نه تنها جاودانگی را به ما می دهد، بلکه به ما نیز می بخشد زندگی فیزیکی

از نفرین به برکت - مسیح نفرین را گرفت تا ما بتوانیم آن را داشته باشیم
برکت مرگ او برای ما حیات است. اگر ما به طور داوطلبانه در بدن خود حمل کنیم
مرگ خداوند عیسی، زندگی او نیز در بدن فانی ما آشکار خواهد شد (2 قرن.
4:10) او برای ما گناه ساخته شد تا ما در او عدالت خدا باشیم (2
قرن تیان. 5:21) برکتی که ما از طریق نفرین او دریافت می کنیم در این است
رهایی از گناه برای ما، نفرین نتیجه تخطی از قانون است (غل.
3:10) برکت این است که ما از شرارت خود دور می شویم (اعمال رسولان. 3:26)
مسیح لعنت، گناه و مرگ را متحمل شد، «تا در مسیح عیسی برکت
ابراهیم به غیریهودیان برسد.»

برکت ابراهیم، همانطور که پولس در دیگر رساله هایش بیان می کند، در این است
عدالت بوسیله ایمان: «به همین ترتیب داوود نیز مردی را که خدا او را متبرک می داند
عدالت را بدون عمل به حساب می آورد و می گوید: خوشا به حال کسانی که گناهانشان است
آمرزیده شده و گناهان او پوشیده شده است. خوشا به حال مردی که خداوند او را
گناه را به حساب نمی آورد» (رومیان. 8-6: 4)

پولس در ادامه توضیح می دهد که این برکت برای غیریهودیان که ایمان دارند، اعلام می شود.
و همچنین برای یهودیانی که ایمان دارند، زیرا ابراهیم نیز آن را دریافت کرد
خته نشده "تا او برای همه ایمانداران پدر باشد" (آیه. 11)

نعمت رهایی از گناه است و نفرین، پرداخت گناه. با توجه به
که نفرین صلیب را آشکار می کند، خداوند همان نفرین را اعلام می کند

برکت این واقعیت که ما از نظر جسمی زنده هستیم، با وجود اینکه گناهکار هستیم، به ما اطمینان می دهد آزادی از گناه از آن ماست. ضرب المثل می گوید: «تا زمانی که زندگی هست، امید هم هست». زندگی امید ماست

خدا را شکر برای امید پر برکت! برکت به همه مردان رسید. "مثل این همانطور که برای یک جرم، همه مردم را محکوم کردند، به همین ترتیب با یک عمل عدالت بر همه انسانها فیض آمد، عادل شمرده شدن زندگی» (رومیان 5:18). خدایی که هیچ فرقی بین مردم قائل نیست، او را برکت داد ما در مسیح با تمام برکت روحانی در بهشت (افس. 1:3). هدیه مال ماست و انتظار می رود آن را حفظ کنیم. اگر کسی نعمت را ندارد، به این دلیل است که آن را نشناخته است به عنوان یک هدیه، یا شاید به این دلیل که او عمداً آن را رد کرد.

کار تمام شده - «مسیح ما را از نفرین شریعت، از گناه و مرگ، او این کار را «با تبدیل شدن به یک نفرین برای ما» انجام داد و ما را از هر میل به گناه رهایی می بخشد. O گناه نمی تواند بر ما سلطه داشته باشد اگر مسیح را واقعاً و بدون آن بپذیریم رزرو این حقیقت در زمان ابراهیم، موسی، داوود و اشعیا به همان اندازه جاری بود در زمان ما. بیش از هفتصد سال قبل از اینکه آن صلیب بر روی کالواری نصب شود، اشعیا در مورد چیزهایی که در هنگام سوزاندن ذغال سنگ از قربانگاه برداشته بود شهادت داد. گناه خودش را پاک کرد گفت: او ناتوانی های ما را بر خود گرفت و او دردهای ما را بر عهده گرفت... او به خاطر تخلفات ما زخمی شد و در هم شکست گناهان ما: عذابی که ما را در آرامش می آورد، بر او و به ضربات او بود ما شفا یافتیم... خداوند گناه همه ما را بر او نهاده است» (اشعیا 53:5 و 6). گناهان شما را مانند مه محو خواهیم کرد و گناهان شما را مانند ابر محو خواهیم کرد. به من، زیرا من تو را فدیة دادم» (اشعیا 44:22). مدتها قبل از اشعیا، داوود نوشت: «او با ما مطابق گناهانمان رفتار نمی کند، و به ما بر اساس گناهانمان جبران نمی کند نابرابری ها.» «هر چه شرق از غرب دور باشد، از ما دور است تخلفات» (مصور ۱۰: ۱۰۳ و ۱۲).

"ما که مسیح را داریم وارد آرامش می شویم" (عبرانیان 3: 4). نعمتی که ما دریافت می کنیم "برکت ابراهیم" است. ما هیچ پایه ای جز بنیاد رسولان نداریم و انبیا: مسیح، سنگ بنا (افس. 2:20). نجاتی که خداوند عنایت کرده کامل است و کامل. وقتی به دنیا آمدیم، او از قبل منتظر ما بود. ما آزاد نمی کنیم اگر ما آن را رد کنیم، خداوند هیچ باری بر دوش نمی کشد، و هنگامی که آن را رد کنیم، بر او وزنی نمی افزاییم ما می پذیریم.

پنج شنبه

(1 چه زمانی خداوند برای نجات همه مردم عنایت کرد؟ II)

تیموتائوس (9:1)

ز:

"وعده روح" - مسیح ما را باز خرید کرد "تا با ایمان بتوانیم آن را دریافت کنیم

وعده روح. «اشتباه نکنیم که بخوانیم: ...» وعده هدیه را دریافت کنیم

از روح. این گفته نشده و به این معنا نیست، همانطور که بعداً خواهیم دید. مسیح ما

باز خرید شد، و این حقیقت عطای روح را ثابت می کند، زیرا فقط «به وسیله روح است

ابدی» که او خود را بدون عیب به خدا تقدیم کرد (عبرانیان 14:19 اگر نبود

به وسیله روح، ما هرگز احساس گناه نمی کنیم. ما حتی نمی دانیم

رستگاری روح گناه و عدالت را محکوم می کند (یوحنا 8: 16) «روح چیست

شاهد باشید، زیرا روح حقیقت است» (اول یوحنا 5: 6) «کسی که ایمان دارد... آن را دارد

شهادت در خود» (آیه 10) مسیح از طرف هر انسانی مصلوب می شود.

همانطور که قبلاً دیدیم، این با این واقعیت نشان داده می شود که همه ما تحت نفرین هستیم و

فقط مسیح می تواند نفرین را بپذیرد. اما از طریق روح است که خدا بر روی زمین زندگی می کند

در میان مردان ایمان به ما این امکان را می دهد که شهادت او را دریافت کنیم، و ما از او خوشحال می شویم

ما را از داشتن روح او مطمئن می کند.

همچنین توجه داشته باشید: ما برکت ابراهیم را دریافت کردیم تا وعده آن را دریافت کنیم

روح. اما فقط از طریق روح است که وعده می آید. بنابراین، برکت

نمی تواند این وعده را بیاورد که ما روح را دریافت خواهیم کرد. ما قبلاً روح را با هم داریم

با قول اما با داشتن برکت روح (که عدالت است)، می توانیم باشیم

از دریافت آنچه که روح به صالحان وعده می دهد، اطمینان حاصل کنید: میراث ابدی. با برکت

ابراهیم، خداوند به او وعده ارث داده است. روح تعهد - تضمین - همه است

برکت

(1 عیسی چگونه در نیکی و عادل بودن قدرت یافت؟ (اعمال رسولان 10:38)

ر:

(2) چگونه می توانیم عدالت را رعایت کنیم؟ (اشعیا 4:4، غلاطیان

5:16)

ر:

روح به عنوان ضامن وراثت -تمام عطایای خدا با خود همراه است
و عده برکات بیشتر همیشه موارد بیشتر و بزرگتر وجود خواهد داشت. هدف خدا در
انجیل این است که همه چیز را با هم در عیسی مسیح جمع کند، که در او «ما نیز الف
وراثت... و با ایمان به او، با روح القدس موعود مُهر شدی،
که امنیت میراث ماست، تا زمانی که به حمد و ثنای او تصرف کنیم

جلال» (افس. 1:11-14)

بعداً دوباره در مورد این میراث صحبت خواهیم کرد. فعلاً همین بس که همینطور است
از ارثی که به ابراهیم وعده داده شده بود، و ما فرزندان او با ایمان شدیم. ارث تعلق دارد
به همه کسانی که از طریق ایمان به عیسی مسیح فرزندان خدا هستند. و روحی که بر ما مهر می زند
پسر بودن ضمانت است، اولین ثمره این ارث موعود. کسانی که جلال را قبول دارند
رهای -در مسیح -از نفرین شریعت، یعنی رستگاری، نه از اطاعت از شریعت
(چون اطاعت نفرین نیست) اما از سرپیچی از قانون وارد شده اند
روح یک پیش مزه از قدرت و برکت جهان آینده است.

جمعه

15 برادران، من مانند یک مرد صحبت می کنم. اگر وصیت مردی ثابت شود، هیچ کس آن را باطل نمی کند و بر آن نمی
افزاید.

16 اکنون وعده‌ها به ابراهیم و نسل او داده شد. نمی گوید: و به ذریه، همانطور که از بسیاری صحبت می شود، بلکه به
عنوان یک: و به نسل شما که مسیح است.

17 اما این را می گویم: از آنجا که عهد قبلاً توسط خدا تأیید شده بود، شریعت که چهارصد و سی سال بعد آمد، آن را باطل نمی کند
تا وعده را لغو کند.

18 زیرا اگر میراث به واسطه شریعت باشد، دیگر به وعده نیست، بلکه خدا به وعده آن را مجانی به ابراهیم داد.

انجیل نجات به ابراهیم به جهانیان موعظه شد. او ایمان آورد و دریافت کرد نعمت حق همه کسانی که ایمان آورده اند مانند ابراهیم مؤمن سعادت‌مندند. همه «کسانی که ایمان دارند فرزندان ابراهیم هستند». «وعده ها به ابراهیم و ابراهیم داده شد فرزندان». «اگر میراث به شریعت بستگی داشت، دیگر از طریق به ابراهیم اعطا نمی شد از قول». «قولی که به ما می دهد همان است که به او داده شد: قول الف ارثی که ما به عنوان فرزندان او در آن شرکت می کنیم.

"و نسل او" - این یک بازی ساده با کلمات نیست، بلکه یک موضوع حیاتی موضوع بحث برانگیز ابزار نجات است: نجات (1) فقط توسط مسیح؟؛ (2) برای چیز دیگری؟ یا (3) توسط مسیح و شخص دیگری یا چیز دیگری؟ بسیاری تصور می کنند که باید با خوب کردن خود، خود را نجات دهند. دیگران معتقدند که مسیح کمک ارزشمندی است، کمک خوبی برای تلاش های شما. هنوز دیگران، آنها اولین مکان را به او خواهند داد، اما نه تنها مکان. خود را خوب ببینند "جایگاه دوم". کسانی که کار را انجام می دهند، خدا و آنها هستند. اما متن مورد مطالعه همه را رد می کند این ادعاهای بیهوده نمی گوید: «و ذریه او»، بلکه می گوید: «به ذریه تو». نه برای بسیاری، بلکه برای یکی، «که مسیح است».

دو اصل و نسب وجود ندارد - ما می توانیم تبار روحانی ابراهیم را در مقابل هم قرار دهیم با فرزندان جسمانی خود «معنوی» متضاد «جسمی» است و بچه های جسمانی مگر اینکه فرزندان روحانی هم باشند، سهمی در ارث ندارند معنوی برای مردانی که در بدن زندگی می کنند، در این دنیا وجود ندارد غیرممکن است که آنها کاملاً روحانی باشند. ما باید باشیم یا غیر از این ما فرزندان ابراهیم نخواهیم بود. «کسانی که بر اساس جسم زندگی می کنند، نمی توانند خوشنود باشند خدا» (رومیان 8:8) "گوشت و خون نمی توانند وارث ملکوت خدا شوند" (اول قرن 15:50). تنها یک سلسله از فرزندان روحانی ابراهیم وجود دارد. فقط یک کلاس از اولاد روحانی واقعی: «کسانی که ایمان دارند»، کسانی که با پذیرش مسیح از طریق ایمان، قدرت را دریافت کنید تا فرزندان خدا شوید (یوحنا 1:12).

بسیاری از وعده ها در یک - اگر چه نزول مفرد است، وعده ها هستند جمع هیچ چیزی نیست که خدا بخواهد به کسی بدهد و او به آن وعده نداده باشد ابراهیم. تمام وعده های خدا به مسیح که ابراهیم به او ایمان داشت منتقل می شود.

«همه وعده های خدا در اوست. بنابراین، ما در او می گوئیم "آمین" به جلال

خدا» (دوم قرنتیان. 1:20)

(1) ما توسط چه کسی وارث همه وعده های خدا می شویم؟ (دوم قرنتیان

1:20-22)

ر:

(2) به چه وسیله ای برکت داریم؟ (غلاطیان 3:9)

ر:

میراث موعود - در غلاطیان 15: 3 تا 18 ما به وضوح آنچه را که وعده داده شده است می بینیم، و

مجموع همه وعده ها ارث است. آیه 16 می گوید که شریعت آمد

چهارصد و سی سال بعد از وعده داده شده و تأیید نمی شود این را باطل کرد

آخر. «اگر میراث به شریعت بستگی داشت، دیگر از طریق قانون به ابراهیم اعطا نمی شد

وعده". وقتی آیه را نقل می کنیم می توانیم بدانیم وعده چیست

مانند این دیگر: «به واسطه شریعت، مانند ابراهیم و نسل او نبود

به آنها وعده داده شد که وارثان جهان خواهند بود، اما از طریق عدالتی که از راه می رسد

ایمان» (رومیان. 4:13) اگر چه «آسمانها و زمین برای آتش روز محفوظ است

داوری و نابودی بدکاران، و در آن روز «آسمانها به آتش کشیده می شود و

از بین می رود و عناصر با هم ذوب می شوند و در آتش می سوزند». با این حال، ما،

"بر اساس وعده او، ما مشتاقانه منتظر آسمان جدید و زمین جدید هستیم که در آن عدالت ساکن است" (دوم

پطرس 12، 7، 3: و 13) این وطن آسمانی است که ابراهیم و اسحاق نیز منتظر آن بودند

و یعقوب

وراثت بدون نفرین - «مسیح ما را از لعنت نجات داد... به این ترتیب

با ایمان ما وعده روح را دریافت می کنیم.» ما آن وعده را دیده ایم

روح مالکیت زمین تجدید شده است، یعنی نجات یافته از نفرین. زیرا

خود خلقت با مشارکت در آزادی از بردگی فساد رهایی خواهد یافت

جلال فرزندان خدا» (رومیان. 8:21) زمین که اخیراً از دست خالق خارج شد،

جدید، تازه و کامل از همه جهات، در اختیار انسان قرار گرفت (پیدایش.

28، 27:1 و 31) انسان گناه کرد، بنابراین نفرین را آورد. مسیح به دست گرفت

همه لعنت، هم انسان و هم همه خلقت. زمین را از

لعنت، به طوری که می تواند مالکیت ابدی باشد که خدا در ابتدا قصد داشته است هر چه؛ و همچنین انسان را از لعنت نجات می دهد تا او را قادر به تصاحب چنین لعنتی کند میراث. این خلاصه انجیل است. «هدیه رایگان خدا زندگی ابدی در آن است خداوند ما مسیح عیسی» (رومیان 6:23) این هدیه زندگی ابدی در گنجانده شده است وعده وراثت، زیرا خداوند به ابراهیم و نسل او وعده داده است که زمین «در میراث ابدی» (پیدایش 17:8) این میراث عدالت است، زیرا وعده داده شده است اینکه ابراهیم وارث جهان خواهد شد از طریق عدالتی بود که از ایمان حاصل می شود. آ عدالت، زندگی ابدی، و مکانی برای زندگی ابدی، هر سه در آن گنجانده شده است قول می دهیم و هر چیزی را که می توانیم بخواهیم یا دریافت کنیم را تشکیل می دهیم. رستگاری مرد، بدون دادن مکانی برای زندگی به او کاری ناتمام خواهد بود. این دو عمل جزء الف هستند همه. قدرتی که به وسیله آن رستگار شده ایم، قدرت آفرینش است که آسمان ها و آسمان ها را تجدید می کند زمین. هنگامی که همه چیز انجام شود، "دیگر هیچ لعنتی وجود نخواهد داشت" (Apoc. 22:3)

شنبه

عهد و عهد - عهد و وعده خدا یکی است. این اگر به وضوح در غلاطیان 3: 17 اشاره می کند، جایی که پولس بیان می کند که باطل کردن عهد باعث می شود وعده را تحت تأثیر قرار دهد در پیدایش 17 می خوانیم که عهدی با ابراهیم بسته شد زمین کنعان را به عنوان ملکی ابدی بدهید (آیه 8) غلاطیان 3: 18 می گوید که خدا به او داده است از طریق قول پیمان های خدا با انسان جز این نمی تواند باشد به انسان وعده می دهد: «چه کسی اول آن را به او داد تا ثواب بگیرد؟ زیرا همه چیز از جانب او و به وسیله او و برای اوست» (رومیان 11: 35 و 36) پس از سیل، خداوند با همه موجودات زنده روی زمین پیمان بست: پرندگان، حیوانات، و کل جانور هیچ یک از آنها در عوض وعده ای ندادند (پیدایش 9: 16-9: 9 به سادگی از دست خداوند لطف دریافت کرد. این تنها کاری است که می توانیم انجام دهیم: دریافت. خداوند به ما قول می دهد هر چیزی را که نیاز داریم، و بیش از آنچه که می توانیم بخواهیم یا تصور کنیم، به عنوان هدیه (هدیه). ما خودمان را به او می دهیم، یعنی چیزی به او نمی دهیم. و او اگر برای ما تحویل می دهد، یعنی همه چیز را به ما می دهد. چیزی که موضوع را پیچیده می کند این است که حتی مردی که مایل است خداوند را در همه چیز بشناسد، برای مذاکره تلاش می کند با او اما هرکسی که قصد «مذاکره» با خدا را داشته باشد، باید این کار را انجام دهد

شرایطی را که او تعیین می کند، یعنی چیزی نداریم و هیچ نیستیم و آن
او همه چیز دارد، او همه چیز است و اوست که همه چیز را به ما می دهد.

عهد تأیید شده -عهد (وعده الهی برای دادن تمام زمین به انسان
تمدید شد، پس از نجات او از نفرین)، «قبلاً توسط
خداوند». مسیح تضمین عهد جدید، عهد ابدی است، «زیرا به همان تعداد
وعده های خدا وجود دارد، آنها در او هستند، بله، و به واسطه او آمین، برای جلال خدا» (دوم قرن.
1:20). میراث در عیسی مسیح از آن ماست (اول پطرس 3: 1 و 4)، زیرا روح القدس همان
اولین ثمره میراث و مالکیت روح القدس مسیح است که از طریق قلب در قلب ساکن است.
ایمان. خداوند ابراهیم را برکت داد و گفت: «به وسیله تو همه چیز برکت خواهد یافت.
ملتها» و این در مسیح که خدا فرستاد تا ما را برکت دهد، تحقق می یابد
همه از شرارت خود برگردند (اعمال رسولان 25: 3 و 26).

این سوگند خدا بود که عهد و پیمانی را که با ابراهیم بسته بود تأیید کرد. آن یکی
وعده و آن سوگند که به ابراهیم داده شده، پایه امید ماست،
"آسایش بسیار قوی" ما (عبرانیان 6:18). آنها "لنگر مطمئن و محکم" هستند (آیه 19)،
زیرا سوگند مسیح را به عنوان ضمانت، امنیت، و مسیح «هست
زنده است» (عبرانیان 7:25). او همه چیز را با کلام قدرتمند خود حفظ می کند" (عبرانیان 1:3)
"همه چیز در او است" (کولسیان 1:17). «بنابراین، وقتی خدا خواست نشان دهد
وارثان وعده تغییر ناپذیری مقصودش، با سوگند مداخله کرد.»
(عبرانیان 6:17). آسایش و امید ما به فرار و نگر داشتن ما از گناه در او نهفته است.
مسیح وجود خود و به همراه آن کل جهان هستی را تضمین کرد
نجات ما آیا می توان پایه ای محکم تر از آن برای امید ما تصور کرد
کلام قدرتمند او؟

قانون نمی تواند قول را باطل کند -همانطور که به جلو می رویم، لازم است
به یاد داشته باشیم که پیمان و وعده بر هم هستند و شامل زمین، جدید می شوند
زمینی که به ابراهیم و فرزندانش داده خواهد شد. همچنین لازم است به یاد داشته باشید که، با توجه به
که فقط عدالت می تواند در آسمان جدید و زمین جدید ساکن شود، وعده شامل ساختن است
عادل برای همه کسانی که ایمان دارند. این در مسیح اتفاق می افتد، که در او وعده تأیید شده است.
«پیمان، حتی اگر متعلق به مرد باشد، پس از تصویب، هیچ چیز نمی تواند آن را باطل کند.»
چه قدر که نوبت به عهد خدا می رسد!

بنابراین، هنگامی که از طریق «عهد» به ما اطمینان از عدالت ابدی داده شد
با ابراهیم که با سوگند خدا در مسیح تأیید شد، غیرممکن است

که قانونی که چهارصد و سی سال بعد اعلام شد می تواند برخی را معرفی کند
عنصر جدید به ابراهیم ارث از طریق وعده داده شد. اما اگر
چهارصد و سی سال بعد می توان از دیگری ارث گرفت
به این ترتیب، این عهد باطل می شود و عهد باطل می شود. و این نشان می دهد
با این حال، فروپاشی حکومت خدا و پایان وجود او، همانطور که او قرار داده است
وجود به عنوان تضمینی که به ابراهیم و نسل او ارث و عدالت خواهد داد
ملزم به داشتن آن است. «زیرا این بر اساس شریعت نبود که ابراهیم و فرزندانش
به آنها وعده داده شد که وارثان جهان خواهند بود، اما از طریق عدالتی که می آید
با ایمان» (رومیان 4:13) انجیل در روزگار ابراهیم به همان اندازه کامل و کامل بود
همیشه بوده است به سوگند خداوند به ابراهیم، اضافه یا تغییر امکان پذیر نیست
برخی از شرایط آن نمی توان چیزی از شکلی که در آن زمان وجود داشت کم کرد و هیچ چیز
می توان از هر مردی خواست، اما از ابراهیم نیز خواسته شد.

6 رستگاری از نفرین - قسمت 3

آیه طلایی: «پس شریعت به عنوان معلم (معلم) ما عمل کرد تا ما را به مسیح هدایت کند تا با ایمان عادل شمرده شویم.» (غلاطیان 3:24)

یکشنبه

(1 به چه طریقی مؤمنان زمین جدید را به ارث خواهند برد؟ (رومیان 4:13)

ز:

19 پس، شریعت برای چیست؟ به سبب تجاوزات مقرر شد، تا این که نسلی که به او وعده داده شده بود آمد، و فرشتگان آن را به دست واسطه عطا کردند.

"قانون برای چیست؟" پولس رسول این سؤال را می پرسد تا نشان دهد نقش شریعت در انجیل با تاکید بیشتر، سوال بسیار منطقی است. پست این وراثت کاملاً با وعده می آید، و یک «عهد» یک بار تأیید شده است قابل تغییر نیست، هدف از ارسال قانون چهارصد و سی سال چه بوده است بعد از؟ "قانون برای چیست؟" اینجا چه میکنی؟ چه نقشی دارد؟

«به دلیل تخلفات داده شد.» درک واضح آن ضروری است انتشار قانون در سینا آغاز وجود آن نبود. در روزهای وجود داشته است ابراهیم، و او از او اطاعت کرد (پیدایش 26:5 قبل از اینکه در سینا صحبت شود وجود داشته است (مرجع 27، 1-4، 16 و 28 را ببینید). «داده شد» به این معنا که در سینا در یک اعلام شد

به صراحت، به طور گسترده

"به دلیل تخلفات." «شریعت آمد تا گناه را بزرگ کند» (روم، 5:20) به عبارت دیگر، «به طوری که از طریق فرمان شر از گناه» (روم، 7:13) تحت وحشتناک ترین شرایط اعلام شد عظمت، هشداری است برای بنی اسرائیل که به دلیل کفرشان آنها در خطر از دست دادن میراث موعود خود بودند. آنها بر خلاف ابراهیم ایمان نیاوردند در خداوند، و "هر چه از ایمان حاصل نشود، گناه است" (رومیان 14:23) اما ارث "از طریق عدالتی که از ایمان می آید" وعده داده شده بود (رومیان 4:13) بنابراین یهودیان کافران نتوانستند آن را دریافت کنند.

بنابراین قانون به آنها داده شد تا آنها را متقاعد کند که فاقد عدالت هستند برای داشتن ارث لازم است. اگر چه عدالت بر اساس قانون نیست، اما باید باشد "پشتیبانی شده توسط قانون" (روم. 3:21) خلاصه قانون به آنها داده شد که دیدند که ایمان ندارند، و بنابراین، فرزندان واقعی ابراهیم نیستند، و آنها در راه از دست دادن ارث خود بودند. خدا شریعت خود را در دل آنها گذاشته بود همان گونه که با ابراهیم کرد تا آنها نیز مانند او ایمان بیاورند. اما از آنجایی که آنها دیگر باور نمی کردند و همچنان تظاهر به وجود بودن را حفظ می کردند وارثان قول، لازم بود به آنها نشان داده شود که قوی ترین شکل کفر گناه است شریعت به دلیل تخلفات داده شد، یا (که همان است چیز) به خاطر بی ایمانی مردم.

اعتماد به نفس گناه است - مردم اسرائیل سرشار از اعتماد به نفس بودند و از بی ایمانی به خدا، همانطور که در زمزمه های خود بر ضد خود نشان دادند هدایت الهی، و برای اعتماد به نفس آنها در توانایی انجام هر آنچه که خداوند است لازم است که بتوانند به وعده های خود عمل کنند. آنها همین روحیه را نشان دادند از فرزندان که پرسیدند: «برای انجام کارهایش چه خواهیم کرد؟ خداوند؟» (یوحنا. 6:28) آنقدر از عدالت خدا غافل بودند که فکر می کردند آنها می توانستند عدالت خود را به روشی معادل تثبیت کنند (رومیان. 10:3) ما را دوست داشته باش اگر گناهان خود را می دیدند، وعده برایشان بی ارزش بود. از این رو نیاز به قانون ارائه دهد.

1) چگونه وعده های خدا را به ارث می بریم؟ با قانون یا با ایمان؟ (عبرانیان 11:6 و 11)

ر:

دوشنبه

از طریق یک میانجی - قانون سینا به این صورت است. که بود میانجی؟ یک جواب بیشتر نیست: «خدای واحد است و میانجی یکی است خدا و انسانها، انسان عیسی مسیح» (اول تیم. 5: 2) با این حال، «میانجی این کار را نمی کند یکی را نشان می دهد، اگرچه خدا یکی است.» خدا و عیسی مسیح یکی هستند عیسی مسیح که میان خدا و انسان میانجیگری می کند، خدا را در برابر انسان و به او نمایندگی می کند

انسان در برابر خدا «خدا در مسیح جهان را با خود آشتی داد» (دوم قرن).

(5:19) میان خدا و انسان ها میانجی دیگری وجود ندارد و نمی تواند باشد. "که در

هیچ نجات دیگری وجود ندارد، زیرا هیچ نام دیگری در زیر بهشت وجود ندارد

مردان، تا نجات یابیم» (اعمال رسولان، 4: 12)

کار مسیح به عنوان واسطه -انسان از خدا دور شد و عصیان کرد

"ما همه مانند گوسفند گمراه شدیم" (اشعیا، 53:6)

گناهان ما را از خدای خود جدا می کنند (اشعیا 1: 59 و 2) «برای ذهن جسم

این دشمنی با خداست، زیرا نه تابع قانون خداست و نه در حقیقت می تواند باشد.»

(روم، 8:7) مسیح آمد تا دشمنی را از بین ببرد و ما را با خدا آشتی دهد. او هست

صلح ما (افس). (2:14-16) «مسیح یک بار برای گناهان مرد، عادل برای گناهان

ناصالح، تا شما را به سوی خدا هدایت کنم» (اول پطرس، 3:18) از طریق او ما به خدا دسترسی داریم

(روم، 1: 5 و 2: افس). (2: 18) در او ذهن نفسانی، ذهن سرکش حذف می شود، و

در جای خود ذهن روح، «تا عدالتی که شریعت لازم است در آن تحقق یابد

ما که نه بر اساس جسم، بلکه بر اساس روح رفتار می کنیم» (رومیان، 4:8)

کار مسیح این است که گمشده را نجات دهد، شکسته ها را ببندد، و آنها را جمع کند

که جدا شده بود نام او "خدا با ما" است. وقتی او در ما زندگی می کند، ما هستیم

در «طبیعت الهی» شریک شدند (دوم پطرس، 1:4)

کار واسطه ای مسیح محدود به زمان یا محدوده نیست. بودن

واسطه یعنی چیزی فراتر از شفیع بودن. مسیح قبل از گناه واسطه بود

وقتی دیگر گناه در عالم وجود نداشته باشد و نیازی به بخشش نباشد، وارد دنیا شود و واسطه خواهد بود. «همه چیز در او است.» همین طور

است

"تصویر خدای نامرئی". او زندگی است. فقط در او و از طریق او زندگی خدا جریان دارد.

همه خلقت پس او وسیله و واسطه و راهی است که نور زندگی در آن روشن می شود

جهان هستی را روشن می کند او در هنگام سقوط انسان واسطه نشد، بلکه از اهل بیت بود

ابدیت هیچ چیز، نه تنها هیچ انسان، بلکه هیچ مخلوق دیگری به پدر نمی آید مگر از طریق مسیح. هیچ فرشته ای جز در مسیح نمی تواند در

حضور الهی باشد. آ

ورود گناه به جهان نیازی به توسعه چیز جدیدی نداشت

قدرت، یا اینکه هیچ ماشین آلات جدیدی نباید راه اندازی شود. قدرتی که

او همه چیز را خلق کرده بود، او کاری جز ادامه دادن، از طریق رحمت بیکران انجام نداد

خدایا، بازگرداندن آنچه از دست رفته بود. همه چیز در مسیح آفریده شد.

بنابراین، ما در خون او رستگاری داریم (کولسیان، 1:14-17) قدرتی که کیهان را جان می بخشد و حفظ می کند، همان قدرتی است که ما را

نجات می دهد. «اکنون به کسی که قادر است

بی نهایت بیش از هر چیزی که می خواهیم یا فکر می کنیم، بر اساس قدرت او

که در ما کار می کند، جلال او در کلیسا و در مسیح عیسی در تمام نسل ها،
برای همیشه. آمین!" (افس. 3:20 و 21) (به مکاشفه 4:11 در رابطه با 5:9 مراجعه کنید،
NT).

(1) تنها راه رسیدن به خدا چیست؟ (یوحنا 14:6)

_____ ر:

21 بنابراین، آیا شریعت خلاف وعده‌های خداست؟ به هیچ وجه؛ زیرا اگر شریعتی داده می‌شد که می‌توانست عدالت را
زنده کند، در واقع به وسیله شریعت بود.

22 اما کتاب مقدس همه چیز را تحت گناه به پایان رساند تا این وعده از طریق ایمان به عیسی مسیح به ایمانداران داده
شود.

«آیا شریعت برخلاف وعده‌های خداست؟ به هیچ وجه!» اگر اینطور بود قانون این کار را نمی کرد

پس از همه وعده‌ها، «از طریق یک واسطه»، عیسی مسیح، داده می‌شد

خدا در او «بله» است (دوم قرنیتان. 1:20) در مسیح ما شریعت و شریعت را با هم ترکیب می کنیم

وعده. ما می‌توانیم بدانیم که قانون خلاف وعده نبوده و نیست

که این خدا بود که هر دو را داد. ما همچنین می دانیم که اعلامیه

قانون هیچ عنصر جدیدی را در «میثاق» وارد نکرده است. از آنجایی که پیمان بود

تایید شد، هیچ چیز اضافه یا حذف نشد. اما قانون چیز بیهوده ای نیست،

زیرا در آن صورت خدا آن را نمی داد. این که قانون را رعایت کنیم یا نه بحثی نیست

اختیاری است، زیرا خود خداوند آن را مقدر کرده است. اما در عین حال، خلاف آن نیست

وعده می دهد و هیچ عنصری را در آن وارد نمی کند. چرا؟ صرفاً به دلیل قانون

در وعده گنجانده شده است. وعده روح می گوید: "قوانین خود را در ذهن آنها خواهم گذاشت، آنها را بر دلهای آنها خواهم نوشت"

(عبرانیان. 8:10) این دقیقاً همان کاری است که خدا با آن انجام داد

ابراهیم با دادن عهد ختنه به او. (روم. 2:25-29؛ 4:11؛ 4:11؛ 3:3)

قانون وعده را بزرگ می کند - قانون عدالت است، همانطور که خدا اعلام می کند: «به من بشنو، ای تو

که عدالت را بشناسی؛ ای مردمی که شریعت من در دل شماست» (اشعیا. 51:7)

عدالتی که قانون اقتضا می کند تنها عدالتی است که می تواند وارث سرزمین موعود باشد. بدست می آید،

نه با اعمال شریعت، بلکه با ایمان. درستی قانون با تلاش به دست نمی آید

برای حفظ شریعت، اما با ایمان (رومیان. 30-32؛ 9: بنابراین، عدالت بیشتر است که

قانون ایجاب می کند، وعده خدا بزرگتر خواهد بود، زیرا او وعده داده است که این را بدهد

عدالت برای همه کسانی که ایمان دارند بله قسم خورده است! پس وقتی شریعت در سینا صادر شد،

«در میان آتش، ابر و تاریکی، با صدایی قوی» (تثنیه، 5:22) با صدای

شیپور خدا، همراه با زلزله در حضور خداوند و فرشتگان مقدسش،

عظمت و عظمت وصف ناپذیر قانون خدا نشان داده شد. برای همه کسانی که

سوگند خدا به ابراهیم را به یاد آورد، این مکاشفه شگفت انگیزی بود

عظمت وعده خدا، زیرا او سوگند یاد کرد که تمام عدالتی را که قانون می خواهد، اجرا خواهد کرد

هر کسی که به او اعتماد کرد صدای کر کننده ای که قانون با آن داده شد همین است

که از قلله‌های کوه مژده فیض نجات بخش خدا را اعلام کرد (اشع).

(40:9) دستورات خدا وعده است. برای او نمی تواند غیر از این باشد

میدونی ما هیچ قدرتی نداریم هر چه خداوند بخواهد، خودش می دهد!

وقتی او می گوید "نباید..." ما می توانیم آن را با این اطمینان که او به ما می دهد قبول کنیم، اگر

اگر به سادگی ایمان بیاوریم، ما را از گناهی که در این امر به ما هشدار می دهد، حفظ می کند

دستور

عدالت و زندگی - "اگر قانون می توانست زندگی بدهد، عدالت واقعاً از طریق قانون حاصل می شود." که

نشان می دهد که عدالت زندگی است. این یک فرمول صرف، یک نظریه مرده، یا یک یک نیست

جزم، اما عمل حیاتی. مسیح حیات است، و بنابراین او عدالت ماست. قانون

نوشته شده بر دو لوح سنگی نمی تواند زندگی بدهد. نه بیشتر از سنگ، روی

که نوشته شد می تواند بدهد. تمام دستورات او کامل است، اما بیان او

با حروف حکاکی شده در سنگ نوشته شده است، نمی تواند خود را به آن تبدیل کند

عمل. کسی که قانون را فقط در نامه دریافت می کند "وزارت محکومیت" دارد و

مرگ (دوم قرن تیان، 3:9) «کلمه [کلمه] جسم شد.» در مسیح، سنگ زنده،

قانون زندگی و صلح است. با دریافت او توسط "خدمت روح" (دوم قرن تیان، 3:8) ما دارای

زندگی عادلانه ای که قانون تایید می کند.

آیه بیست و یک نشان می دهد که قانون برای تأکید بر عظمت وعده داده شده است.

همه شرایطی که در انتشار قانون حضور داشتند - شیپور،

صداها، زلزله، آتش، طوفان، رعد و برق و رعد، سد مرگ در اطراف

از کوه - نشان داد که شریعت بر «فرزندان نافرمانی خشم می آورد» (رومیان، 4:15)

افه (6:5) اما این واقعیت که قانون فقط بر فرزندان نافرمانی خشم می کند نشان می دهد

که شریعت نیکو است، و «کسی که این کارها را انجام می دهد به آنها زندگی خواهد کرد» (رومیان، 10:5) آیا هدف خدا این

بود که قومش را دلسرد کند؟ به هیچ وجه. اطاعت لازم است

به قانون، و وحشت سینا طوری طراحی شده بود که آنها را به سوگند خود بازگرداند

خداوند آن را چهارصد و سی سال پیش ساخته بود. سوگند که تا ابد باقی خواهد ماند

انسان در همه حال، به عنوان امنیت عدالتی که از طریق منجی حاصل می شود
مصلوب که برای همیشه زنده است

یاد بگیریم نیاز خود را احساس کنیم - عیسی با اشاره به تسلی دهنده گفت:
"هنگامی که او بیاید، جهان را به گناه و عدالت و داوری متقاعد خواهد کرد" (یوحنا. 16:8)
درباره خود گفت: نیامدم تا نیکان را بخوانم، بلکه گناهکاران را دعوت کنم. «عاقل
آنها نیازی به پزشک ندارند، مگر بیماران.» (مرقس. 17: 2) فرد باید تشخیص دهد
نیاز شما، قبل از اینکه بتوانید کمک بپذیرید. شما باید بدانید که شما بیمار هستید، به
دارو را دریافت کنید

به همین ترتیب، وعده عدالت برای آن شخص کاملاً بی توجه خواهد بود.
که خود را گناهکار نمی شناسد. بنابراین بخش اول کار تسلی بخش روح
مقدس عبارت است از متقاعد کردن انسان به گناه. «اما کتاب مقدس همه چیز را در زیر محصور کرده است
گناه، تا از طریق ایمان به عیسی مسیح، وعده به کسانی داده شود که
ایمان بیاور» (غلاطیان. 3:22) "به شریعت معرفت گناه می آید" (رومیان O. 3:20).
که خود را گناهکار می شناسد در مسیر معرفت است و «اگر به خود اعتراف کنیم
گناهان، خدا امین و عادل است تا گناهان ما را ببخشد و ما را از هر بدی پاک کند.» (1)
یوحنا. 1:9)

بنابراین، قانون، در دستان روح، عاملی فعال است که مردان را وادار می کند
کامل بودن وعده را بپذیر هیچکس از کسی که جاننش را نجات داده متنفر نخواهد شد
نشان دادن خطری که برایش ناشناخته بود. برعکس، شما دریافت خواهید کرد
توجه به یک دوست، و همیشه با سپاسگزاری از آن یاد می شود. قانون اینگونه خواهد دید
کسی که با صدای هشدار دهنده هشدار داده شده است تا از خشم آینده بگریزد.
او با مزمورنویس خواهد گفت: «از افکار بیهوده متنفرم. اما من شریعت تو را دوست دارم» (مزمور.
119:113).

(1) کارکرد قانون چیست؟ (غلاطیان 3:24؛ رومیان 10:4)

_____ز:

چهار شنبه

123 ما قبل از آمدن ایمان، ما تحت شریعت نگه داشته شدیم و از ایمانی که قرار بود آشکار شود، محفوظ ماندیم.

به شباهت بین آیات 8 و 22 توجه کنید: "اما کتاب مقدس همه چیز را به پایان رساند. تحت گناه، تا از طریق ایمان به عیسی مسیح وعده داده شود به کسانی که ایمان آورده اند" (آیه). (22) کتاب مقدس پیش بینی می کند که خدا غیریهودیان را با آن عادل شمرده است با ایمان، انجیل را از قبل به ابراهیم ابلاغ کرد، هنگامی که به او گفت: به واسطه تو همه ملت‌ها برکت خواهند یافت» (آیه). (8) ما می بینیم که کتاب مقدس موعظه انجیل است همان چیزی که همه انسانها را تحت گناه "محصور" کرد. البته آنچه هست خفه شو طبق قانون یک زندانی است. در حکومت های زمینی جنایتکار است به محض اینکه قانون بتواند او را محکوم کند دستگیر می شود. قانون خدا در همه جا حاضر است و همیشه فعال است. بنابراین انسان لحظه ای که گناه می کند محصور یا زندانی می شود. چنین است وضعیت کل جهان، "زیرا همه گناه کرده اند" و "هیچ عادل نیست، حتی یک".

آن نافرمانانی که مسیح در روزگار نوح به آنها موعظه کرد در زندان بودند (1 Ped. 3:19 و 20). اما مانند سایر گناهکاران، آنها «زندان امید» بودند (زک. 9:12) «خداوند، از بلندی قدس خود، از آسمان، به زمین نگاه کرد، تا ناله اسیران را بشنو و محکومین به مرگ را آزاد کن» (مزمور 102:19 و 20). مسیح او به عنوان «واسطه عهد با مردم و نوری برای غیریهودیان» داده شده است. برای باز کردن چشم به نینویان، تا اسیران را از زندان و آنانی را که در تاریکی نشسته اند از زندان بیرون آورند.» (اشعیا 42:6 و 7).

اگر هنوز شادی و آزادی خداوند را نمی دانید، به من اجازه دهید در مورد تجربه شخصی خودم صحبت کنم روزی نه چندان دور، اگر امروز بود حتی، روح خدا باعث می شود که شما به گناه اعتقاد عمیق داشته باشید. تو می توانی او که پر از تردید و تردید بود، ممکن است به دنبال انواع و اقسام بهانه ها باشد طفره رفتن، اما زمانی که آن لحظه فرا رسد، چیزی برای پاسخ نخواهید داشت. نخواهد داشت پس در مورد حقیقت خدا و روح القدس شکی نیست و نه برای اطمینان از آن به هیچ استدلالی نیاز نخواهید داشت. شما صدای خدا را خواهید شناخت با روح او صحبت می کند و فریاد او مانند اسرائیل باستان خواهد بود: "خدا با ما سخن نگوید، میادا بمیریم" (خروج 20:19). سپس خواهید فهمید که "بسته بودن" به چه معناست در زندانی که دیوارهایش آنقدر به خود نزدیک می شوی که علاوه بر غیرممکن بودن

فرار شما، به نظر می رسد شما را خفه می کند. داستان هایی از افرادی که محکوم به این کار شده اند شما احساس خواهید کرد که زنده به گور شده زیر یک تخته سنگی زنده و واقعی می شود گویی جداول شریعت زندگی او را در هم کوبیده و قلبش را گویی له کرده است یک دست سنگی بی رحم در آن لحظه، شادی بزرگی فراهم خواهد شد به یاد داشته باشید که شما فقط به این منظور "محصور" هستید که "با ایمان آن را دریافت کنید." وعده روح «در مسیح عیسی» (غلاطیان 3:14) به محض اینکه این را نگه دارید قول می دهید، متوجه خواهید شد که این کلید باز کردن تمام درهای "قلعه شما" است شک «پیشرفت زائر)، سپس درهای زندان به طور گسترده باز می شود جفت شوید و خواهید گفت: «ما مانند پرنده ای از دام پرندگان نجات یافتیم، پیوند شکسته شد و ما آزادیم» (مزمور 124:7)

تحت شریعت، تحت گناه - قبل از آمدن ایمان، ما محصور بودیم طبق قانون، ما زندانی مذهبی بودیم که بعداً خود را نشان داد. ما میدانیم که هر چه از ایمان نباشد گناه است (رومیان 14:23) بنابراین، "تحت قانون" بودن امری است حتی اگر زیر گناه باشی لطف خدا باعث نجات از گناه می شود، بنابراین به طوری که وقتی به فیض خدا ایمان می آوریم، دیگر تحت شریعت قرار نمی گیریم، زیرا ما از گناه رها شده ایم بنابراین، کسانی که تحت قانون هستند، کسانی هستند که متخلفان از قانون صالحان تحت شریعت نیستند، بلکه در آن راه می روند.

(11 آیا وقتی انسان تحت الطاف خداوند باشد گناه بر او مسلط است؟)

(رومیان 6:14)

ر:

24 پس شریعت معلم مدرسه ما شد تا ما را به مسیح هدایت کند تا با ایمان عادل شمرده شویم.

«معلم» (aio) از عبارت یونانی payagogos یا پداگوگ ترجمه شده است. O

مربی غلام پدر خانواده بود که ماموریتش همراهی پسر بود

به مدرسه می رود و اطمینان حاصل کنید که او مطالعه را با مزاحمت ها و بازی های دیگر عوض نمی کند.

اگر بچه سعی می کرد فرار کند، معلم باید او را به مسیر بازگرداند و او هم همین کار را کرد

از جمله اختیار اعمال روشهای فیزیکی اصلاح. "معلم" یا "مدرس"،

ترجمه های خوبی از اصطلاح یونانی نیستند. بهترین ایده این است که یک نگهبان یا نگهبان باشید.

پسری که تحت حضانت شما فرار می گیرد، با وجود اینکه دارای موقعیت برتر است، در واقع است از آزادی محروم شده، انگار در زندان است. هر کس باور ندارد همین است تحت گناه، تحت قانون محصور شده است، و بنابراین قانون به عنوان نگهبان یا نگهبان او عمل می کند هوشیار قانون تو را برده نگه می دارد. فرد مقصر نمی تواند از گناه خود فرار کند. با اینکه خدا بخشنده و بخشنده باشد، "به هیچ وجه مجرم را بی گناه نمی داند" (خروج 34:6 و 7). یعنی هرگز دروغ نخواهید گفت بد خوب است. چه باید کرد چاره ای را ارائه دهید که در آن فرد مجرم بتواند از گناه خود رهایی یابد. آن وقت قانون می رود تا آزادی شما را قطع کند، و شما قادر خواهید بود در مسیح آزادانه راه بروید.

پنج شنبه

آزادی در مسیح - مسیح گفت: "من در هستم" (یوحنا 10:9) هم هست چوپان، و همچنین چوپان. انسان گمان می کند که آزاد است و از آغوش خارج می شود و به آمدن می اندیشد به چین به معنای قرار دادن موانع در برابر آزادی شما است. با این حال، دقیقاً برعکس است. O آغوش مسیح مکانی وسیع است، در حالی که بی ایمانی یک زندان باریک است. آ وسعت اندیشه گنهکار هرگز نمی تواند از گستره تنگ نظری فراتر رود. O آزاداندیش واقعی کسی است که «با همه مقدسات، وسعت و طول، عمق و ارتفاع عشق مسیح، و [می داند] که آن را دوست دارند فراتر از همه دانش است» (افس. 3: 18 و 19). خارج از مسیح چیزی بیش از این نیست برده داری تنها در او آزادی است. خارج از مسیح، انسان در زندان است، «مال خودش گناه او را مانند دام می بندد» (امثال 5:22)

اکنون نیش مرگ گناه است و قدرت گناه شریعت است. (اول قرن تیان 15:56) این قانون است که انسان را گناهکار اعلام می کند و او را از وضعیت خود آگاه می کند. «طبق قانون شناخت گناه می آید» و «گناه بدون شریعت به حساب نمی آید» (روم. 3:20؛ 5:13) قانون دیوارهای زندان گناهکار را آشکار می کند. او را به او ببند و او را بساز احساس ناراحتی کنید، تحت ستم احساس گناه هستید، گویی که شما را از زندگی محروم کرده است. گناهکار تلاش بیهوده و دیوانه وار برای فرار می کند، اما فرامین فراتر می رود در اطراف آنها مانند دیوارهای تسخیرناپذیر. هر جا که می روید، همیشه یک فرمانی که می گوید: "شما هرگز نمی توانید از طریق من آزادی بیابید، زیرا دارید گناه". او سعی می کند با قانون کنار بیاید و قول می دهد که از آن تبعیت کند، اما وضعیت اینطور نیست اصلاً بهتر می شود، زیرا گناه شما به هر حال باقی است. قانون مزاحم شماست (نیش)، و او را به تنها راه فرار هدایت می کند: «وعده... از طریق ایمان به عیسی

مسیح". در مسیح او واقعاً آزاد می شود، زیرا او عدالت خدا شده است. در مسیح قانون کامل آزادی است

شریعت انجیل را موعظه می کند - همه خلقت از مسیح صحبت می کنند و قدرت مسیح را اعلام می کنند نجات تو هر تار انسان برای مسیح فریاد می زند. اگرچه انسان نمی داند، مسیح "آرزوی همه امت ها" است (حگی. 7: 2) فقط او می تواند «برکت دهد هر موجود زنده ای» (مزمور. 145:16) درمان بی قراری و بی قراری فقط در اوست آرزوی دنیا

مسیح که صلح در اوست - زیرا "او صلح ماست" - به دنبال کسانی است که هستند خسته و سنگین شده، و آنها را دعوت می کند که نزد خود بیایند. و با در نظر گرفتن این همه انسان خواسته هایی دارد که هیچ چیز دیگری در دنیا نمی تواند آنها را برآورده کند، واضح است که اگر قانون درک روشنی از وضعیت خود را در انسان بیدار می کند و قانون ادامه می یابد مزاحم او، بدون اینکه به او استراحت بدهند، او را از هر راه فرار باز می دارند انسان در نهایت دریچه رستگاری را خواهد یافت، زیرا در آن کاملاً باز است. مسیح شهر پناهگاهی است که همه کسانی که در محاصره جهان هستند می توانند به آنجا فرار کنند. منتقم خون، با اطمینان از استقبال او. فقط در مسیح خواهید یافت گناهکار از تازیانه شریعت آسوده باشد، زیرا در مسیح عدالت شریعت در ما کامل شده است (روم. 8:4) قانون اجازه نخواهد داد کسی نجات یابد مگر اینکه دارای «عدالت» باشد. که با ایمان از جانب خدا می آید» (فیلیسیان، 9: 3) ایمان عیسی.

(11) انسان با کدام ایمان عادل و نجات می یابد؟ (غلاطیان 2:16)

_____ ر: _____

25 اما پس از آمدن ایمان، ما دیگر تابع مدیر مدرسه نیستیم.

62 زیرا همه شما به واسطه ایمان به مسیح عیسی فرزند خدا هستید.

"ایمان از شنیدن می آید و شنیدن از کلام خدا [مسیح]" (رومیان. 10:17)

هنگامی که انسان کلام خدا را دریافت می کند، کلام وعده ای که با خود می آورد

کامل بودن شریعت، به جای مبارزه با آن، تسلیم آن می شود، «ایمان به او رسید». فصل یازدهم

کتاب عبرانیان نشان می دهد که ایمان از ابتدا آمده است. از زمان هابیل، انسان

آزادی را از طریق ایمان یافته است. امروز، اکنون ایمان می تواند بیاید. "حالا زمانش فرا رسیده

قابل قبول است، اکنون روز نجات است» (دوم قرن تیان .6:2) «اگر امروز صدای او را بشنوید، نخواهید شنید
دل‌های خود را سخت کنید» (عبرانیان .8 e 3:7)

جمعه

27 زیرا بسیاری از شما که در مسیح تعمید یافته اید، مسیح را بر تن کرده اید.

"آیا نمی دانید که همه کسانی که در مسیح عیسی تعمید یافتند در مرگ او تعمید یافتند؟" (روم .3:6) با مرگ خود
مسیح است که ما را از لعنت شریعت نجات می دهد، اما
ما باید با او بمیریم.

ما زنده شده ایم تا «در حیات جدید»، یعنی زندگی مسیح، قدم برداریم (گل 2:20 را ببینید).
با پوشیدن لباس مسیح، ما در او یکی هستیم. ما کاملا شناسایی شده ایم
با او هویت ما در او گم شده است. ما اغلب در مورد کسانی می شنویم که
تبدیل شده است: "آنقدر تغییر کرده است که تشخیص آن دشوار است. دیگر همان نیست." نه اینطور نیست
بیشتر. خدا او را مرد دیگری قرار داد. سپس، یکی بودن با مسیح، همه چیز
این مال مسیح است، از جمله مکانی در مکان های آسمانی که مسیح در آن ساکن است. از زندان
گناه به منزلگاه خدا تعالی دارد. بنابراین، این مستلزم این است که غسل تعمید برای آن است
این یک واقعیت است، نه یک تشریفات بیرونی ساده. فقط در آب مرئی نیست که
تعمید یافته است، اما «به مسیح»، در زندگی او.

چگونه غسل تعمید ما را نجات می دهد؟ - کلمه یونانی که ما آن را به عنوان "تعمید" ترجمه می کنیم،
به معنای "غوطه ور شدن" است. آهنگر یونانی موادی را که جعل کرده بود در آب غسل داد
هدفش خنک کردنش باشه زن خانه برای شستن لباس ها غسل تعمید می دهد. و با همین
هدف همه دست های خود را در آب «تعمید» می کنند. بله، و همه اغلب از آن استفاده می کردند
باپتیستریون - یا مخزن - با هدفی مشابه. ما از این کلمه را می گیریم
غسل تعمید، که مکانی بوده و هست که انسان می توانست به طور کامل خود را در آن غوطه ور کند
زیر آب

تعبیر "در مسیح تعمید یافته" نشان می دهد که رابطه ما با او چگونه باید باشد.
ما باید در مقایسه با زندگی او کثیف و گمشده به نظر برسیم. سپس خواهید دید
فقط به مسیح، تا دیگر زنده نباشم، زیرا «ما با او دفن شدیم
بسوی مرگ از طریق تعمید» (رومیان .4:6) غسل تعمید ما را نجات می دهد «با رستاخیز
عیسی مسیح» (اول پطرس ، 3:21) زیرا ما در مرگ او تعمید می گیریم، «اگر مسیح زنده شده باشد.
از مردگان به جلال پدر، ما نیز می توانیم در زندگی تازه قدم برداریم.» اگر
ما با مرگ پسرش با خدا آشتی کردیم. خیلی بیشتر در حال حاضر، ما خواهیم بود

با جان او نجات یافت» (رومیان 5:10) بنابراین، تعمید در مسیح، نه شکل صرف،
اما واقعیت ما را نجات می دهد.

تعمید به معنای «وجدان پاک» در برابر خداست (اول پطرس 3:21) که در
بدون این، تعمید مسیحی وجود ندارد. بنابراین، نامزد غسل تعمید باید سن داشته باشد
به اندازه ای که بتوان از واقعیت آگاه شد. او باید از گناه آگاه باشد و همچنین
بخشش از طریق مسیح شما باید زندگی را بدانید که پس از آن خود را نشان می دهد، شهادت خواهد داد
داوطلبانه زندگی قدیمی گناه، تسلیم شدن به زندگی جدید با عدالت.

غسل تعمید شامل زدودن «آلودگی ها از بدن» نیست (اول پطرس 3:21) و نه در
پاکسازی بیرونی این بدن، اما با "وجدان پاک در پاسخ به خدا"
(NT Inter.)، تطهیر روح و وجدان. یک چشمه باز برای شستن وجود دارد
گناه و پلیدی (زک. 13:1) و از این منبع خون عیسی جاری می شود. زندگی
مسیح از تاج و تخت خدا جاری می شود، "در میان آن" بره ای ایستاده است که گویی
کشته شده بود» (مکاشفه 6: 5) درست همانطور که از سمت آسیب دیده جاری شد
مسیح، بر روی صلیب، هنگامی که "به روح ابدی خود را بدون عیب به خدا تقدیم کرد"
(عبرانیان 9:14) آب و خون از پهلوی زخمی او جاری شد (یوحنا 19:34) «مسیح دوست داشت
کلیسا و خود را برای او تسلیم کرد تا او را تقدیس کند و او را به وسیله آن پاک کند
از طریق شستن آب با کلمه [به معنای واقعی کلمه: آب غسل کردن در کلمه]» (افس.
25:5 و 26) مؤمن با دفن شدن در آب، پذیرفتن داوطلبانه خود را نشان می دهد
آب حیات، خون مسیح است که از هر گناهی پاک می شود و برای زندگی آماده می شود
از هر کلمه ای که از دهان خدا می آید. از این لحظه به بعد خودت را گم می کنی
حتی با دیدن، و فقط زندگی مسیح در بدن فانی او متجلی می شود.

(1 کسانی که در مسیح تعمید یافته اند چگونه راه خواهند رفت؟ (رومیان 6:4،8،12)

_____ز:

شنبه

28 در این نه یهودی است و نه یونانی. نه برده و نه آزاد؛ نه مرد و نه زن؛ زیرا همه شما در مسیح عیسی یکی هستید.

29 و اگر شما از مسیح هستید، شما نیز نسل ابراهیم، و وارثان طبق وعده.

"هیچ تفاوتی وجود ندارد" (روم. 3:22؛ 10:12) این نکته کلیدی انجیل است. همه هستند به همان اندازه گناهکاران، و همه به همین ترتیب نجات می یابند. هر که دنبال انجامش بود تفاوت بر اساس ملیت - یهودی یا غیر یهودی - نیز می تواند ایجاد کند بر اساس جنسیت - مرد یا زن - یا موقعیت اجتماعی - ارباب یا برده - و غیره. اما هیچ تفاوتی وجود ندارد. همه انسانها در برابر خدا برابرند. بدون نژاد یا شرایط را وارد کنید. «شما در مسیح عیسی یکی هستید» و یکی مسیح است. نمی گوید: به اولاد، چنانکه از بسیاری سخن می گوید، اما از یک: و به نسل تو که مسیح است» (غلاطیان 3:16) بیش از یک نسل وجود ندارد، اما همه کسانی را در بر می گیرد متعلق به مسیح است

"دانه" مسیح است. این چیزی است که متن اعلام می کند. اما مسیح برای خودش زندگی نکرد یکسان. او ارثی به دست آورد، نه برای خودش، بلکه برای برادرانش. هدف خدا این است که در مسیح، "زیر یک سر، هر چه در آسمان است و آنچه بر روی زمین است" گرد هم بیاوریم. (افس. 1:10) یک روز به همه اختلافات فارغ از طبقه بندی پایان خواهد داد و همین الان هم دارد انجام می دهد در کسانی که او را قبول دارند. در مسیح هیچ تمایزی از نظر ملیت، طبقه یا رنگ وجود ندارد. O مسیحی به هر کسی فکر می کند - انگلیسی، آلمانی، فرانسوی، روسی، ترکی، چینی یا آفریقایی - صرفاً به عنوان یک شخص و بنابراین به عنوان وارث احتمالی خدا توسط از طریق مسیح اگر آن شخص، از هر نژاد و شرایطی، مسیحی شود، پیوندها متقابل و حتی قوی تر می شوند. «نه یهودی وجود دارد، نه یونانی و نه غلام یا آزاد، نه مرد و نه زن، زیرا همه شما در مسیح عیسی یکی هستید.»

(1) مسیح با دشمنی که بین یهودیان و غیریهودیان وجود داشت چه کرد؟ (افسسیان 2:13-15)

_____ ز:

(2) تعمق در: دو نفر که در حال دشمنی بودند چه شود

با یکدیگر وقتی به مسیح عیسی ایمان می آورند؟ (افسسیان 2:17 و 18)

ر:

با وجود میلیون‌ها ایماندار، آنها در مسیح یکی هستند. هرکدام
فردیت خاص خود را دارد، اما همیشه مظهر جنبه ای از آن است
فردیت مسیح بدن انسان اندام های زیادی دارد و همه آنها با هم متفاوت هستند
در ویژگی های آن با این حال، ما وحدت و هماهنگی کامل را در بدن مشاهده می کنیم
انسانها، در وضعیت سلامتی خود، و همچنین در کسانی که لباس «جدید» را پوشیده اند
انسان، که، «خود را به معرفت کامل، مطابق تصویر او که
ایجاد شده؛ که در آن نه یونانی باشد و نه یهودی، نه ختنه و نه ختنه، وحشی، سکایی،
برده، آزاد؛ اما مسیح همه چیز در همه است» (کولسیان 10: 3 و 11)

7 فرزندخواندگی - بخش 1

آیه طلایی: «زیرا کسانی که توسط روح خدا هدایت می شوند، فرزندان خدا هستند. زیرا شما روح بردگی را دریافت نکردید تا دوباره ترسیده باشید، بلکه روح فرزندخواندگی را دریافت کردید که به وسیله آن ندا می کنیم، ابا، پدر.

(رومیان 8:14 و 15)

یکشنبه

1 بنابراین می‌گوییم که هر گاه وارث پسر باشد، با خدمتکار هیچ تفاوتی ندارد، هر چند او رب النوع باشد.

2 اما او تا زمانی که پدر تعیین می کند، تحت سرپرستان و امانتداران است.

فصل قبل با بیانی در مورد اینکه چه کسی به پایان می رسد

وارثان فصل چهارم با ملاحظاتی در مورد اینکه چگونه می توانیم ادامه می یابد

وارث شوند

در روزگار پولس، اگرچه یک پسر می‌توانست وارث بزرگ‌ترین پادشاهی‌ها باشد، حتی

او که به سن خاصی رسیده بود، هیچ تفاوتی با یک خدمتکار (یا برده) نداشت. اگر نه

با رسیدن به سن معینی، هرگز ارث را نخواهد داشت. در این صورت تا زمان ارث

رسید، او به عنوان یک خدمتکار زندگی می کرد.

3 پس ما نیز در دوران کودکی، در زیر اصول جهان به بندگی تنزل یافتیم.

4 اما چون زمان کامل فرا رسید، خدا پسر خود را فرستاد که از یک زن متولد شد و تحت شریعت

متولد شد.

5 تا کسانی را که تحت شریعت هستند فدیة دهیم تا فرزندخواندگی بگیریم.

تعبیر پسران در آیه سه به وضعیتی اشاره دارد که ما در آن قرار داشتیم

قبل از دریافت «پسرخواندگی» (آیه 5). این نشان دهنده وضعیت ما قبل از آن است

از لعنت شریعت، یعنی قبل از تبدیل ما، رهایی یافته است. اینها «پسران هستند

بی ثبات، توسط هر باد آموزه، توسط فریب مردانی که با

حیله گری فریبده است» (افس). (4:14 به طور خلاصه: در ما به ما اشاره دارد

قبل از تبدیل، زمانی که «ما در خواسته های جسمانی خود زندگی می کردیم... و بودیم

طبیعت فرزندان غضب، مانند بقیه» (افس. 2:3).

«وقتی بچه بودیم»، «خدمت زیر اصول دنیا بودیم».

«برای هر آنچه در جهان است، شهوت جسم، شهوت

چشم ها و غرور زندگی از جانب پدر نیست، بلکه از آن جهان است. و دنیا و آرزوهایش

بگذرد» (اول یوحنا 2:16 و 17) دوستی دنیا دشمنی با خداست. آیا نمی دانی که دوستی با دنیا دشمنی با خداست؟

(یعقوب 4:4) از

عصر بد کنونی» که مسیح آمد تا ما را نجات دهد. "مراقب باش که کسی تو را فریب ندهد

از طریق فلسفه ها و ظرافت های بیهوده، طبق سنت انسان ها، مطابق با

عناصر جهان و نه بر اساس مسیح» (کولسیان 8: 2) گذر «زیر

مقدمات جهان» عبارت است از راه رفتن «طبق جریان این دنیا»، زیستن «در

انگیزه امیال جسمانی ما، برآورده کردن خواسته های بدن و افکار، «طبیعت فرزندان خشم» (افسسیان 3: 1-2) این همان

برده داری است که در غلطیان 22:3 توضیح داده شده است.

24: «پیش از آمدن ایمان»، هنگامی که «تحت شریعت محصور شدیم»، «زیر گناه» بسته شدیم. این وضعیت مردانی است

که "بدون مسیح،

جدا از مشترک المنافع اسرائیل، بیگانگان از عهد و پیمان، بدون داشتن

امید و بدون خدا در جهان» (افس. 2:12).

(1) آیا کسانی که ایمان می آورند همچنان به دنیا تعلق دارند و بر اساس آن گام برمی دارند؟

(یوحنا 17:14)

ر:

دوشنبه

همه می توانند وارث باشند - خداوند نسل بشر را دور نگذاشته است. خب کی

انسان اول آفرید او را «پسر خدا» نامید (لوقا 3:38) همه انسانها

ممکن است وارث نیز باشند. "پیش از اینکه ایمان بیاید"، زیرا همه ما

ما از خدا دور شدیم، «شریعت از ما محافظت می کرد»، که توسط یک سخت محافظت می شد

مراقب باشیم و مطیع باشیم تا ما را به پذیرش وعده سوق دهند. چی

برکتی که خداوند آن را نیز به ستمکاران و یا به بردگی آنان عطا می کند

گناه، در مورد فرزندان خود؛ پسران سرگردان و ولگرد، اما همیشه پسران، از آغاز تا پایان! خدا همه انسانها را «در محبوب مقبول» قرار داده است (افس). (1:6 زمان حال از مدرکی به ما داده می شود تا فرصتی را برای ما فراهم کند

باشد که او را به عنوان پدر خود بشناسیم و فرزندان واقعی او باشیم. ما را دوست داشته باش

اگر به سوی او بازگردیم، به عنوان بنده گناه می میریم. "وقتی که زمان، مسیح آمد. در رومیان 5: 6 عبارتت موازی می یابیم: «وقتی ما ضعیف بودیم، به موقع مسیح برای شریکان مرد.» مرگ مسیح به ارمغان می آورد نجات هم برای کسانی که امروز زندگی می کنند و هم برای معاصران او که در آن زندگی می کردند یهودیه، قبل از اینکه او در جسم ظاهر شود. تأثیر بیشتری بر کسانی که زندگی می کردند نداشت در آن نسل او یک بار برای همیشه مرد، اما تأثیر مرگ او یکسان است هر وقت. «هنگامی که وقت تمام شد» به زمانی اشاره دارد که در آن زمان نبوت پیش‌بینی کرده بود که مسیحا ظاهر خواهد شد، اما رستگاری برای همه است مردان در همه زمان ها «حتی قبل از خلقت جهان شناخته شده بود، اما در این زمانهای آخر آشکار شد» (اول پطرس 1:20) اگر نقشه خدا بود با توجه به هدف کلی انجیل، از آشکار شدن خود در روزهای ما، هیچ تفاوتی وجود نخواهد داشت. "او همیشه زنده است" (عبرانیان 7:25) و همیشه خواهد بود. «دیروز و امروز و تا ابد ابد همیشه است» (عبرانیان 13:8) این "توسط روح ابدی" است که

خود را برای ما تقدیم کرد (عبرانیان 9:14) بنابراین، این قربانی ابدی، حاضر و به همان اندازه در هر دوره ای موثر است.

(1) چند نفر واقعاً می توانند فرزندان خدا شوند؟ (یوحنا 1:12)

ر:

سهبشبه

"متولد از یک زن" - خدا پسر خود را "از یک زن" فرستاد: یک مرد

معتبر. او زندگی کرد و تمام بیماری ها و دردهایی را که انسان را می آزارد متحمل شد. "O"

کلمه جسم شد» (یوحنا 1:14) مسیح از خود به عنوان «پسر

انسان»، بنابراین خود را برای همیشه با کل نژاد بشر یکی دانست. یک اتحادیه

که هرگز شکسته نخواهد شد

از آنجایی که "از یک زن زاده شده بود"، لزوماً باید "تحت قانون" متولد می شد. زیرا این شرایط همه بشریت است. بنابراین در همه چیز مناسب بود مانند برادران او باشید تا در آنچه که می کند، کاهن اعظم مهربان و وفادار باشد از طرف خداست تا گناهان مردم را کفاره کند. (عبرانیان 2:17) او همه چیز را به عهده گرفت چیزها "او ناتوانی های ما را تحمل کرد و دردهای ما را متحمل شد" (اشعیا 53:4) ما را گرفت ناتوانی ها و بیماری های ما را تحمل کرد» (متی 8:17) همه ما گم می شویم گوسفندان، هر کدام راه خود را رفتند، اما خداوند گناه را بر دوش کشید همه ما» (اشعیا 53:6) ما را با آمدن به معنای واقعی به جای ما و حمل بار نجات ده از شانه های ما «از آنجایی که او بدون گناه بود، خدا او را برای ما گناه ساخت تا ما هم باشیم عدالت خدا را در او آفرید» (دوم قرنتیان 5:21)

(1) مسیح وقتی انسان شد چقدر شبیه ما بود؟ (عبرانیان 2:17)

چهار شنبه

به معنای کامل کلمه، و در حدی که به ندرت فکر می شود چه زمانی از تعبیر استفاده می کند، او جانشین انسان شد. در تمام وجود ما نفوذ می کند، خود را چنان کاملاً با ما شناسایی کرد، که هر چیزی که ما را لمس می کند یا تحت تأثیر قرار می دهد، لمس می کند و این جایگزین ما نیست به این معنا که یک مرد جایگزین دیگری شود. در مثلاً سربازی در جایگاه سرباز دیگری قرار می گیرد که در میدان دیگری است. اما جایگزینی مسیح چیزی کاملاً متفاوت است. چنین است

کاملاً جایگزین ماست که به جای ما می آید و ما دیگر ظاهر نمی شویم.

ما ناپدید می شویم، به طوری که "من دیگر زندگی نمی کنم، بلکه مسیح در من زندگی می کند". بگذاریم

نیازهای ما به او، نه اینکه آنها را از ما بگیریم و از طریق او به او بسپاریم

تلاش دردناک، اما فروتنی خود را در نیستی که واقعاً هستیم، به طوری که ما

بار فقط بر دوش اوست.

ما قبلاً می توانیم ببینیم که او چگونه آمد تا «کسانی را که تحت شریعت هستند نجات دهد». O
آن را در واقعی ترین و کاربردی ترین حس انجام می دهد. برخی گمان می کنند که این عبارت به این معناست

مسیح یهودیان را از لزوم تقدیم قربانی یا از هرگونه تعهدی رها کرد
احکام را حفظ کنید برای آنها، فقط یهودیان "تحت شریعت" بودند
مسیح آمد تا فقط یهودیان را نجات دهد. ما باید تشخیص دهیم که هستیم - یا
ما قبل از اینکه ایمان داشته باشیم - «تحت شریعت» بودیم، زیرا مسیح آمد تا دقیقاً فدیة دهد
کسانی که «تحت قانون» بودند و نه دیگران. "تحت قانون" بودن، همانطور که ما داریم
دیده می شود، به معنای محکوم شدن توسط قانون به عنوان متخلف است. مسیح نیامد «تا صدا بزند
عادلان، اما گناهکاران» (متی. 9:13) اما قانون منحصرأً کسانی را که هستند محکوم می کند
تحت صلاحیت آن، و کسانی که ملزم به اطاعت از آن هستند. در حالیکه
مسیح ما را از محکومیت شریعت رهایی می بخشد، واضح است که او ما را به یک زندگی فدیة می دهد.
اطاعت از قانون

(1 کدما افراد "تحت قانون" هستند؟ (غلاطیان 3:23 و 24)

_____ز:

پنج شنبه

"تا به عنوان پسر فرزندخواندگی دریافت کنیم" - "عزیزان، ما اکنون پسر هستیم
خدا» (اول یوحنا. 2: 3) "به همه کسانی که او را پذیرفتند، به کسانی که به نام او ایمان آوردند، او حق داد که فرزندان خدا شوند" (یوحنا
12:11) این یک دولت کاملاً متفاوت است
همانطور که در غلاطیان 3: 4 ("زمانی که ما کودک بودیم") توضیح داده شده است. در آن شرایط، می تواند باشد
در مورد ما گفت: «این مردم بچه های سرکش و دروغگو هستند که نمی خواهند از قانون اطاعت کنند
از ابدی» (اشعیا. 30:9) با ایمان به عیسی و دریافت «پسرخواندگی»، ما چنین توصیف می شویم
به عنوان "فرزندان مطیع"، نه بر اساس خواسته های شیطانی که ما در خود اطاعت کردیم
جهل (اول پطرس. 1:14) مسیح گفت: «خدای من، از انجام اراده تو لذت می برم
شریعت تو در قلب من است» (مزمور. 40:8) بنابراین، از زمانی که او ما شد
جانشین، به معنای واقعی کلمه جای ما را می گیرد، نه به جای ما، بلکه به سمت ما می آید و
زندگی او در ما و برای ما روشن است که شریعت او در قلب ما خواهد بود.
زمانی که ما فرزندخواندگی را دریافت می کنیم.

(1 فرزندان خدا که به فرزند پذیرفته شده و وارث شده اند، در برابر قانون نافرمانی می مانند
خداوند؟ (تیطوس 3: 7-3 و اول یوحنا 3: 9 و 10)

جمعه

6 و چون شما پسر هستید، خدا روح پسر خود را در دل‌های ما فرستاده است که ندا می‌دهد، ابا، پدر.

7 پس تو دیگر خادم نیستی، بلکه پسری. و اگر پسر باشی، وارث هم هستی
خدا برای مسیح

روح چقدر آرامش و شادی را به ارمغان می‌آورد وقتی که در قلب خود خانه می‌کند! نه مثل مهمان موقت، اما به عنوان مالک انحصاری. "بنابراین، داشتن با ایمان عادل شده‌ایم، به واسطه خداوندان عیسی مسیح با خدا در صلح هستیم." به طوری که ما حتی در مصیبت شادی می‌کنیم، با توجه به این امید که «نخواهیم کرد گیج کننده، زیرا محبت خدا توسط روح القدس در قلب ما ریخته می‌شود، به ما داده شده است» (روم. 1: 5 و 5). (5) آنگاه ما می‌توانیم همانگونه که خدا دوست دارد دوست بداریم، زیرا ما در طبیعت الهی او شریک هستیم. «روح خود به ما شهادت می‌دهد روح که ما فرزندان خدا هستیم» (روم. 8:16) «کسی که به پسر خدا ایمان دارد، این را دارد شهادت در خود» (اول یوحنا. 5:10)

همانطور که دو دسته از "پسران" [یا "پسران"] وجود دارد، همچنین وجود دارد دو طبقه از "خادمان". در قسمت اول فصل از کلمه «پسر» استفاده شده است. با اشاره به کسانی که هنوز به «زمان [سن] تعیین شده نرسیده اند، کسانی که به آن رسیده اند آنها حواس خود را برای تشخیص خوب و بد به کار نمی‌گیرند (عبرانیان. 5:14) وعده این است برای آنها، و همچنین "برای همه کسانی که دور هستند" (اعمال رسولان، 2: 39) و در پذیرش، در طبیعت الهی شریک خواهند شد (دوم پطرس، 1:4) و بنابراین، صادق است فرزندان خدا. در حالت «فرزندان غضب»، بندگان گناه هستند، نه خدا. O مسیحی یک "بنده" است: یک بنده خدا. اما آن را در خدمت به طور کامل غیر از آن چیزی است که بنده گناه در خدمت شیطان است. شخصیت بنده بستگی دارد خداوند او را خدمت می‌کند. در این فصل از عبارت «خدمتکار» استفاده شده است، نه اشاره به آن بنده خدا - که در واقع پسر است - اما به بنده یا بنده گناه. بین بنده گناه و پسر خدا تفاوت افتضاحی وجود دارد. برده نمی‌تواند هیچ چیز نداشته باشد و بر خود کنترل نداشته باشد. این ویژگی متمایز آن است.

برعکس، به پسر آزاده سلطه بر تمام خلقت داده می شود

اصل، با در نظر گرفتن پیروزی که در خود به دست آورده است. «دراز کشیدن بهتر است

از قهرمان جنگ، و کسی که بر روحش مسلط است، از کسی که الف را می گیرد

شهر» (امثال. 16:32)

برای تعمق در: رومیان 22-16:6

شنبه

وقتی پسر ولخرج از خانه پدری دور شد، هیچ فرقی با خادم نداشت.

او در حقیقت خدمتگزار بود که متعارف ترین و پست ترین کارها را بر عهده داشت. من در آن بودم

شرایط زمانی که او تصمیم گرفت به خانه پدرش بازگردد و احساس می کرد شایسته درمان بهتری نیست

از یک خدمتکار اما پدرش هنگامی که هنوز دور بود او را دید و دوید تا او را بیاورد.

او را به عنوان پسر و در نتیجه وارث پذیرفتند، اگرچه او تمام حق را از دست داده بود

میراث. به همین ترتیب، ما حق بچه نامیدن را از دست می دهیم،

ما ارث را هدر می دهیم. با این حال، در مسیح، خدا واقعاً ما را به عنوان می پذیرد

فرزندان، و همان حقوق و امتیازاتی را که مسیح دارد به ما می دهد. اگرچه مسیح است

اکنون در بهشت، در دست راست خدا، «بر تمام اصالت، اقتدار، قدرت، و فرمانروایی، و

بر هر چیزی که نامی دارد، نه تنها در این عصر، بلکه در عصر آینده نیز» (افس. 1:20)

و (21 چیزی نیست که او با ما در میان نگذارد، زیرا «...خداوند، غنی بودن در آن

رحمت، به خاطر محبت بزرگی که او با آن ما را دوست داشت، هر چند ما مرده بودیم

گناهان ما را با مسیح به ما حیات بخشید، به فیض شما نجات یافتید، و

او ما را با خود بلند کرد و در مکان های آسمانی در مسیح نشانده.

عیسی» (افس. 2:4-6) مسیح در رنج ما با ما یکی است تا بتوانیم

در جلال او با او یکی باشید. او فروتنان را تعالی بخشید» (لوقا. 1:52) «بیچاره را از آنجا بلند کن

غبارآلود، و نیازمند را از سرگین بلند می کند تا او را در میان شاهزادگان بنشیند،

تا او را وارث تاج و تخت جلال قرار دهد. زیرا ستونهای زمین از آن خداوند است و

جهان بر آنها نشست» (اول سم. 8: 2) هیچ پادشاهی روی زمین ثروت یا ثروت ندارد

قدرتی قابل مقایسه با فقیرترین انسان فانی که خداوند را به عنوان پدرش می شناسد.

1) چه چیزی باعث شد که خدا مایل باشد ما را به عنوان فرزندان خود بشناسد؟ (اول یوحنا 3:1)

ر:

8 فرزندخواندگی - بخش 2

آیه طلایی: خداوند می‌گوید: «این است عهدی که بعد از آن روزها با ایشان خواهم بست. قوانین خود را در دل ایشان خواهم گذاشت و آنها را در ذهن ایشان خواهم نوشت» (عبرانیان. 10:16)

یکشنبه

اما وقتی خدا را نشناختید، به کسانی خدمت کردید که ذاتاً چنین نیستند
دو زن

پولس رسول در نامه‌ای به قرنتیان گفت: «می‌دانید که در گذشته، زمانی که ای غیبریهودیان، شما به خود اجازه دادید که به بت‌های گنگ هدایت شوید، همانطور که شما را هدایت کردند.» (اول قرن. 12:2) همین امر در مورد غلاطیان نیز صادق بود: آنها مشرک، بت پرست و بردگان تحقیرآمیزترین خرافات. یادت باشه این بردگی هم همینطوره که در فصل قبل مطالعه کردیم: بردگی محصور شدن «تحت قانون». در این بردگی است که هر غیر مسلمان خود را می‌یابد. در دوم و سوم

فصل رومیان، می‌خوانیم که "هیچ تفاوتی وجود ندارد، زیرا همه گناه کرده اند." یهودیان حتی کسانی که خداوند را از طریق تجربه شخصی نشناختند در این امر بودند بندگان: بندگی گناه. «کسی که گناه کند، بنده اوست گناه» (یوحنا. 8:34) کسی که گناه می‌کند از آن شیطان است" (اول یوحنا. 3:8) چی بتها قربانی می‌کنند، آنها برای دیوها قربانی می‌کنند، نه برای خدا» (اول قرنتیان. 10:20) چی مسیحی نیست، بت پرستی است، حد وسطی وجود ندارد. هنگامی که مسیحی مرتد می‌شود، تبدیل به یک می‌شود بت پرست

ما خودمان «به قول شاهزاده دنبال جریان این دنیا بودیم از نیروی هوا، روحی که اکنون در فرزندان نافرمانی عمل می‌کند» (افس. 2:2) سپس ما نیز روزی روزگاری احمق، نافرمان، گمراه، برده همه چیز بودیم. شهوت‌ها و لذت‌ها، زندگی در کینه تیزی و حسادت، نفرت و نفرت از یکدیگر. (تیطوس. 3:3) ما هم «در زمان دیگری که خدا را نمی‌شناختیم، [خدمت کردیم] کسانی که ذاتاً خدا نیستند.» هر چه عشق بی رحم تر باشد، ظالم تر است برده داری چه زبانی می‌تواند وحشت برده بودن خود را توصیف کند فساد [فساد در شخص، شخصی سازی شده توسط شیطان]؟

۱۹ اما اکنون، با شناختن خدا، یا بهتر بگوییم شناخته شدن شما توسط خدا، چگونه به آن پایه های ضعیف و فقیرانه که بار دیگر آرزو می کنید بازگردید؟

خدمت؟

آیا تعجب آور نیست که مردان ترجیح می دهند در زندان بمانند؟ مسیح آمد "برای اسیران آزادی و برای زندانیان گشایش زندان" (اشعیا 1: 61 می گوید. به زندانیان: «بیرون آید» و برای کسانی که در تاریکی هستند ظاهر شوید» (اشعیا 49:9). برخی از کسانی که این سخنان را شنیدند، پس از رستگاری، نور خورشید را دیده بودند از عدالت و با لذت بردن از لذت آزادی، ترجیح می دهند به زندان بازگردند. آنها آرزو دارند که دوباره سفتی زنجیر خود را احساس کنند و کار سخت را در آن انتخاب می کنند معدن گناه یک صحنه غیر هیجان انگیز، مطمئناً. مرد قادر به نشان دادن است دل بستگی به منفورترین چیزها، از جمله خود مرگ. چه توصیف واضحی از تجربه انسانی!

(1) حال کسانی که یک بار به دین ایمان آورده اند، مرتد شده اند؟ (دو)

پدرو (22-20:2)

ر:

دوشنبه

10 روزها و ماهها و زمانها و سالها را نگه می دارید

11 من برای شما می ترسم که مبادا 2 برای شما بیهوده کار کرده ام.

از این نظر، ما در خطر کمتر از مشرکان نیستیم. هر کسی که

اعتماد به خود به جای خدا، پرستش کار دستان خود است. انجام می دهد

به یقین مانند کسی که در برابر یک تصویر یا مجسمه سجده می کند. برای انسان این است

بسیار آسان است که به خرد فرضی خود اعتماد کنید، به توانایی خود در مدیریت خود اعتماد کنید

مسائل؛ او به راحتی فراموش می کند که حتی افکار خردمندان نیز بیهوده است، و

که هیچ نیرویی جز نیروی خداوند نیست. «مرد عاقل به خرد خود مباحث نکند و مرد

قوی، در قدرت خود، نه ثروتمند، در ثروت خود. اما کسی که فخر می‌کند، در این فخر می‌کند.
در شناخت من و دانستن اینکه من خداوند هستم و در آن رحمت و قضاوت و عدالت دارم
زمین؛ خداوند می‌گوید، زیرا من از این چیزها لذت می‌برم» (ارم. 23: 9 و 24)

(1) غلطیان به کارهای خود اعتماد داشتند تا ایام عید و فصل را حفظ کنند
یهودیان عادل شمرده شوند و نجات یابند. با انجام این کار، وضعیت او در چه بود
چشم خدا؟ (غلاطیان 5:4)

_____ز:

سهشنبه

12 برادران، از شما خواهش می‌کنم که مانند من باشید، زیرا من مانند شما هستم، شما به من بدی نکرده‌اید.

13 و می‌دانید که من انجیل را ابتدا به شما موعظه کردم که در ضعف ذهنی بودم.
گوشت؛

14 و شما این وسوسه را در بدن من رد یا تحقیر نکردید، بلکه مرا به عنوان فرشته خدا، مانند خود عیسی مسیح پذیرفتید.

15 پس برکت شما چیست؟ زیرا به تو شهادت می‌دهم که اگر ممکن بود، چشمانت را می‌کردی و به من می‌دادی.

16 آیا با گفتن حقیقت دشمن شما شده‌ام؟

17 آنها نسبت به شما حسادت می‌کنند، اما نه آنطور که باید. اما می‌خواهند تو را طرد کنند تا برای آنها غیرت کنی.

18 خوب است که غیرت داشته باشیم، اما همیشه برای خیر، و نه فقط زمانی که من حضور دارم
با تو.

19 فرزندان کوچک من که تا مسیح دوباره برای آنها زحمت می‌کنم
در شما شکل گرفته است:

20 اکنون می‌خواهم با شما حاضر باشم و صدایم را تغییر دهم. چون من در مورد تو گیج هستم

رسول از طرف خدا و مسیح فرستاده شد تا پیامی به آنها برساند
خدایا نه مردها کار خدا بود. پولس چیزی جز متواضع نبود
ابزار، "ظروف خاکی" که خدا به عنوان وسیله ای برای حمل خود انتخاب کرده بود
انجیل شکوهمند فیض بنابراین پولس هنگام انجیل او آزرده نشد
رد شد. او به آنها گفت: "شما به من توهین نکردید." از زحماتش پشیمان نشد که
به غلطیان تقدیم کرده بود به این معنا که وقت خود را تلف کرده بود، وگرنه می ترسید
برای آنها. او می ترسید که کارهایش تا آنجا که به او مربوط می شد بیهوده باشد.
علاقه این برادران

او که می تواند از ته دل بگوید: «نه به ما، پروردگارا، نه به ما، بلکه به نام تو
به خاطر رحمت و وفاداری خود جلال دهید» (مزمور، 115:1 هرگز
اگر پیام دریافت نشود، شخصاً احساس توهین خواهد کرد. کی وقتی عصبانی میشه
پیام شما تحقیر می شود، نادیده گرفته می شود، یا با تمسخر رد می شود، آموزش شما،
یا فراموش کنید که آنها سخنان خدا را می گویند، یا اینکه آنها
با کلمات انتخابی خود مخلوط یا جایگزین شده است.

در گذشته، این غرور شخصی منجر به آزار و شکنجه هایی شد که افراد مدعی را به فساد کشاند
کلیسای مسیحی مردان برخاستند و سخنان ناپسند گفتند تا شاگردان را جذب کنند.
وقتی گفته ها و روش های آنها رد شد، دلخور شدند و انتقام گرفتند
علیه به اصطلاح "بدعت گذاران". شخص مؤمن باید پیوسته این سؤال را بپرسد:
"من به چه کسی خدمت می کنم؟" اگر نزد خدا برود، به رساندن پیام خود راضی است
خداوند آن را به او توصیه کرد و انتقام را به خدا واگذار کرد که به حق از آن اوست.

(1) وقتی ما حقیقت را تبلیغ می کنیم و مردم آن را رد می کنند، چه کسانی را رد می کنند؟

حقیقت؟ (لوقا 10:16)

چهارشنبه

رنج فیزیکی پل - از اظهارات اتفاقی مندرج در

ما می توانیم جزئیات تاریخی خاصی را استنباط کنیم. توقف در گالاتیا به دلیل پولس که سلامتی خود را از دست داده بود، انجیل را «با نمایش انجیل موعظه کرد روح و قدرت» (اول قرنیتان، 4: 2) به طوری که غلاطیان مسیح را در میان خود دیدند. به عنوان مصلوب؛ و با پذیرفتن او، از قدرت و شادی روح القدس پر شدند. شما شادی و برکت در خداوند موضوع شهادت عمومی بود و در نتیجه، در نتیجه، آنها تحت آزار و اذیت قابل توجهی قرار گرفتند. اما آنها به آن افتخار نکردند. با وجود "ضعیف" ظهور پولس (اول قرن 1-5 و 2: 10 و 2: 10 را ببینید)، آنها او را به عنوان یک رسول خدا به خاطر بشارتی که به آنها رساند. خیلی مشتاقانه از غنای فیضی که پولس در برابر آنها آشکار کرد، قدردانی کرد چشمان خود، اگر با آن می توانستند رنج خود را حل کنند.

پولس غلاطیان را ترغیب کرد که ببینند کجا افتاده‌اند و شاید بتوانند از اخلاص رسول قدردانی کنید روز به روز حقیقت را به آنها ابلاغ کرده بود و آنها هم خبر دادند از او خوشحال شد. امکان نداشت همزمان دشمن هم می شد. به افشای همین حقیقت برای آنها ادامه دهید!

اما این ارجاعات شخصی حاوی چیزهای بیشتری هستند. ما نمی توانیم فرض کنیم که پل هنگامی که به مصائب و شرایط خود اشاره می کرد، مشتاق همدردی شخصی بود شرایط نامناسبی که تحت آن در میان آنها کار می کرد. یک لحظه هم چشمش را از دست نداد هدف این رساله این بود که به آنها نشان دهد که «جسم هیچ سودی ندارد» (یوحنا، 6:63) و که هر آنچه خوب است از روح خدا سرچشمه می گیرد. غلاطیان «آغاز کرده بودند روح». پل، زمانی که برای اولین بار آنها را ملاقات کرد، از آن رنج می برد یک بیماری جسمی خاص با وجود همه چیز، او انجیل را با چنان قدرتی موعظه می کرد که همه توانستند حضور واقعی را در نزدیکی او درک کنند، اگرچه نامرئی.

انجیل از جانب انسان نیست، بلکه از جانب خداست. به آنها داده نشد که او را بشناسند توسط گوشت؛ از این رو در مورد نعمت های دریافتی به هیچ وجه مدیون او نبودند. چه کوری! چه حماقتی که آنها قصد داشتند از طریق خودشان به دست آورند تلاش هایی که فقط قدرت خدا می تواند بدهد! آیا قبلاً این درس را آموخته ایم؟ (1) چگونه می توانیم خدا را خدمت کنیم و از او اطاعت کنیم: با روح او یا به وسیله ما تلاش خود؟ (فیلیپیان 3:3)

ر:

پنج شنبه

شادی شما کجاست؟ - همه کسانی که خداوند را شناخته اند، این را می دانند در پذیرش او شادی وجود دارد. چهره ای درخشان انتظار می رود و شهادتی شادمانه کسی که تبدیل می شود در مورد غلطیان نیز چنین اتفاقی افتاده بود. اما اکنون، آن ابراز قدردانی جای خود را به مشاجرات و اختلافات تلخ داده بود. آ شادی و گرمای عشق اول به تدریج محو شد. چنین چیزی هرگز باید اتفاق می افتاد

«راه صالحان مانند نور سحر است که فزونی می گیرد تا به کمال برسد روز» (امثال 4:18) صالحان با ایمان زندگی می کنند. هنگامی که از ایمان دور شوید یا آن را با اعمال جایگزین کنید، نور خاموش می شود عیسی گفت: "این چیزها را به شما گفتم تا شادی من در شما باشد و شادی شما کامل شود" (یوحنا 15:11) برای منبع حیات محال است تمام شدن جریان هرگز کند نمی شود. پس اگر نور ما محو شود و شادی ما راه برود برای یک روال یکنواخت و سفت و سخت، می توانیم امنیت را داشته باشیم که مسیر را ترک کنیم از زندگی

1) دلیل اینکه ما در مسیر زندگی هستیم چیست؟ (اول یوحنا 3:14)

_____:

جمعه

- 21 ای که می خواهید تحت شریعت باشید، به من بگویید آیا به شریعت گوش نمی دهید؟
- 22 زیرا مکتوب است که ابراهیم دو پسر داشت، یکی از کنیز و دیگری از زن آزاد.
- 23 اما آن که از کنیز بود برحسب جسم زاده شد، اما آن که از زن آزاد بود برحسب جسم متولد شد. با قول
- 24 مراد از تمثیل: زیرا این دو عهد است: یکی از کوه سینا برای بندگی فرزندان که هاجر است.

25 حال این هاجر سینا است، کوهی در عربستان، که مطابق با اورشلیم موجود است، زیرا او با فرزندان خود برده است.

26 اما اورشلیم بالا آزاد است. که مادر همه ماست

27 زیرا مکتوب است: شاد باشید و فریاد بزنید ای کسانی که زایمان نمی کنید. زیرا فرزندان زن رها شده بیشتر از فرزندان او هستند که شوهر دارد.

بسیاری از مسیرهای عشقی که همه به جز آنها می توانند ببینند مستقیماً به آنها منتهی می شود

مرگ. با چشمان خود به عواقب دوره خود فکر کرده است

عمل کنید، اصرار کنید و عمداً «لذت‌های موقت گناه» را انتخاب کنید

مکان «عدالت اعصار» و «طول روزها». "تحت قانون" خدا بودن یعنی بودن

توسط او به عنوان یک گناهکار محکوم شد، به زندان افتاد و به اعدام محکوم شد. با این حال، میلیون ها نفر از

مردم - و همچنین غلاطیان - چنین شرایطی را می خواستند و می خواستند. اگر چنین است

فقط به آنچه قانون می گوید گوش دهید! و هیچ دلیلی برای عدم وجود ندارد

این کار را انجام دهید، تا زمانی که قانون خود را با صدایی کر کننده بیان می کند. «کسی که گوش دارد، بشنود.»

می خوانیم: غلام و پسرش را بیرون کنید، زیرا پسر غلام وارث نخواهد بود.

با پسر زن آزاده» (آیه 30). قانون مرگ همه کسانی را که از آن لذت می برند حکم می کند

"عناصر ضعیف و فقیر" جهان. «لعنت بر هر کس که در آن نماند

هر آنچه در کتاب شریعت نوشته شده است» (غلاطیان 3:10). غلام بیچاره را باید انداخت

«بیرون، در تاریکی. آنجا گریه و دندان قروچه خواهد بود» (متی 25:30). زیرا بنگر، او می آید

روز و مانند کوره می سوزد. همه مغرورها و همه کسانی که کارهای زشت انجام می دهند

آنها مانند گاه خواهند بود. یهوه صباوت می گوید روزی که می آید آنها را آتش خواهد زد.

سرنوشتی که نه ریشه و نه شاخه برای آنها باقی می گذارد.» بنابراین، "قانون را به خاطر بسپارید

موسی، بنده من، که در حوریب برای تمام اسرائیل به او دستور دادم، یعنی

احکام و احکام» (مالک 4، 1، 4: همه کسانی که «تحت شریعت» هستند، چه یهودی و چه

غیریهودیان، مسیحیان یا بت پرستان، در بند شیطان - یا اسارت تجاوز هستند.

قانون - و "بیرون" پرتاب خواهد شد. «هر کس مرتکب گناه شود، بنده گناه است. و

غلام تا ابد در خانه نمی ماند، اما پسر تا ابد باقی می ماند.» (یوحنا 8:34 و

35). پس بیایید خدا را شکر کنیم که ما را به عنوان فرزندان خود پذیرفته است.

معلمان دروغین سعی کردند برادران را متقاعد کنند که اگر ایمان را رها کنند

صادقانه در مسیح و اعتماد به کارهایی که خودشان می توانستند انجام دهند، خواهند شد

فرزندان ابراهیم و بنابراین وارثان وعده ها. «نه فرزندان بر حسب جسم

فرزندان خدا هستند، اما فرزندان موعود از نسل شمرده می شوند.»

(رومان 9:8). از دو پسری که ابراهیم داشت، یکی بر حسب جسم و دیگری بر حسب جسم زاده شد

طبق "وعده" او از روح متولد شد. "با ایمان، خود سارا، در خارج از در سنین بالا، او برای مادر شدن قدرت یافت، زیرا معتقد بود به آنچه وعده داده بود وفادار است. (عبرانیان. 11:11)

هاجر غلام مصری بود. بچه های کنیز همیشه بودند بردگان، حتی اگر پدرشان آزاد باشد. بنابراین تمام چیزی که هاجر توانست تولید کند این بود

بردگان

اما مدتها قبل از تولد پسر خدمتکار اسماعیل، خداوند تجلی کرده بود به وضوح به ابراهیم که پسر آزاد خود او خواهد بود که از سارا، همسر آزاد او متولد شد، که وارث قول خواهد شد این چنین است کارهای حق تعالی.

(1) فرزندان وارثان خدا چه ویژگی دارند؟ (رومیان 8: 14-17؛ افسسیان 1: 13 و 14)

زن:

"آنها نماینده دو عهد هستند" - دو زن، هاجر و سارا، نماینده هستند دو پیمان می خوانیم که هاجر کوه سینا است، «که برای بردگی بچه زایید». همانطور که هاجر فقط می توانست بردگان بیافریند، قانون - قانونی که خدا در سینا تلفظ می شود - نمی توان مردان آزاد ایجاد کرد. شما نمی توانید کاری انجام دهید غیر از باشد که آنها را در اسارت نگه دارید، «زیرا شریعت خشم ایجاد می کند»، «زیرا به موجب قانون معرفت به گناه» (رومیان، 20: 3؛ 15: 4 در سینا، مردم قول دادند که قانون را رعایت کنند که به آنها داده شده بود. اما با قدرت خود آنها فاقد قدرت اطاعت از او بودند. کوه سینا از زمانی که وعده داده شده بود، «فرزندانی برای بردگی» به دنیا آورد پرهیزگاران با اعمال خود عمل نکرده اند و هرگز نمی توانند کار کنند.

بگذارید این وضعیت را در نظر بگیریم: مردم در بردگی گناه بودند. آن ها نداشتند قدرت شکستن این زنجیرها و اعلام قانون این را تغییر نداد وضعیت. اگر کسی به دلیل ارتکاب جرم در زندان باشد، به دلیل واقعیت نمی تواند آزاد شود

قوانین را برای او بخوانید. خواندن قانونی که او را به زندان کشاند فقط می تواند اسارت را دردناک تر کن

پس آیا خدا نبود که آنها را به بردگی کشاند؟ نه، قطعاً، تا زمانی که این کار را نکنند به هیچ وجه آنها را وادار به بستن آن پیمان در سینا نکرد. چهارصد و سی سال قبلاً با ابراهیم عهدی بسته بود که در هر شرایطی کاملاً کافی بود. دیدگاه ها این عهد در مسیح تأیید شد و بنابراین، عهدی بود که آمد "از بالا" (یوحنا 8:23) این وعده عدالت را به عنوان یک هدیه رایگان از جانب خدا، از طریق ایمان، و همه ملت ها را شامل می شود. تمام معجزاتی که خداوند در آزادی فرزندان انجام داد اسرائیل از بردگی مصر چیزی جز نمایش قدرت او نبود آنها را آزاد کن (و از بردگی گناه آزاد کن). بله، آزادی از مصر، نه تنها بود نمایشی از قدرت خدا و همچنین تمایل او به رهایی آنها از شر بردگی گناه

به این ترتیب، وقتی مردم به سینا رفتند، خداوند خود را به گفتن آنچه که داشت به آنها محدود کرد از طرف آنها انجام داد و به آنها گفت: "اگر به صدای من توجه کنید و مرا نگاه دارید عهد، تو گنج ویژه من بر همه مردم خواهی بود، زیرا تمام زمین از آن من است" (خروج 19:5) منظور شما چه پیمانی بود؟ بدیهی است، پیمانی که در حال حاضر قبل از عهد او با ابراهیم وجود داشت. اگر فقط به عهد خدا وفا می کردند، اگر به ایمان وفا می کردند و به وعده خدا ایمان می آوردند، مردمی عجیب و غریب بودند. در به عنوان مالک کل زمین، او قادر بود همه چیز را به نفع آنها انجام دهد. همانطور که قول داده شده بود.

این که آنها در حد کفایت خود در حمل بر خود عجله کردند خود مسئولیت تحقق این امر، به این معنا نیست که خداوند او را وادار به بستن این پیمان کرد.

اگر بنی اسرائیل که مصر را ترک کرده اند در «گام های ایمان» قدم می زنند از پدر ما ابراهیم» (روم 4: 12) آنها هرگز از توانایی خود مباهات نمی کردند. شریعت اعلام شده در سینا را حفظ کنید، زیرا «ابراهیم از طریق شریعت نبود یا به فرزندان او وعده داده شد که وارثان جهان باشند، اما از طریق عدالت ایمانی» (رومیان 4:13) ایمان توجیه می کند. ایمان صالح می کند. اگر قوم اسرائیل داشتند اگر به ابراهیم ایمان داشت، عدالت او را آشکار می کردند. در سینا، قانونی که بود "به دلیل تخلفات" منتشر شده است، می تواند قبلاً در قلب آنها باشد. آن می تواند وضعیت واقعی خود را بدون نیاز به رعد و برق وحشتناک نشان داده است. هرگز

هدف خدا این بود و اکنون نیز چنین نیست که هیچ شخصی از طریق عدالت به دست نیاورد قانونی که در سینا ابلاغ شد، و هر چیزی که سینا را احاطه کرده است، این را نشان می دهد. با این حال، قانون درست است و باید رعایت شود. خداوند قوم اسرائیل را آزاد کرد «تا فرایض او را نگاه دارند و قوانین او را به جا آورند» (مزمور 105:45 خیر ما با انجام احکام زندگی می کنیم، اما خدا به ما زندگی می دهد تا بتوانیم آنها را با ایمان به او نگه دارید.

(1) خداوند در عهدی که با ما بست چه وعده ای داده است؟ (عبرانیان 10:16 و 17)

_____:

نکته: در عهد راستین، عهد، انسان به 10 فرمان عمل می کند

خدا با ایمان

9 فرزندخواندگی - بخش 3

آیه طلایی: «به راستی، به راستی به شما می‌گویم، هر که گناه می‌کند، خادم گناه است... پس اگر پسر شما را آزاد کند، به راستی آزاد خواهید بود» (یوحنا 8:34 و 36)

یکشنبه

توازی بین دو پیمان - رسول با اشاره به هاجر و ساره می‌فرماید: «این زنان نماینده دو پیمان هستند». امروز دو پیمان وجود دارد. مسئله زمان نیست، بلکه شرط است. مبادا کسی از محال بودن تحت عهد کهنه مباحثات کند، با اعتماد به اینکه زمان این عهد گذشته است. در واقع، زمان گذشته است، اما فقط به این معنا که «زمانی که گذشت برای تو کافی است که اراده غیریهودیان را انجام داده باشی، در انحلال ها، شهوات، عیاشی ها، مستی ها و بت پرستی های نفرت انگیز قدم برداشتی» (1 پطرس. 4:3)

تفاوت همان تفاوتی است که بین کنیز و زن آزاد وجود دارد. آ نوادگان هاجر، صرف نظر از اینکه چقدر زیاد بودند، همیشه از بردگان تشکیل می شدند. در حالی که سارا بچه های آزاد خواهند بود. پس عهد سینا برده داری می آورد "تحت شریعت" به همه کسانی که به آن پایبند هستند، در حالی که عهد از بالا رهایی می آورد آزادی از اطاعت از قانون را به ارمغان نمی آورد، بلکه آزادی از سرپیچی از آن را به ارمغان می آورد. جایی که آزادی پیدا می شود خارج از قانون نیست، بلکه در درون آن است. مسیح از نفرین که این عبارت است از تخطی از شریعت، تا بتوانیم برکت را دریافت کنیم. و نعمت شامل اطاعت از قانون است. «خوشا به حال بی‌عیبانی که در راهشان هستند در شریعت خداوند رفتار کنید» (مزمور 119:1) آن نعمت آزادی است. "من در آزادی قدم خواهم زد، زیرا من به دنبال احکام تو بوده ام." (مزمور 119:45)

(1 یعقوب رسول چگونه قانون را مورد توجه قرار داد؟ (یعقوب 1:25)

ر:

دوشنبه

تقابل بین دو عهد را می توان به اختصار اینگونه بیان کرد: در عهدی که در سینا بسته شده است، ما باید با خود قانون برخورد کنیم، در حالی که در عهد از بالا، ما در مسیح شریعت داریم. مورد اول برای ما به معنای مرگ است، زیرا قانون بیشتر است تیزتر از یک شمشیر دو لبه است و ما بدون آن قادر به استفاده از آن نیستیم عواقب مرگبار اما در مورد دوم، قانون «از طریق میانجی» را داریم. در موقعیت اول کاری است که ما می توانیم انجام دهیم. ثانیاً، روح چه کاری می تواند انجام دهد؟ مال خدا

به یاد داشته باشید که در هیچ کجای رساله این سؤال مطرح نشده است که آیا قانون باید اطاعت شود یا نه. تنها سؤال این است: اطاعت از قانون چگونه حاصل می شود؟ این به خودی خودمان است کار کنید تا ثواب آن از روی لطف نباشد، بلکه بدهی باشد؟ یا خواهد بود خدا در ما کار می کند که هم اراده کنیم و هم انجام دهیم، به رضایت او؟

(1) عدالت خدا احکام اوست (مزمور. 119:172 مثل مرد

رسیدن به عدالت؟ (رومیان 9:30-32)

رن:

سهشنبه

تضاد بین سینا و صهیون - همانطور که دو عهد وجود دارد، همینطور دو شهر وجود دارد که اینها به آنها تعلق دارند. اورشلیم "حال" متعلق به عهد قدیمی است، از کوه سینا. هرگز رایگان نخواهد بود، اما با شهر خدا، جدید جایگزین خواهد شد اورشلیم که از آسمان فرود خواهد آمد. (Apoc. 3:12؛ 21:1-5) این شهری بود که ابراهیم آرزویش را داشت، «زیرا او منتظر شهری بود که پایه‌هایی داشت که معمار و سازنده‌اش خداست» (عبران. 11:10؛ کشیش 19، 21:14، و 20).

خیلی ها هستند که امیدهای بزرگ - تمام امیدهایشان - را به آنها می گذارند اورشلیم فعلی «و تا امروز که حضرت موسی خوانده می‌شود، حجاب بر دل نهاده می‌شود از آنها» (دوم قرن تیان. 3:14) در واقع، آنها هنوز در انتظار نجات از کوه سینا و پیمان قدیمی اما او آنجا نیست. «چرا، تو به آتش نرسیدی

قابل لمس و سوزان، و به تاریکی، و به تاریکی، و به طوفان، و به صدای شیپور، و با شنیدن کلماتی به گونه ای که کسانی که آن را می شنیدند التماس می کردند که دیگر با آنها صحبت نشود. زیرا آنها دیگر نمی توانستند آنچه را که به آنها دستور داده شده بود تحمل کنند: حتی حیوانی که کوه را لمس کند، خواهد بود

سنگسار شد در واقع، این منظره آنقدر وحشتناک بود که موسی گفت:

ترسیده بودم و می لرزیدم! اما شما به کوه صهیون و به شهر خدای زنده آمده اید،

اورشلیم آسمانی، و به لشکرهای بی شماری از فرشتگان، و به مجمع جهانی و کلیسای

نخستزادهای در آسمان و به خدای قاضی همه و برای ارواح صالحان

کامل شده، و به عیسی، واسطه عهد جدید، و به خون پاشیده شده که سخن می گوید

چیزهایی برتر از آنچه خود هابیل می گوید» (عبرانیان 12: 18-24) آنچه در انتظار نعمت است

از اورشلیم امروزی وابسته به عهد قدیمی و کوه سینا برای

برده داری اما هر که عبادت کند به امید برکت به اورشلیم جدید می رود

از آن به تنهایی، به عهد جدید، به کوه صهیون و آزادی، برای «

اورشلیم از بالا... آزاد است.» از چه چیزی آزاد است؟ از گناه؛ و از آنجایی که «او مادر است

همه ما، دوباره ما را تولید می کند، تا ما نیز از گناه رها شویم.

عاری از قانون؟ بله، قطعاً، زیرا شریعت کسانی را که در مسیح هستند محکوم نمی کند.

اما اجازه ندهید کسی با کلمات پوچ شما را اغوا کند و به شما این اطمینان را بدهد

اکنون می توانید آن قانونی را که خداوند با چنین عظمتی اعلام کرده است، در کوه سینا زیر پا بگذارید.

آمدن به کوه صهیون، نزد عیسی، واسطه عهد جدید، به خون

با پاشیدن، از گناه، از تخطی از شریعت رهایی یافتیم. در "صهیون" اساس

عرش خدا قانون اوست. از تخت او همان پرتوها، رعد و برق و صداها خارج می شود

(Apoc. 4:5; 11:19) که از سینا آمده است، زیرا همان قانون در آنجا وجود دارد. اما در مورد

«تخت فیض» (عبرانیان 16:4) پس با وجود رعد و برق، می توانیم به نزد او بیاییم

با اطمینان یافتن رحمت و فیض در خداوند. فیض را نیز خواهیم یافت

لحظه مناسب در ساعت وسوسه، زیرا از تاج و تخت بره "سوخته"

(Apoc. 5:6) رودخانه آب حیات جاری است که ما را از قلب مسیح بیرون می آورد، «

شریعت روح که حیات می بخشد» (رومیان 8:2) بگذارید از آن بنوشیم، در آن شیرجه بزنیم و خواهیم بود

پاک از همه گناهان

1) خدا چه وعده باشکوهی را با اشاره به تحقق عهد جدید در آن داده است

زندگی ما؟ (زکریا 13:1 و 2)

چرا خداوند مردم را مستقیماً به کوه صهیون نبرد، جایی که می توانستند
به جای بردن آنها به کوه سینا، جایی که قانون به معنای آن بود، قانون را مانند زندگی بیابید
فقط مرگ؟

این یک سوال بسیار منطقی است و پاسخ شما نیز منطقی است: به خاطر شما بود
بی ایمانی وقتی خدا اسرائیل را از مصر بیرون آورد، هدفش بیرون آوردن آنها بود
مستقیماً به کوه صهیون رسیدند. پس از عبور از دریای سرخ، آهنگی خواندند
الهام شد و در یکی از آیات آن آمده است: «به لطف خود مردمی را که
نجات دادی با قوت خود او را به منزلگاه حضرتت رساندی.» شما آن را وارد خواهید کرد و
آن را بر کوه میراث خود، در مکانی که خداوند، برای مسکن خود مهیا کرده ای، در عبادتگاهی که دستانتو استوار کرده ای، خواهی
کاشت.» (خروج، 17، 13:15)

اگر به آواز خواندن ادامه می دادند، به کوه صهیون خیلی نزدیک می شدند،
زیرا «فدیه‌شدگان خداوند بازخواهند گشت و با فریاد و شادی جاودانی به صهیون خواهند آمد.
بر سر آنها خواهد بود: شادی و سرور آنها را فرا خواهد گرفت و اندوه و بدبختی از آنها فرار خواهد کرد.
نالاه کن» (اشعیا، 35:10) عبور از دریای سرخ این را تأیید کرد (اشعیا 51: 10 و 11) ولی
به زودی خداوند را فراموش کردند و در بی ایمانی خود را به زمزمه کردن سپردند. مطابق
بنابراین، «این [شریعت] به دلیل تخلفات داده شد» (غلاطیان، 3:19) آنها بودند - شما
بی ایمانی گناه آلود - که نیاز به رفتن به کوه سینا را به جای رفتن به صهیون ایجاد کرد.

با این وجود، خداوند آنها را از شهادت وفاداری خود محروم نکرد. در سینا، قانون
در دست همان واسطه -عیسی- بود که وقتی به سراغش می رویم
صهیون از صخره حورب (یا سینا) چشمه ای از آبهای زنده از دل مسیح جاری شد، «و صخره مسیح بود» (خروج، 17:6) اول قرن‌تینان
(10:4) قبل از آنها بود.

واقعیت کوه صهیون، هرکس که دلش به سوی خداوند معطوف شود،
جلال او را بدون حجاب، مانند موسی، و به وسیله آن متحول می‌شود، بیندیشد.
به جای «وزارت محکومیت»، «وزارتی که توجیه می‌آورد» را پیدا می‌کند.
(دوم قرن‌تینان، 3:9) «عشق تو جاودانه است» و حتی از همان ابرهای تهدیدآمیز
غضبی که از رعد و برق و رعد و برق سرچشمه گرفته، چهره باشکوه خورشید عدالت را می درخشد،
تشکیل رنگین کمان وعده

1) پولس گفت، مؤمنان با ایمان به کجا می‌رسند؟ (عبرانیان 12:22 و 23)

ز:

پنج شنبه

28 اما ما ای برادران مانند اسحاق فرزندان موعود هستیم.

29 اما همانطور که در آن زمان زاییده جسم، او را که بر اساس روح بود جفا کرد، اکنون نیز چنین است.

30 اما کتاب مقدس چه می‌گوید؟ کنیز و پسرش را بیرون کن، زیرا به هیچ وجه پسر کنیز با پسر زن آزاد ارث نخواهد برد.

31 پس ای برادران، ما فرزندان غلام نیستیم، بلکه از آزادگان هستیم.

کلمات تشویق کننده برای تمام روح! تو گناهکار بودی در بهترین حالت

شما سعی می‌کنید مسیحی باشید و کلمات "غلام را بیرون کنید" شما را به لرزه در می‌آورد. شما

می‌فهمد که برده است، گناه او را زندانی نگه می‌دارد و بندهای شیطانی

عادات شما را گره می‌زند شما باید یاد بگیرید که وقتی خداوند صحبت می‌کند نترسید،

وقتی با صدایی که کننده اعلام صلح می‌کند! هر چه صدای شما ترسناک تر باشد، بیشتر

ممکن است مطمئن باشید که صلح به دست می‌آید. شاد باش

پسر غلام جسم و اعمال آن است. گوشت و خون نمی‌توانند ارث ببرند

پادشاهی خدا» (اول قرنتیان 15:50) اما خداوند می‌فرماید: غلام و پسرش را بیرون کنید. اگر

مایل است که اراده او در شما محقق شود، همانطور که در بهشت برآورده می‌شود، او هر کاری را انجام می‌دهد

برای حذف گوشت و آثار آن لازم است. زندگی شما از اسارت آزاد خواهد شد

فساد، برای مشارکت در آزادی باشکوه فرزندان خدا» (رومیان 8:21).

جمله ای که شما را بسیار ترسانده است، چیزی نیست جز صدایی که به روح شیطانی فرمان می‌دهد

بگذار تو را ترک کند و دیگر برنگردد. پیروزی بر همه گناهان را اعلام کنید.

مسیح را با ایمان بپذیرید و قدرت پیدا کنید که فرزند خدا و وارث ملکوت شوید

جاودانه، که برای همیشه با ساکنانش می‌ماند.

1) کسانی که به وعده های خدا ایمان دارند فرزندان چه کسانی هستند؟ (غلاطیان 3:28 و 314)

ر:

جمعه

"پس آنها را محکم نگه دار" - کجا باید خودمان را حفظ کنیم؟ در آزادی از مسیح که لذتش در شریعت خداوند بود، زیرا او آن را در قلب خود داشت (مزمور. 40:8) «از طریق مسیح عیسی، شریعت حیات بخش روح، مرا از شریعت گناه آزاد کرد و مرگ» (رومیان. 2: 8) فقط با ایمان آن را حفظ کنیم.

در این آزادی اثری از بردگی نیست. این آزادی کامل است. و آزادی روح، آزادی اندیشه و همچنین آزادی عمل. خیر صرفاً این است که ما را قادر می سازد تا از قانون اطاعت کنیم، اما این قانون برای ما نیز فراهم می کند ذهنی که از تحقق آن لذت می برد. بحث رعایت قانون نیست چون ما رعایت نمی کنیم ما راه دیگری برای فرار از مجازات پیدا کردیم: این تلخ ترین بردگی است. در واقع از بندگی اوست که عهد خدا ما را آزاد می کند.

وعده خدا که با ایمان پذیرفته شده است، ذهن روح را در ما ایجاد می کند، به طوری که ما ما بیشترین لذت را در اطاعت از همه احکام کلام خدا می یابیم. روح آزادی را که پرندهگان در پرواز بر فراز قله های کوه دارند، تجربه کنید. این آزادی باشکوه فرزندان خداست که وسعت و عمق و ارتفاع عالم پهناور خدا را دارد. این آزادی کسانی است که به آن نیاز ندارند

تحت نظر باشند، بلکه کسانی که در هر موقعیتی شایسته اعتماد هستند، به عنوان هر یک قدمی که برمی دارند چیزی جز عمل شریعت مقدس خداوند نیست. چرا مطابقت می کنی برده داری، این آزادی که حدی نمی شناسد کی مال توست؟ درهای زندان به طور گسترده باز هستند. در آزادی خدا قدم بردارید.

(1) وقتی روح القدس انسان را "تکمیل" می کند چه چیزی را به ارمغان می آورد؟ (2) قرنتیان (3:17)

ر:

2) مسیح با روح خود چه نوع آزادی را به ما می دهد؟ (یوحنا 8:33,34,36)

ز:

من قبلاً دنیای تاریک را ترک کرده ام:

من مسیح هستم و او از آن من است.

راه تو را با کمال میل دنبال کردم

من می خواهم همیشه به او وفادار باشم.

من خوشحالم! من خوشحالم!

و از لطف او لذت خواهم برد.

در آزادی و نور خود را یافته ام

وقتی ایمان در من پیروز شد،

و فراوانی زرشکی،

سلامت روح بیمارم بود

(TM Westrup, #330)

شنبه:

برای مراقبه: رومیان 8:14-23

10 روح نجات را آسان می کند

آیه طلایی: «پس در آزادی که مسیح ما را به وسیله آن آزاد کرد استوار بایستید و دیگر زیر یوغ بندگی قرار نگیرید» (غلاطیان 5: 1).

برای تأمل: «پس از مرگ مسیح بر روی صلیب، به عنوان قربانی گناه، شریعت تشریفاتی دیگر نمی تواند معتبر باشد. با این حال، به قانون اخلاقی مرتبط بود و بود با شکوه همه بر روی خود نشان الوهیت داشتند و بیانگر تقدس و عدالت و درستی بودند خداوند. و اگر خدمت دوره‌ای که قرار بود به پایان برسد با شکوه بود، چقدر بیشتر باید یک واقعیت باشکوه باشد، زمانی که مسیح ظاهر شد، و به همه کسانی که عطا کردند روح حیات بخش و تقدیس او را بیافریند؟» (ME 1، ص 238)

یکشنبه

اما اکنون که از گناه رها شده‌اید و بندگان خدا شده‌اید، میوه خود را برای تقدیس و در نهایت زندگی ابدی دارید. رومیان 6:22

رابطه بین فصل چهارم و پنجم آنقدر نزدیک است که تصور دلیل آن دشوار است که منجر به تقسیم متن در این مرحله شد.

آزادی ای که مسیح ارائه می دهد. وقتی مسیح در جسم ظاهر شد، کار او عبارت بود از «اعلان آزادی برای اسیران و باز کردن زندان به روی زندانیان» (اشعیا 61:1) معجزاتی که او انجام داد، نمونه های عملی کار او بود، و خوب اکنون می توانیم یکی از جالب ترین آنها را در نظر بگیریم.

«روز شنبه در یکی از کنیسه ها به عیسی تعلیم دادم. و زنی تسخیر شده آمد از روحیه ناتوانی، به مدت هجده سال؛ او خم شده بود، بدون به هیچ وجه قادر به صاف شدن نیست. وقتی عیسی او را دید، او را صدا زد و به او گفت: ای زن! شما از بیماری خود رها هستید؛ و بلافاصله دست روی او گذاشت راست شد و خدا را جلال بخشید» (لوقا 13:10-13)

هنگامی که حاکم کنیسه ریاکار شکایت کرد زیرا عیسی چنین کرده بود این معجزه در روز شنبه، او به او یادآوری کرد که چگونه هر یک گاو خود را رها کرد یا الاغ در روز سبت، تا بنوشند، و افزود: «به چه دلیل

این دختر ابراهیم که

شیطان هجده سال طعمه داشت؟» (ج. 16)

دو وجه قابل ذکر است: شیطان زن را بسته بود و او

او "تسخیر روح بیماری" بود که او را ناتوان کرد.

توجه داشته باشید که این توصیف قبل از پیدا کردن، به خوبی با شرایط ما مطابقت دارد
مسیح:

(1) ما اسیر شیطان هستیم، ما "اسیر اراده او" هستیم (2 تیم. 2:26)
"هر که گناه می کند، برده گناه است" (یوحنا، 8:34) و "کسی که گناه می کند از شیطان است" (اول یوحنا
3:8) «و اما شریک، گناهانش او را می بندد و با ریسمان گناهش مهار می شود.»

(امثال 5:22). گناه زنجیره ای است که شیطان ما را با آن می بندد.

(2) ما «روح ناتوانی» داریم، و به هیچ وجه قدرتی نداریم که خودمان را صاف کنیم، یا خود را از زنجیرهایی که ما را
می بندد، رها کنیم. «در حالی که ما هنوز ضعیف بودیم» بود که مسیح برای ما مرد (رومیان. 6: 5) اصطلاحی که
در رومیان 6: 5 ضعیف ترجمه شده است، همان اصطلاحی است که در روایت لوقا «ناتوانی» ترجمه شده است.
آن زن مریض یا ضعیف بود و وضعیت ما هم همین است.

(1 آیا پس از رهایی از گناه، ثمره آن را داریم؟ (روم. 6:22)

2) طناب هایی که گناهکار با آن بسته می شود چیست؟ (امثال 5:22)

دوشنبه

مسیح ما را از نفرین شریعت نجات داد و برای ما نفرین شد. زیرا نوشته شده است: ملعون است هر که به درخت
آویزان شود. (غلاطیان 3:13)

- 1 نفرین شریعت که مسیح ما را از آن نجات داد چه بود؟ (دوم قرنتیان 3:9)

عیسی برای ما چه کرد؟ ضعف ما را بگیر و در عوض نیروی او را به ما عطا کن. "نه

ما یک کاهن اعظم داریم که نمی تواند با ضعف های ما همدردی کند.» (عبران.

4:15) "او خود ناتوانی های ما را گرفت و بیماری های ما را تحمل کرد" (متی. 8:17).

او خود را از هر جهت شبیه آنچه ما هستیم آفرید تا در آن ساخته شویم

همه چیز برای اوست متولد شده «تحت شریعت برای فدیة دادن کسانی که تحت شریعت هستند»
(غلاطیان 4:4 و 5) او ما را از لعنت رهایی بخشید و خود را برای ما لعنت قرار داد تا شاید باشد
برای ما امکان پذیر است که برکت را دریافت کنیم. اگرچه او هیچ گناهی نمی دانست، اما به واسطه آن گناه شد
ما، «تا در او عدالت خدا شویم» (دوم قرنتیان 5:21)

چرا عیسی این زن را از بیماری رها کرد؟ تا او را وادار به ورود کند
آزادی مطمئناً اینطور نبود که او بتواند به تنهایی و آزاد به این کار ادامه دهد
وصیت می کند، همان کارهایی که قبلاً مجبور بودم از روی تعهد انجام دهم
او در حالت بردگی دردناک خود بود. برای چه هدفی ما را از گناه رها می کند؟
تا بتوانیم آزاد از گناه زندگی کنیم. به دلیل ضعف جسم ما، ما هستیم
ناتوان از اجرای عدالت قانون. بنابراین مسیح که در جسم آمد و قدرت دارد
بر جسم ما را تقویت کن روح قدرتمند او را به ما عطا کن که عدالت شریعت است
می تواند در ما تحقق یابد. در مسیح در جسم راه نمی رویم، بلکه در روح راه می رویم. خیر
ما می توانیم بدانیم که او چگونه این کار را انجام می دهد. او آن را می داند، زیرا او صاحب قدرت است.
اما ما می توانیم واقعیت آن را بدانیم.

2- زن به چه چیزی چنگ زد تا خودش را صاف کند؟ (اول پطرس 1:23)

هنگامی که آن زن هنوز گیر افتاده بود و قدرتی برای راست شدن نداشت، عیسی به او گفت: "ای زن، تو از بیماری
خود رهایی یافته ای." زمان حال است. او
امروز هم این را به ما می گوید. آزادی هر اسیری را اعلام کن.

زن «خم شده بود، بدون اینکه بتواند خودش را صاف کند»، با این حال،
او بلافاصله با کلام مسیح راست شد. او کاری را انجام داد که «نمی توانست» انجام دهد.
"آنچه برای مردم غیر ممکن است با خدا ممکن است" (لوقا، 18:27)

این ایمان نیست که اعمال را ایجاد می کند، بلکه ایمان است که آنچه را که قبلاً یک واقعیت است، تشخیص می دهد. خیر
هیچ جانی زیر بار گناهی که شیطان سر تعظیم فرود نیاورده است
با زنجیر، ممکن است مسیح حمایت و راست نکند. آزادی متعلق به شماست. به سادگی،
باید از آن استفاده کرد باشد که پیام در همه جا طنین انداز شود. بگذار هر روحی بداند
که مسیح به اسیر آزادی می دهد. خبر خوب هزاران نفر را پر از شادی خواهد کرد.

سهشنبه

"جاودانه همه سقوط کنندگان را نگه می دارد و همه ستمدیدگان را بلند می کند" (مزمور، 145:14)

مسیح آمد تا چیزی را که گم شده بود نجات دهد. ما را از لعنت نجات بده بازخیر شده-
ما او را نجات داده است. پس آزادی که ما با آن آزادیم همان آزادی است که وجود داشت
قبل از آمدن نفرین به انسان تسلط بر زمین داده شد. خیر
صرفاً برای اولین انسان آفریده شده، بلکه برای تمام بشریت. «در روزی که خداوند
او انسان را به مثابه خدا آفرید؛ نر و ماده را آفرید و برکت داد
و در روز خلقت آنها را به نام آدم خواند (پیدایش 1: 5 و 2).
» و خدا گفت: «بباید انسان را به شکل خود، مطابق ما بسازیم
شبهت؛ او بر ماهیان دریا، بر پرندگان آسمان، بر ماهیان تسلط داشته باشد
چهارپایان، بر تمام زمین، و بر هر خزنده ای که روی زمین می خزند.
بنابراین خدا انسان را به صورت خود آفرید، به شکل خدا او را آفرید. مرد و زن
آنها را ایجاد کرد. و خداوند آنها را برکت داد و به آنها فرمود: بارور شوید، زیاد شوید، زمین را پر کنید
و آن را مطیع کن؛ بر ماهیان دریا، بر پرندگان آسمان و بر هر حیوانی تسلط داشته باشید
که روی زمین می خزد» (پیدایش 1:26-28) می بینیم که سلطه به هر موجودی داده شده است
انسان، مرد یا زن.

1- خداوند در ابتدا تسلط بر همه چیز را به چه کسی واگذار کرد؟ (عبرانیان 2:7 و 8)
چگونه این دامنه از بین رفت؟ (روم، 5:12)

وقتی خدا انسان را آفرید، «همه چیز را زیر پای او گذاشت» (عبرانیان 2:8) درست است که اکنون ما نمی بینیم
که همه چیز تابع انسان است، "اما او را می بینیم که برای مدتی از فرشتگان پست تر شد، عیسی، زیرا

به خاطر رنج مرگ، تاج جلال و افتخار بر او نهاد تا به لطف
خدایا مرگ را برای هر انسانی بچش» (آیه 9). عیسی هر انسانی را از آن رستگار می کند
نفرین سلطه از دست رفته تاج به معنای پادشاهی است و تاج مسیح همان پادشاهی است
همان چیزی که به انسان داده شد، زمانی که خداوند او را به تسلط بر کار توصیه کرد
دست های تو به عنوان یک انسان، در جسم بودن، پس از زنده شدن و بودن
در نقطه صعود، مسیح اعلام کرد: «تمام قدرت در آسمان و زمین به من داده شده است.
پس برو» (متی 28:18 و 19) در او تمام قدرتی که از دست رفته بود به ما داده شده است
گناه

مسیح - به عنوان انسان - طعم مرگ را برای ما چشید و ما را از طریق صلیب نجات داد
لعنت. اگر با او مصلوب شویم، به همان اندازه زنده می شویم و
با او در مکان های بهشتی نشسته و همه چیز زیر پای ماست.

2- چگونه می توانیم در مکان های بهشتی بنشینیم؟ (افس. 2:6)

اگر ما این را نمی دانیم، به این دلیل است که اجازه نمی دهیم روح آن را برای ما آشکار کند. چشمها
قلب ما باید توسط روح روشن شود، «تا بدانی که چه
امید دعوت او، چه غنای جلال میراث او در قدیسان است.»
(افس. 1:18).

چهارشنبه

«اجازه نده گناه در بدن فانی تو برای اطاعت از امیال شیطانی آن سلطنت کند.»
(روم. 6:12)

در مسیح ما بر گناه اقتدار داریم، به طوری که آن را ندارد
سلطه بر ما

هنگامی که او "ما را با خون خود از گناهانمان آزاد کرد" ما را پادشاه و کاهن ساخت
به خدا و پدرش « Apoc. 1: 5) و (6 سلطه باشکوه! آزادی باشکوه! رهایی
از قدرت نفرین، حتی احاطه شدن توسط آن! رهایی قرن حاضر
شر، شهوت جسم، شهوت چشم، و غرور زندگی!
نه «شاهزاده قدرت هوا» (افس. 2:2) و نه «حاکمان این دنیای تاریک» (6:12) نمی توانند بر ما تسلط داشته باشند. این
آزادی و اختیار است که
مسیح را داشت که دستور داد: «ای شیطان برو!» (متی 4:10) و شیطان او را ترک کرد
بلافاصله. مستقیماً.

1 - مسیح ما را از گناه آزاد می کند، اما بیش از آن ما را آفرید

(1) پد. 2:9

این چنان آزادی است که هیچ چیز در بهشت یا روی زمین نمی تواند ما را مجبور به ادامه کار کند
علیه انتخابات ما خدا هرگز ما را مجبور نخواهد کرد، زیرا او کسی است که به ما آزادی می دهد. و هیچ کس دیگری خارج از
او نمی تواند ما را مجبور کند. قدرتی است بر عناصر، به طوری که
به جای اینکه توسط آنها کنترل شود، در خدمت ما قرار گیرد. ما یاد خواهیم گرفت
مسیح و صلیب را در همه جا بشناسید، تا دیگر به نفرین برای ما نیازی نباشد.
از قدرت سلامتی ما "به سرعت رشد خواهد کرد" (اشعیا، 58:8) مانند زندگی مسیح
در بدن فانی ما آشکار خواهد شد. آزادی باشکوهی مثل هیچ زبانی یا
ترجم می تواند توصیف کند

"پس محکم بایست." "به کلام یهوه آسمانها و همه آفریده شد

لشکر ایشان به روح دهان او. ارسال شد و سپس

همه چیز ظاهر شد» (مزمور 33:6 و 9).

2- همان کلمه ای که فلک پرستاره را به وجود آورد، چه چیزی به ما می آموزد؟ (2:15)

آر

"پس محکم بایست." این دستوری نیست که ما را در همان وضعیت رها کند

ناتوانی قبلی، اما تحقق واقعیت را در خود حمل می کند. بهشت نیست

آنها که توسط خودشان شکل گرفتند، به وسیله کلام خداوند به وجود آمدند.

بنابراین اجازه دهید که او مربی ما باشد. «چشمان خود را بلند کن و ببین

چه کسی این چیزها را آفرید، چه کسی ارتش ستارگان خود را آفرید، که همه آنها را با آنها می خواند

نام آنها به خاطر عظمت قدرت او» (اشعیا، 40:26) این به آن انرژی می دهد

خسته، و برای کسی که نیرو ندارد، قوت را زیاد کن» (اشعیا، 40:29)

پنج شنبه

اینک، من، پولس، به شما می گویم که اگر اجازه دهید ختنه شوید، مسیح هیچ سودی برای شما نخواهد داشت.

(غلاطیان 5:2)

درک این نکته ضروری است که این امر بسیار بیشتر از مناسک ساده است

ختنه کردن خداوند باعث شد که این رساله، که بسیار در مورد ختنه صحبت می کند، باشد

به نفع ما حفظ می شود زیرا حاوی پیام انجیل برای همه است

در روزگار ما، اگرچه ختنه یک آداب و رسوم نیست، اما در روزگار ما، موضوع هیچ کدام است

1 - چرا پولس می گوید که اگر خودمان را ختنه کنیم، مسیح به ما سودی نمی رساند؟
موضوع درگیر چیست؟ (متن زیر را با دقت بخوانید)

سؤال این است که چگونه می توان عدالت - نجات از گناه - و ارثی را که این امر مستلزم آن است به دست آورد. شامل می شود. و تنها با ایمان، پذیرش مسیح در قلب و به او اجازه می دهیم زندگی خود را در ما زندگی کند. ابراهیم این عدالت را از جانب خدا با ایمان داشت عیسی مسیح، و خدا به او ختنه را به عنوان نشانه ای از این امر داد. وجود داشت برای ابراهیم الف به معنای بسیار خاص، زمانی که تلاش می کرد مدام شکستش را به او یادآوری می کرد وعده خدا را از طریق جسم انجام دهید. سابقه این واقعیت برای ما دارد هدف یکسان این نشان می دهد که "جسم هیچ سودی ندارد" و بنابراین، چنین نیست وابستگی به آن ضروری است. اینطور نیست که ختنه شدن مسیح را بی نیاز کند منتفع شد، زیرا حتی پولس نیز چنین بود و در لحظه ای آن را مناسب دانست تیموتائوس ختنه شد (اعمال رسولان، 16:1-3) اما پولس هیچ ارزشی برای خود قائل نبود ختنه، و نه برای هیچ علامت ظاهری دیگری (فیلیسیان، 7-4: 3 و زمانی که ختنه تیتوس را شرط لازم برای رستگاری پیشنهاد کرد، نه رضایت داد (غلاطیان، 2:3-5)

چیزی که باید فقط نشانه ای از یک واقعیت از قبل موجود بود نسل های بعدی به عنوان ابزاری برای تثبیت این واقعیت در نظر گرفته شدند. بنابراین، ختنه در این رساله به عنوان نمادی از هر نوع «کار» مطرح شده است. که انسان می تواند انجام دهد، به امید دستیابی به عدالت. آنها "اعمال بدن" هستند، در تقابل با روح قرار می گیرد.

این حقیقت ثابت می شود: اگر شخصی کاری را به امید نجات انجام دهد یعنی اینکه با اعمال خود رستگاری را به دست آورد، «هیچ سودی برای او نخواهد داشت مسیح». اگر مسیح به عنوان یک نجات دهنده کامل پذیرفته نشود، او به هیچ وجه پذیرفته نمی شود. او می خواهد بگو، یا مسیح را همانگونه که هست می پذیرد، یا او را طرد می کند. غیر از این نمی تواند باشد. مسیح تقسیم نمی شود و با هیچ شخص یا چیز دیگری شرافت وجود ندارد نجات دهنده بنابراین به راحتی می توان فهمید که اگر کسی به قصد بودن ختنه شده باشد نجات یافتن از این طریق، نشان دهنده عدم ایمان به مسیح به عنوان مسیح کامل و یگانه است ناجی انسان.

2- ختنه واقعی چیست؟ (فیل. 3:3)

خدا ختنه را به عنوان نشانه ایمان به مسیح داد. یهودیان آن را منحرف کردند
تبدیل آن به جایگزینی برای ایمان. هنگامی که یک یهودی در او تجلیل کرد
ختنه، او به عدالت خود می‌بالید. این چیزی است که آیه نشان می‌دهد
چهار: «شما که توسط شریعت عادل شده اید از مسیح جدا شده اید
افتاده». پولس به هیچ وجه قانون را تحقیر نمی‌کرد، بلکه توانایی انسان را
برای اطاعت از او آنقدر قانون مقدس و با شکوه است و خواسته‌های آن چنان بزرگ است که هیچ کس
انسان می‌تواند به کمال خود برسد. فقط در مسیح عدالت ما از شریعت حاصل می‌شود.
ختنه واقعی عبارت است از پرستش خدا در روح، شادی در عیسی مسیح و نه
به جسم اعتماد کن (فیلیسیان. 3:3)

جمعه

و باز هم به هر مردی که به خود اجازه ختنه می‌دهد اعتراض می‌کنم که موظف است کل قانون را رعایت کند. شما
که به وسیله شریعت عادل شمرده شده اید، از مسیح جدا شده اید: از فیض افتاده اید. (غلاطیان 3:5 و 4)

کسی فریاد می‌زند: «اینجاست!»، «این نشان می‌دهد که قانون چیزی است که باید از آن اجتناب کرد
پولس بیان می‌کند که کسانی که ختنه شده‌اند موظف به رعایت کل شریعت هستند.
در عین حال هشدار می‌دهد که هیچ کس ختنه نشده است.»

خیلی سریع نیست دوست بیایید با دقت بیشتری به متن نگاه کنیم. توجه کنید که چه پل
در اصل یونانی (آیه 3) می‌گوید: «هر شریعتی که باید اجرا شود بدهکار است». ممکن است متوجه شوید که شر نه قانون
است و نه اجرای قانون، بلکه مدیون بودن آن است. مهم است
قدر تفاوت را بدانید داشتن غذا و لباس خوب است. بدهی رفتن تا بتوانی بخورد و بپوشد
بسیار ناراحت کننده است. و حتی غم انگیزتر داشتن بدهی و در کنار آن، نداشتن آنچه لازم است است
بخور و لباس بپوش

بدهکار کسی است که چیزی بدهکار است. کسی که مدیون قانون است، مدیون عدالت است
که او مطالبه می‌کند پس هرکسی که به قانون مدیون است تحت قانون است
لعنت.

1- چگونه کتاب مقدس کسانی را که در هر آنچه در نوشته شده است باقی نمی ماند
کتاب قانون؟ (غلاط 3:10)

بنابراین، تلاش برای به دست آوردن عدالت از راه دیگری جز از طریق ایمان به مسیح
یعنی زیر نفرین بدهکاری ابدی بودن. شما تا ابد بدهکار هستید، الف
چون او چیزی برای پرداخت ندارد. با این حال، این واقعیت که مدیون قانون است -
"مدیون تمام قانون است که باید اجرا شود" - نشان می دهد که او باید به طور کامل از آن پیروی کند.
مانند؟ "این کار خداست که به او که فرستاده است ایمان بیاورید" (یوحنا 6:29)
او اعتماد به خود را متوقف خواهد کرد و مسیح را در جسم خود دریافت و اعتراف خواهد کرد، و سپس
عدالت شریعت در او تحقق خواهد یافت، زیرا او بر اساس جسم رفتار نخواهد کرد، بلکه بر اساس
روح.

زیرا ما با روح ایمان منتظر امید عدالت هستیم. (غلاطیان 5:5)

این متن را چندین بار بخوانید اما با دقت بخوانید. آنچه را قبلاً فراموش کرده اید را فراموش نکنید
ما در مورد وعده روح مطالعه می کنیم. در غیر این صورت، شما در معرض خطر قرار می گیرید
معنی آن را اشتباه درک کنند

تصور نکنید که متن به این معنی است که با داشتن روح، باید منتظر باشیم
به دست آوردن عدالت نمی گویم که. روح عدالت را به ارمغان می آورد. «روح به خاطر زندگی می کند
عدالت» (رومیان 8:10)

2- کار روح علاوه بر محکومیت به گناه چیست؟ (یوحنا 8:16)

هر کسی که روح را دریافت می کند، به گناه اعتقاد دارد، و روح آن را به عدالت می رساند
او را وادار کرد آنچه را که نیاز دارد ببیند، و اینکه فقط روح می تواند آن را برای او بیاورد.
عدالتی که روح می آورد چیست؟ این عدالت شریعت است (رومیان 8:4) چون ما می دانیم
که شریعت روحانی است» (رومیان 7:14)

پس «امید عدالت» که از طریق روح منتظر آن هستیم چیست؟ توجه داشته باشید
که نمی گوید که از طریق روح ما منتظر عدالت هستیم. آنچه می گوید این است

«ما منتظر امید به عدالت هستیم که از ایمان حاصل می‌شود»، یعنی منتظر امید هستیم که زمانی داده می‌شود که ما این عدالت را داشته باشیم.

شنبه

پس از شنیدن کلام راستی، بشارت نجات خود، در او نیز ایستاده اید. و با ایمان به او، با روح القدس موعود مژهر شدید. کیست که وثیقه میراث ماست، برای فدیة مال به دست آمده، برای ستایش جلال او. (افس. 1:13 و 14)

اجازه دهید به طور خلاصه حافظه خود را در این مورد تجدید کنیم:

1) روح خدا «روح القدس وعده» است. مالکیت روح است
تعهد یا ضمانت وعده خداوند;

2) آنچه خداوند به عنوان فرزندان ابراهیم به ما وعده داده بود، ارث بود. روح القدس ضامن آن میراث است تا زمانی که مالکیت به دست آمده بازخرید و به ما تحویل داده شود (افس. 1:13 و 14).

3) این ارث موعود شامل آسمان های جدید و زمین جدید است که در آن عدالت (دوم پطرس); 3:13

4) روح عدالت را به ارمغان می آورد. این نماینده مسیح است، شکلی که مسیح، که عدالت ماست، در قلب ما ساکن می شود (یوحنا. 14:16-18)

5) بنابراین، امیدی که روح به ارمغان می آورد، امید به میراث در ملکوت خدا، در زمین جدید است.

6) عدالتی که روح می آورد، عدالت شریعت خداست (رومیان. 7:14؛ 8:4 روح آن را بر لوح های سنگی نمی نویسد، بلکه در دل ما می نویسد (دوم قرنتیان. 3: 3)

7) به طور خلاصه: می توان گفت که اگر به جای اینکه به اندازه کافی ایمان داشته باشیم که بتوانیم از قانون پیروی کنیم، اجازه دهیم روح در قلب ما ساکن شود و بدین ترتیب ما را از عدالت شریعت پر کند، امید زنده خواهیم داشت. در درون ما امید روح - امید به عدالت از طریق ایمان - هیچ عنصر عدم اطمینان ندارد. به طور مثبت ایمن است. در هیچ چیز دیگری امید نیست. هر کس «عدالتی را که از جانب خدا به وسیله ایمان می آید» ندارد (فیلسیان 9؛ 3: رومیان 23) از هرگونه امید محروم می شود. فقط مسیح در ما "امید جلال" است (کولسیان. 1:27)

زیرا در عیسی مسیح نه ختنه و نه ختنه هیچ ارزشی ندارد. ولی

بله، ایمانی که از طریق عشق عمل می کند. (غلاطیان 5:6)

کلمه ای که در اینجا به عنوان "ارزش" ترجمه شده است همان ترجمه "می" است. «می‌توانست» یا «می‌توانست»، به ترتیب در لوقا، 13:24 اعمال رسولان 15:10 و 6:10 که در فیلیپیان 13:4 همین کلمه ترجمه شده است: "من می‌توانم همه چیز را به وسیله او انجام دهم تقویت می‌کند." بنابراین لازم است متن را این گونه فهمید: «ختنه نمی‌تواند هیچ کاری انجام دهید، حتی ختنه نکردن. فقط ایمانی که -کار از طریق عشق -می‌تواند ایجاد کند آتی. " و این ایمان که از طریق عشق عمل می‌کند فقط در عیسی یافت می‌شود.

اما نه ختنه و نه ختنه نشدن چه چیزی را می‌تواند انجام دهد؟ بیشتر نه، کمتر از قانون خدا نیست. در دسترس هیچ مردی، هر چه باشد، نیست حالت یا شرایط ختنه نشده قدرت حفظ قانون و ختنه را ندارد نمی‌تواند به شما در انجام این کار کمک کند. شخص ممکن است به ختنه خود ببالد و یکی دیگر از ختنه نشدن او، اما هر دو بیهوده. با اصل ایمان «حذف می‌شود» (روم. 13:27) از آنجایی که فقط ایمان عیسی می‌تواند عدالت شریعت را برآورده کند، وجود ندارد برای ما باقی نمانده که به آنچه "کرده ایم" ببالیم. مسیح همه چیز است در همه

این اقلیت از طرف کسی که با شما تماس گرفته نیست.

کمی خمیر مایه کل کلوچه را خمیر می‌کند.

من به تو، در خداوند، اعتماد دارم که چیز دیگری احساس نخواهی کرد. اما اونی که بی‌قرار، هر که باشد، محکوم خواهد شد.

اما من ای برادران، اگر هنوز ختنه را موعظه می‌کنم، چرا مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرم؟ به زودی، رسوایی صلیب نابود شد.

من دوست دارم کسانی که شما را اذیت می‌کنند مثله شوند. (غلاطیان 5:8 الف

12)

شریعت خدا حقیقت است (مزمور 119:142 و برادران غلاطیه شروع به از او اطاعت کن در ابتدا موفقیت آمیز بود، اما بعدها پیشرفت آنها متوقف شد. "چرا؟ زیرا با ایمان از آن پیروی نکردند، بلکه با اعمال آن را دنبال کردند. به همین دلیل آنها تصادفاً «روی سنگ مانع» (رومیان 9:32) مسیح راه، حقیقت و زندگی است و در او وجود ندارد تلو تلو خوردن. در او کمال شریعت یافت می‌شود، زیرا زندگی او قانون است.

1- حقیقت چیست؟ (مصور 119:142) (یوحنا 14:6)

11 اطاعت از حقیقت

آیه طلایی: خوب دویدی. چه کسی تو را از اطاعت حق بازداشت؟ (غلاطیان 5:7)

برای مدیتیشن: بسیاری فکر می کنند که باید بخشی از کار را انجام دهند تنها. آنها برای آموزش گناه به مسیح اعتماد کرده اند، اما اکنون به دنبال آن هستند با تلاش خودت درست زندگی کن اما هر تلاشی از این نوع خواهد بود "شکست در فیض، گشای «بلون و نه هیچ مکاری» همه می توانید انجام دهید." اتحاد ما با مسیح بستگی دارد. برای اشتراک است با او، روزانه، ساعتی - با ماندن در او - باید در فیض رشد کنیم. او نه تنها نویسنده، بلکه تکمیل کننده ایمان ماست. برای مسیح است

اول، آخر و همیشه (گام به مسیح - ص. 89)

یکشنبه

صلیب نماد بدبختی است و همیشه بوده است. مصلوب شدن قرار بود در معرض قرار گرفتن باشد ننگین ترین مرگ شناخته شده رسول فرمود که اگر ختنه (یعنی اعمال صالح) موعظه می شد، وجود داشت "رسوایی صلیب" از بین رفت (غلاطیان 5:11). رسوایی صلیب این است که صلیب اعتراف به ضعف و گناه انسان و ناتوانی مطلق اوست نیکی کردن برداشتن صلیب مسیح، برای همه چیز فقط به او وابسته است که منجر به ذلت تمام غرور انسان می شود. انسان دوست دارد احساس کند مستقل و مستقل. اما با میخ زدن صلیب معلوم می شود که در انسان وجود ندارد زندگی خوب و اینکه همه چیز را باید به عنوان هدیه دریافت کرد. سپس کسانی خواهند بود که بلافاصله احساس توهین کنید

- 2 چرا برادران غلطیه از اطاعت حقیقت دست کشیدند؟ (روم، 9:32)

13 زیرا شما ای برادران به آزادی فرا خوانده شده اید. پس از آزادی خود برای دادن فرصت به جسم استفاده نکنید. بلکه از طریق صدقه به یکدیگر خدمت کنید.

14 زیرا تمام شریعت در یک کلمه تحقق می‌یابد: همسایه خود را مانند خود دوست بدار. (غلاطیان 13: 5 تا 14)

دو فصل قبل به برده داری و زندان اشاره دارد. قبل از
بیایید ایمان بیاورید که در زیر گناه «زندانی» شده بودیم. ما بدهکار قانون بودیم. ایمان از
مسیح ما را آزاد کرد، اما وقتی آزاد می شویم این هشدار را دریافت می کنیم:
«برو و دیگر گناه مکن» (یوحنا 8:11) ما از گناه آزاد شده ایم، نه
در رهایی از گناه چند نفر از این موضوع گیج شده اند!
بسیاری از افراد مخلص تصور می کنند که در مسیح ما در آزادی نادیده گرفتن هستیم
و از شریعت سرپیچی کنید و فراموش کنید که تخطی از شریعت گناه است (اول یوحنا 3:4) راضی کردن
جسم برای ارتکاب گناه است: «زیرا ذهن جسمانی دشمنی با خداست.
نه تابع شریعت خداست و نه می تواند باشد» (رومیان 7: 8) ما رسول
به ما هشدار می دهد که از آزادی ای که مسیح به ما می دهد سوء استفاده نکنیم و دوباره به آن بیفتیم
بردگی از طریق تخطی از قانون در عوض، هرکدام باید به خودمان خدمت کنیم
همسایه، زیرا عشق تحقق شریعت است.

دوشنبه

اما کسی که با دقت به قانون کامل آزادی بنگرد و در آن استقامت کند، نه اینکه شنونده فراموش شده باشد، بلکه انجام
دهنده کار باشد، او در عمل خود برکت خواهد داشت. (یعقوب 1:25)

مسیح به ما آزادی از سلطه اول می دهد. اما به یاد داشته باشید که خدا داده است
سلطه بر نسل بشر، و اینکه در مسیح همه پادشاه شوند. این بدان معنی است که
تنها انسانی که یک مسیحی می تواند بر او تسلط داشته باشد، خودش است. چیست؟
بزرگ در پادشاهی مسیح کسی است که بر روح خود حکومت کند.
ما به عنوان پادشاهان، رعایای خود را در طبقات پایین موجودات مخلوق می یابیم
عناصر و در بدن خودمان، اما هرگز در هموعان ما. به اینها داریم
برای خدمت. حتی زمانی که هنوز بودیم، باید ذهنی که در مسیح بود، در ما وجود داشته باشد
در بارگاه های ملکوتی بهشتی، «به شکل خدا» بود و باعث شد که او به شکل
خادم (فیلیپیان 2:5-7) این را در هنگام شستن پاهای خود نیز به این شکل نشان داد
شاگردان با آگاهی کامل از پروردگار و استاد بودنشان که از جانب خدا آمده اند و
رفتن به سوی خدا (یوحنا 13:3-13) بیشتر از آن، زمانی که تمام مقدسین رستگار شده

خود را در جلال ظاهر می کنند، خود مسیح کمربند خود را می بندد، آنها را دعوت می کند تا بر سر سفره بنشینند، و به آنها خدمت کنید (لوقا، 12:37)

1- چگونه قانون را رعایت کنیم؟ (رومیان 3:10)

بزرگترین آزادیها در خدماتی است که به همسایگانمان انجام می‌دهیم از عیسی. بزرگترین آن کسی است که بزرگترین خدمت را ارائه می کند (نه بزرگترین خدمت بر اساس جهان، بلکه آنچه در پایین ترین حد خود دارد). به این ترتیب از عیسی می آموزیم که پادشاه پادشاهان و پروردگار اربابان است، زیرا خود را خادم همه می کند و خدماتی که هیچ کس نمی توانست یا نمی خواست انجام دهد. همه بندگان خدا پادشاه هستند.

2 - به عنوان پادشاهان و کاهنان مسیح، چگونه باید خود را در برابر مسیح بدانیم برادران و همسایگان ما؟ (متی 20:27)

عشق تحقق قانون است

عشق جایگزین اجرای قانون نیست، بلکه کمال آن است. "عشق به دیگران آسیب نمی رساند؛ پس محبت تحقق شریعت است" (رومیان 13:10) اگر یکی می گوید: من خدا را دوست دارم، برادرش را اذیت می کند، دروغگو است. زیرا کسی که او برادر خود را که می بیند دوست ندارد، نمی تواند خدایی را که نمی بیند دوست داشته باشد. (اول یوحنا 4:20) وقتی انسان همسایه خود را دوست دارد، باید به این دلیل باشد که خدا را دوست دارد. "عشق از خدا،" «زیرا خدا محبت است» (اول یوحنا 7: 4 و 8) پس عشق حیات خداست. اگر که زندگی در ماست و ما به آن دوره رایگان می دهیم، قانون لزوما در ما خواهد بود، زیرا زندگی خدا قانون همه خلقت است. «ما از این طریق عشق را می شناسیم: آن مسیح او جان خود را برای ما داد. و ما باید جان خود را در راه برادران خود فدا کنیم» (اول یوحنا 3:16)

عشق فقدان خودخواهی است

از آنجایی که عشق به معنای خدمت است -انجام کاری برای دیگران -واضح است که عشق توجه را روی خودش متمرکز نمی کند. تنها چیزی که دوست دارد به آن فکر می کند این است که چگونه می تواند برای دیگران نعمت باشد

دقیقاً در این نکته حیاتی است که بسیاری اشتباه می کنند. خوش به حال کسانی که خطای خود را بشناسید و به درک و تمرین عشق واقعی بازگردید. عشق "به دنبال منافع خود نیست". بنابراین، عشق به خود عشق نیست، در الف هیچ یک. این چیزی جز یک جعل زشت نیست. با این حال، بسیاری از آنچه جهان می نامد عشق در واقع عشق به دیگران نیست، عشق به خود است.

سهشنبه

عشق صبور است، مهربان است. عشق از حسادت نمی سوزد، لاف نمی زند، متکبر نیست، رفتار ناشایست نمی کند، به دنبال خود نمی گردد، برانگیخته نمی شود، از شر کینه نمی ورزد» (اول قرنتیان 4: 13 و 5).

حتی آنچه باید بالاترین شکل عشق شناخته شده روی زمین باشد، نوع عشقی که خداوند برای نشان دادن عشق خود به قومش استفاده کرد، عشق میان زن و شوهر، اغلب خودخواهی بیشتر از عشق واقعی است. ترک از ازدواج‌هایی که با هدف مشخص کسب ثروت یا موقعیت منعقد می‌شوند کنار بگذارید در جامعه، در بسیاری از موارد، نامزدهای ازدواج بیشتر به فکر خود هستند خوشبختی نسبت به خوشبختی دیگری عشق اصیل و خالی از خودخواهی در وجود دارد همان نسبت شادی اصیل این درسی است که دنیا دیر یاد می گیرد. فرا گرفتن. شادی واقعی تنها زمانی پیدا می شود که انسان از راه رفتن دست بردارد در جستجوی خود، و خود را وقف یافتن آن برای دیگران می کند.

عشق هرگز از بودن باز نمی ایستد

بار دیگر خود را با این شاخص روبرو می‌شویم که بسیاری از آنچه به عنوان عشق شناخته می‌شود در واقعیت نیست. عشق هرگز از عشق بودن باز نمی ایستد. این یک بیانیه است. طبقه بندی شده: هرگز. هیچ استثنایی وجود ندارد و شرایط نمی تواند آن را تغییر دهد. ما اغلب در مورد عشق هایی می شنویم که سرد می شوند، اما این چیزی است که هرگز اتفاق نمی افتد. می تواند برای عشق واقعی اتفاق بیفتد عشق واقعی همیشه گرم و فعال است. هیچ چیز نمی تواند فونت های شما را مسدود کند. تغییر ناپذیر و غیر قابل تغییر است، به این دلیل ساده که زندگی خداست. هیچ عشق واقعی دیگری، غیر از عشق الهی وجود ندارد. بنابراین، تنها این امکان وجود دارد که عشق واقعی بین مردان ظاهر شود توسط روح القدس در قلب آنها ریخته شد.

- 1 چرا می توانم مطمئن باشم که می توان برادران و خواهران خود را با عشق واقعی دوست داشت؟
عشق فداکار؟ به زمان فعل موجود در متن توجه کنید. (روم. 5:5)

وقتی کسی عشق خود را به دیگری ابراز می کند، معمولاً این سؤال را دریافت می کند: «چرا که تو مرا دوست داری؟» انگار کسی می تواند دلایلی برای عشق ورزیدن ارائه دهد! عشق مال دوست دلیل خود اگر کسی که دوست دارد بتواند دلیل بیاورد، این نشان می دهد که او دوست ندارد واقعا هر چه به عنوان دلیل ذکر شود، به مرور زمان، این فرض شده است عشق ناپدید خواهد شد اما "عشق هرگز از بودن متوقف نمی شود". بنابراین، نمی تواند به آن بستگی داشته باشد موقعیت. تنها پاسخی که می توان به چرایی دوست داشتن ما داد این است: برای عشق. O عشق دوست دارد، به سادگی، زیرا عشق است. عشق صفت کسی است که عاشق است. عشق زیرا او بدون توجه به شخصیت شی مورد علاقه، عشق دارد.

ما از حقیقت آنچه گفته شد، قدردانی می کنیم، زیرا به خدا، منبع عشق می رسیم. او عشق است. زندگی شما عشق است اما نمی توان درباره وجود او توضیحی داد. آ

بزرگترین تصور انسان از عشق عبارت است از دوست داشتن به این دلیل که ما را دوست دارند یا به این دلیل شی معشوق عشق را در ما القا می کند. اما خداوند آنچه را که منظور است دوست دارد. او عاشق چه کسی است از او متنفر است. «زیرا ما نیز زمانی نادان، نافرمان، گمراه بودیم، بردگان انواع هوس ها و لذت ها، زندگی در کینه تیزی و حسادت، نفرت انگیز و از هم متنفر بودن اما وقتی مهربانی خدا ظاهر شد نجات دهنده ما و محبت او به همه، نه با اعمال عدالت انجام شده توسط ما را، اما بر حسب رحمت خود ما را از طریق شستن زاد و ولد نجات داد تجدید کننده روح القدس» (تیطوس 3: 3-5) «زیرا اگر کسانی را که دوستت دارند دوست داشته باشی، چه آیا شما پاداشی دارید؟ آیا باجگیران نیز همین کار را نمی کنند؟ (متی 5:46)

- 2 با ریختن محبت خود بر ما، هدف خدا چیست؟ (متی 5:48)

"محبت با همسایه خود بدی نمی کند" (روم، 13:10 بعدی یعنی همه که نزدیک است، بنابراین، عشق به همه کسانی که با آنها در تماس هستیم گسترش می یابد. فقط کسی که همه را دوست دارد دوست دارد.

از آنجایی که عشق به دیگران آسیبی نمی رساند، عشق مسیحی (که همانطور که دیدیم همین است تنها عشقی که وجود دارد) جنگ و دعوا را نمی پذیرد. وقتی سربازها پرسیدند یحیی بپتیبست چه کاری باید انجام دهند تا پیروان بره خدا باشند، پاسخ داد:

"به کسی آسیب نرسانید" (لوقا، 3:14) با این کار چقدر می شد از جنگ جلوگیری کرد!

اگر ارتشی از مسیحیان، از پیروان واقعی مسیح، در همان زمان تشکیل می شد با دشمن ارتباط برقرار می کردند، به جای تیراندازی، می دیدند که چگونه می توانند به یکدیگر کمک کنند.

«اگر دشمن تو گرسنه است، به او غذا بده. اگر تشنه است به او چیزی بنوشید. چرا،

با این کار زغال های سوزان را روی سر او انباشته خواهید کرد.»

15 اما شما همدیگر را گاز می گیرید و می خورید، مواظب باشید که خود را نخورید.

همچنین به یکدیگر.

16 اما من می گویم، در روح سیر کنید و شهوت جسم را برآورده نخواهید کرد.

17 زیرا جسم با روح و روح با جسم می جنگد. و اینها مخالفند

یکدیگر: مبادا هر چه می خواهید انجام دهید.

18. "زیرا اگر توسط روح هدایت می شوید، تحت شریعت نیستید."

غلاطیان با پیروی از نصایح بد و کنار گذاشتن سادگی ایمان

خود را تحت لعنت قرار می دادند و در خطر محکوم شدن بودند

به آتش ابدی «زبان آتش است. دنیایی از گناه است. زبان بین

اعضای بدن ما را آلوده می کند و کل بدن را آلوده می کند و نه تنها کل بدن را می سازد

حرفه وجودی انسان است، اما خود توسط آن به آتش کشیده می شود

جهنم» (یعقوب، 6: 3)

زبان زبان بیشتر از شمشیر بوده است، زیرا دومی اینطور نیست

بدون زبان متلاطم پشت آن غلاف کند. "هیچ مردی نمی تواند

زبان را رام کن» اما خدا این کار را می کند. او این کار را با غلاطیان در زمانی که دهان آنها انجام داده بود

صلوات و حمد می گفتند، اما حالا چه تغییر شگفت انگیزی! مانند

در نتیجه تدریسی که اخیراً دریافت کرده بودند، از آنجا پایین آمده بودند

برکت برای نزاع آنها به جای ساختن یکدیگر، در شرف ساختن یکدیگر بودند

خوردن.

چهارشنبه

اجازه نده که بر خود چیره شوی، بلکه با نیکی بر شر غلبه کن» (رومیان، 12:21)

وقتی در کلیسا اختلافاتی وجود دارد، می توانیم مطمئن باشیم که انجیل آنجاست متأسفانه منحرف شده است مبدا کسی به راستی و استواری خود در ایمان مباحثات کند در حالی که تمایل به مشاجره دارد، یا زمانی که میل به تحریک دارد آنجا. نزاع و اختلاف، نشانه انحراف از ایمان است در مقطعی داشته است. «ما با ایمان عادل شدیم، با خدا در صلح هستیم. بوسیله خداوند ما عیسی مسیح» (رومیان، 5:1)

ما نه تنها با خدا در صلح خواهیم بود، بلکه صلح او را نیز خواهیم داشت. بنابراین، این جدید «اقناع» که به درگیری منجر شده بود و در آن یکدیگر را می بلعیدند زبانهایی که در آتش شیطانی بالا رفتند، از جانب خدایی که آنها را به سوی آن دعوت کرده بود، نیامدند انجیل

1- جمله را کامل کنید:

پس زبان نیز عضوی کوچک است و به چیزهای بزرگ می بالد

_____ (یعقوب 3:5)

یک قدم اشتباه می تواند به یک واگرایی بزرگ ختم شود. دو خط از قطار ممکن است در ابتدا موازی به نظر برسد، اما به زودی به طور نامحسوسی شروع به واگرایی می کنند تا در نهایت به جهت مخالف منتهی شود. "کمی مخمر کل را تخمیر می کند پاستا". یک خطای کوچک، هرچند ناچیز به نظر می رسد، حاوی میکروب است همه بد «کسی که کل شریعت را نگه دارد و در یک نقطه لغزش کند، گناهکار است همه آن را» (یعقوس 2:10) یک اصل نادرست گرامی باعث نابودی کل خواهد شد زندگی و شخصیت روباه های کوچک در تاجکستان گم می شوند.

19 زیرا اعمال بدن آشکار است که عبارتند از: زنا، ناپاکی،

شهوت،

20 بت پرستی، جادوگری، دشمنی، نزاع، حسادت، غضب، نزاع، اختلاف، بدعت،

21 حسادت، قتل، مستی، پرخوری و چیزهایی از این قبیل

که من به شما اعلام می کنم، همانطور که قبلاً به شما گفتم، کسانی که چنین کارهایی را انجام می دهند، انجام نمی دهند آنها پادشاهی خدا را به ارث خواهند برد.

این فهرستی نیست که گوش دادن به آن لذت بخش باشد، و با این وجود، به دور از جامع بودن است.

که رسول می افزاید: «و امثال آن». چیزی که ارزش ارتباط با آن را دارد

این اعلامیه که "کسانی که چنین کارهایی را انجام می دهند وارث ملکوت خدا نخواهند شد."

این فهرست را با فهرستی که خداوند در مرقس 21: 7 تا 23 ارائه می دهد، مقایسه کنید

چیزهایی که از درون انسان، از دل بیرون می آید. آنها متعلق به انسان هستند

طبیعت اکنون هر دو فهرست را با فهرست رومیان 28: 1 تا 32 مقایسه کنید و به اعمال اشاره کنید

از مشرکانی که نمی خواستند خدا را بشناسند. در واقع این چیزها هستند که می سازند

که خداوند را نمی شناسند.

اکنون این فهرست گناهان را در مقایسه با آنچه پولس در دوم ارائه می کند، بررسی کنید

تیموتائوس 1: 3 تا 5، این بار کارهای کسانی را که در روزهای آخر فقط "شکلی از خداپرستی" خواهند داشت، برمی شمرد.

شایان ذکر است که این چهار لیست در

ذات یکسان است و وقتی انسانها از حقیقت انجیل که قدرت است دور می شوند

خداوند برای نجات همه کسانی که ایمان آورده اند، ناگزیر تحت الشعاع قرار می گیرند

قدرت این گناهان

پنجشنبه

زیرا هنگامی که خدا را شناختند، او را به عنوان خدا جلال ندادند و به او ندادند

لطف کرد، اما در سخنانشان محو شد و دل احمقانه آنها شد

پنهان شده است. با ادعای عاقل بودن، دیوانه شدند. (رومیان 1: 1 و 22)

- 1 رسول به ما توصیه می کند که چه کار کنیم تا از گناهان جسم دوری کنیم؟ (کولسیان 5: 3)

R_____

"فرقی نداره". همه انسانها در یک بدن مشترکند (اول قرنیتیان، 15: 39)

زیرا هر ساکن زمین از نسل یک زوج است: آدم و حوا.

از طریق یک انسان به جهان وارد شد» (روم. 12: 5 بنا بر این، هر گناهی که باشد

در جهان وجود دارد، برای همه انسانها مشترک است. در طرح نجات «هیچ تفاوتی بین آنها وجود ندارد

یهودی و یونانی؛ زیرا یکی پروردگار همه است و نسبت به همه سخاوتمند است

تماس بگیرید» (رومیان 24: 3-21؛ 10: 12؛ هیچ کس روی زمین نمی تواند در برابر دیگری به خود بیبالد و نه می تواند

کوچکترین حقی برای تحقیر او به خاطر وضعیت گناه آلود و پستش. آ

تایید یا آگاهی از رذیلت آشکار در هر کسی، به دور از ایجاد ما

احساس خوبی داشته باشیم (به دلیل اخلاق برترمان)، باید ما را سرشار از غم کند و

شرم این چیزی بیش از یادآوری واقعیت ماهیت انسانی ما نیست. به آثاری که در آن قاتل، مست یا آزاده نشان داده می‌شوند، صرفاً همان آثار هستند از گوشت خودمان گوشتی که بشر به اشتراک می‌گذارد، حاوی گوشت دیگری نیست تمایلی غیر از اعمال شیطانی که در بالا توضیح داده شد.

برخی از کارهای جسمانی به طور کلی بسیار بد بودن یا حداقل در نظر گرفته می‌شود حداقل، غیر قابل ارائه؛ از سوی دیگر، دیگران معمولاً خود را مقصر گناه می‌دانند قابل بخشش، زمانی که فضایل اعلام نشده است. این عبارت را به خاطر بسپارید: «و چیزها مشابه» که نشان می‌دهد همه موارد ذکر شده اساساً یکسان هستند. کتاب مقدس اعلام می‌کند که نفرت قتل است. "هرکس از برادرش متنفر باشد قاتل است" (اول یوحنا 3:15) همانطور که کلمات نشان می‌دهند حتی عصبانیت نیز به همان اندازه قتل است از ناجی در متی 22، 21:5 حسادت، که بسیار رایج است، شامل آدم‌کشی. اما چه کسی حسادت را گناه می‌داند؟ دور از در نظر گرفتن جامعه ما به عنوان بسیار گناهکار آن را تشویق می‌کند. اما کلام خدا به ما اطمینان می‌دهد که در همان کلاس زنا، زنا، قتل و مستی، و اینکه کسانی که چنین کارهایی می‌کنند، وارث ملکوت خدا نخواهند بود. آیا این نیست چیزی وحشتناک؟

2- چرا حسادت اینقدر خطرناک است؟ نتیجه این احساس در ابتدا چه بود از تاریخ بشر؟ (پیدایش 5:4 تا 8)

عشق به خود، میل به برتری، سرچشمه همه گناهان است که ذکر شد. جنایات بیشماری از آنها سرچشمه گرفته است. ساخت و سازها مکروهات بدن جایی است که کمترین شک را می‌توان داشت. هر جا که هست پیدا می‌شوند گوشت انسان، و هر گاه این گوشت نباشد، خود را به گونه‌ای نشان می‌دهند مصلوب شدن "گناه بر در است" (پیدایش 4:7).

تضاد بین جسم و روح. گوشت هیچ وجه اشتراکی با آن ندارد روح خدا «آنها با یکدیگر مخالفت می‌کنند»؛ یعنی با آنتاگونیسم معمولی عمل می‌کنند دو دشمن هر کدام از آنها به دنبال فرصتی برای شکست دادن دیگری هستند. گوشت است فساد. نمی‌تواند ملکوت خدا را به ارث ببرد، زیرا فساد وارث بی فساد نیست (اول قرنتیان 15:50) تبدیل شدن جسم غیرممکن است. او باید به صلیب کشیده شود.

«ذهن نفسانی دشمنی با خداست، زیرا تابع قانون خدا نیست، در واقع، می تواند باشد. بنابراین، کسانی که بر اساس جسم زندگی می کنند، نمی توانند خشنود باشند خدا» (روم. 7: 8 و 8).

در اینجا توضیحی است در مورد پسرقت غلطیان و مشکلی که گریبان بسیاری را گرفته است مسیحی زندگی می کند. غلطیان در روح شروع کرده بودند، اما اکنون به دنبال رسیدن به آن بودند کمال از طریق جسم (غلطیان). (3:3 چیزی به اندازه رسیدن به ستاره ها با حفاری غیرممکن است گالری ها در زمین به همین ترتیب، بسیاری سعی می کنند که نیکو کنند؛ اما چرا هنوز نه اگر آنها قاطعانه و کاملاً تسلیم روح شده باشند، نمی توانند آنطور که می خواهند عمل کنند. O روح با آنها می جنگد و کنترل نسبی را به دست می آورد. حتی در برخی گاهی اوقات آنها به طور کامل تسلیم روح می شوند که تجربه ای غنی برای آنها به ارمغان می آورد. ولی سپس با روح روبرو می شوند. این گوشت کنترل را در دست می گیرد و به نظر می رسد که افراد دیگر هستند. آنها گاهی تسلیم ذهن روح می شوند و گاهی به ذهن جسم (رومیان. 6: 8 و از این بنابراین، از آنجایی که ذهن ضعیفی دارند، در همه راههای خود ناپایدار هستند (یعقوب. 8: 1: این یک وضعیت بسیار نامناسب است.

جمعه

"زیرا اگر شما توسط روح هدایت می شوید، تحت شریعت نیستید" (غلطیان. 5:18)

روح و شریعت

می دانیم که شریعت روحانی است، اما من جسمانی هستم و به قدرت گناه فروخته شده ام» (روم. 7:14).
جسم و روح تضاد را حفظ می کنند. اما در برابر ثمرات روح، «نه شریعت وجود دارد» (غلطیان 5:22 و 23) پس شریعت بر خلاف اعمال جسمانی است. ذهن نفسانی «نمی‌کند تابع شریعت خدا»، پس کسانی که در جسم هستند نمی توانند خدا را خشنود سازند، زیرا تحت قانون هستند.» این به وضوح نشان می دهد که "تحت قانون" بودن یک است متخلف او "شریعت روحانی است"، بنابراین، کسانی که توسط روح هدایت می شوند، هستند در هماهنگی کامل با قانون، به طوری که آنها تحت آن نیستند.

1- اگر من تحت فیض باشم نه شریعت، آیا گناه بر من مسلط است؟ (روم. 6:14)

یک بار دیگر می بینیم که بحث این نبود که آیا حفظ آن ضروری است یا خیر یا نه قانون، بلکه چگونه باید حفظ شود. غلطیان در حال فرار بودند

با آموزه های چارلوس کننده ای که آنها می توانند برای خود به دست آورند، در حالی که رسول منصوب الهی به شدت تأکید کرد که ما می توانیم آن را حفظ کنیم فقط از طریق روح او از طریق کتاب مقدس داستان ابراهیم را نشان داد و همچنین از تجربه خود غلطیان. آنها در روح شروع کرده بودند، و در حالی که آنها به آن ادامه دادند، آنها خوب می دویدند. اما هنگامی که روح را با خود جایگزین کردند، آنها بلافاصله شروع به نمایش آثار خلاف قانون کردند.

خدا عشق است؛ عشق تحقق شریعت است. قانون معنوی است بنابراین، همه آن که روحانی است، باید تسلیم عدل خدا شود. این عدالتی است که «گواهی داد شریعت» (رومیان، 3:21) اما فقط با ایمان عیسی مسیح به دست آمد. آنچه توسط روح رهبری می شود شریعت را نه به عنوان شرط دریافت روح، بلکه در نتیجه حفظ خواهد کرد از دریافت آن

ما افرادی را می شناسیم که ادعا می کنند روحانی هستند. آنها چنین احساسی دارند کاملاً توسط روح هدایت می شوند و معتقدند که نیازی به رعایت شریعت ندارند. اقرار کردن آن را حفظ نکنید، بلکه باور کنید که این روح است که به آن منتهی می شود. بنابراین - آنها می گویند - نه ممکن است گناه باشد، هر چند مخالف قانون باشد. این اشتباه می کند مهلک جایگزین کردن ذهن روح با ذهن جسمانی خود. گوشت را گنج کنید با روح و خود را به جای خدا. سخن گفتن بر خلاف شریعت خدا، مخالفت با آن است روح.

2- چرا به خدا نیاز دارم که چشمان روحانی مرا بگشاید؟ (مصور، 119:18)

22 اما ثمره روح محبت، شادی، صلح، صبر، مهربانی است،

نیکی، ایمان، فروتنی، اعتدال.

23 در برابر این چیزها هیچ قانونی وجود ندارد.

اولین میوه روح محبت است و عشق تحقق شریعت است» (روم).

13:10 شادی و آرامش در پی آن است، زیرا «ما با ایمان عادل شدیم

در صلح با خدا.» «و نه تنها این، بلکه ما در خدا برای خود تجلیل می کنیم

خداوند عیسی مسیح» (روم، 11، 1، 5: مسیح مسح روح القدس را دریافت کرد (اعمال رسولان

(10:38 یا)، همانطور که در جای دیگر می خوانیم، «با روغن شادی» (عبرانیان. (1:9 خدمات برای خدا خدمتی لذت بخش است. پادشاهی خدا «عدالت و سلامتی و شادی بوسیله روح است مقدس» (رومیان. (14:17 کسی که از مصیبت شادی نمی کند، چنان که در آن شادی کرد سعادت، به این دلیل است که شما هنوز خداوند را آنطور که باید نمی شناسید. سخنان از مسیح به شادی کامل منجر می شود (یوحنا. (15:11

عشق، شادی، صلح، بردباری، صبر، سخاوت، وفاداری، ادب، خودکنترلی، خود به خود از قلب پیرو واقعی بیرون خواهد آمد مسیح. هیچ کس نمی تواند آنها را به زور بدست آورد. اما آنها به طور طبیعی در ما زندگی نمی کنند. وقتی با موقعیتی خشمگین روبرو می شویم، چیزی که برای ما طبیعی است خشم و عصبانیت است، نه مهربانی و استعفا به تضاد بین کارهای بدن و میوه توجه کنید روح: اولین ها به طور طبیعی می آیند، اما برای تولید میوه خوب، ما باید کاملاً به موجودات جدیدی تبدیل شویم: «انسان خوب، از خوبان خزانه دل خیر می آورد» (لوقا. (6:45 خوبی از هیچ مردی نمی آید، بلکه از روح مسیح که دائماً در انسان ساکن است.

شنبه

و کسانی که به مسیح عیسی تعلق دارند، جسم را با احساسات و امیالش مصلوب کرده اند. (غلاطیان 5:24)

پیرمرد ما با او مصلوب شد، به طوری که بدن گناه نابود شوند تا دیگر برده گناه نباشیم. زیرا آنچه هست مرده، او از گناه آزاد است (رومیان 6: 6 و 7). «من قبلاً با مسیح مصلوب شده ام. و زنده، دیگر من نیستم، بلکه مسیح در من زندگی می کند. و زندگی ای که اکنون در جسم زندگی می کنم با ایمان به آن زندگی می کنم پسر خدایی که مرا دوست داشت و خود را برای من داد» (غلاطیان. (2:20 این هست تجربه هر فرزند واقعی خدا «اگر کسی در مسیح باشد، تازه است مخلوق» (دوم قرنیتیان. (17: 5 اما او مطابق ظاهرش در جسم زندگی می کند، اما او دیگر بر اساس جسم زندگی نمی کند، بلکه بر اساس روح زندگی می کند (رومیان. (9: 8 او در جسم زندگی می کند که جسمانی نیست و جسم بر او قدرتی ندارد. با در مورد اعمال جسم، او مرده است.

11- اگر مسیح در ماست، تکلیف بدن جسمانی ما چه می شود؟ (روم. (8:10

125 اگر در روح زندگی می کنیم، در روح نیز گام برداریم.

26 طمع مباحات، تحريك يکديگر، حسادت به يکديگر نداشته باشیم

از يکديگر.

آيا در اينجا تردیدی وجود دارد که پولس معتقد بود که مسیحی در روح زندگی می کند؟ خير

هیچ سایه شکی نیست. از آنجایی که ما در روح زندگی می کنیم، باید تسلیم روح باشیم. تنها با قدرت روح است - همان روح که

اصل بر چهره پرتگاه حرکت کرد و نظم را از هرج و مرج برقرار کرد - که

همه می توانند زندگی کنند «روح خدا مرا آفرید و نفخه قادر مطلق

از زندگی." (ایوب). (33:4) همان روح آسمانها را ساخت (مزمور). (33:6) روح خدا حیات جهان هستی است. این حضور ابدی خداست که در

آن زندگی می کنیم و حرکت می کنیم و

ما وجود داریم» (اعمال رسولان). (17:28) ما برای زندگی به روح وابسته هستیم. بنابراین، ما باید

در او راه بروید و توسط او هدایت شوید.

چه زندگی شگفت انگیزی در دسترس ما قرار گرفته است! زندگی در جسم، گویی گوشت

روح بود اگر جسم طبیعی وجود داشته باشد، بدن روحانی نیز وجود دارد. "اما اول نیست

معنوی، اما طبیعی؛ سپس روحانی» (اول قرنطیان). (46، 15:44) بدن طبیعی است

که الان داریم همه پیروان واقعی مسیح، روحانی را در خود دریافت خواهند کرد

رستخیز (اول قرنطیان). (50-53، 15:42-44) با این حال، در این زندگی، در بدن طبیعی،

انسان باید روحانی باشد: باید مانند بدن روحانی آینده خود زندگی کند. "تو نمی کنی

شما بر اساس جسم زندگی می کنید، اما بر اساس روح، اگر واقعاً روح انسان باشد

خداوند در شما ساکن است» (رومیان). (8:9)

«آنچه از بدن متولد می شود، گوشت است. و آنچه از روح مولود می شود روح است» (یوحنا). (6: 3) برای

تولد طبیعی ما وارث تمام بدی هایی هستیم که در این فصل پنجم برشمرده شده است

غلاطیان، «و امثال آن». ما نفسانی هستیم. فساد در ما حاکم است. از طریق

از تولد جدید، ما وارث کامل بودن خدا هستیم. و تبدیل به "شرکت کنندگان در

فطرت الهی پس از رهایی از فسادى که در دنیا به خاطر آن است

شهوت» (دوم پطرس). (1:4) «پیرمرد، فاسد از فریبکاری خود

آرزوها» (افس). (4:22) مصلوب شده است «تا بدن گناه از بین برود، پس

باشد که دیگر برده گناه نباشیم» (رومیان). (6:6)

ماندن در روح، راه رفتن در روح، جسم با شهواتش
قدرتی بیش از این بر ما ندارد که اگر واقعاً مرده و دفن شده باشیم. فقط روح خداست که به بدن حیات می بخشد. روح از
بدن به عنوان استفاده می کند

ابزار عدالت بدن همچنان فسادپذیر است، همچنان پر است
از خواسته های شیطانی، همیشه آماده شورش علیه روح. اما برای مدت طولانی
وقتی اراده خود را تسلیم خدا می کنیم، روح جسم را مطیع نگه می دارد. اگر
اگر در دل خود به مصر برگردیم، یا اگر به خود اعتماد کنیم، لنگ می زنیم
خودمان، بنابراین وابستگی خود را به روح تضعیف می کنیم. سپس آنچه را بازسازی می کنیم
ما خود را نابود کرده بودیم و خود را متخلف ساخته بودیم (غلاطیان 2:18). اما لازم نیست
اتفاق افتادن. مسیح «بر هر جسم قدرت دارد» (یوحنا 17:2) و قدرت خود را نشان داد
برای زندگی معنوی در جسم انسان.

این کلمه جسم شده است، خدا در جسم ظاهر می شود، وحی «این عشق است
که از هر فهمی فراتر است، تا از تمام پری خدا پر شوید.»
(افس. 3:19) تحت کنترل این روح عشق و مهربانی، ما هرگز
ما برای لاف زدن، تحریک و حسادت یکدیگر تلاش خواهیم کرد. همه چیز از آن خواهد آمد
خدا را بشناسد و خود را بشناسد تا کسی کوچکترین تمایلی به آن نداشته باشد
به دیگری ببالید

روح زندگی در مسیح - زندگی مسیح - به طور رایگان به همه داده می شود. "و
هر که تشنه است بیاید. و هر که بخواهد، آب حیات را مجانی بگیرد» (مکاشفه 22:17)
«زیرا حیاتی که نزد پدر بود آشکار شد و ما آن را دیدیم و به شما اعلام می کنیم که
حیات جاودانی» (اول یوحنا 1:2) خداوند را به خاطر موهبت وصف ناپذیرش سپاسگزارم! (دوم قرنتیان 9:15)

12 پیام صلیب

آیه طلایی: زیرا یهودیان نشانه می خواهند و یونانیان حکمت می جویند. اما ما مسیح مصلوب شده را موعظه می کنیم که برای یهودیان سنگ مانع و برای یونانیان حماقت است. (اول قرن‌تینان 1:22 و 23)

برای مراقبه: «اوه، بیایید فداکاری فوق‌العاده‌ای را که بوده است، ببیندیشیم ساخته شده توسط ما! بیایید به خود اجازه دهیم قدردانی از کار و انرژی که بهشت است را تجربه کنیم خرج کردن برای بازیابی چیزهای از دست رفته و بازگرداندن آن به خانه پدر. هرگز انگیزه‌های قوی‌تر و عوامل قدرتمندتر می‌توانست وارد عمل شود. به پاداش عالی عمل درست، شادی بهشت، جامعه فرشتگان، ارتباط و محبت پدر و پسرش، تعالی و گسترش تمام قوای ماست در طول اعصار ابدی - آیا این انگیزه‌ها و تشویق‌های قدرتمند برای ما نیستند ما را وادار می‌کند تا از قلبی سرشار از عشق به خالق و نجات دهنده خود خدمت کنیم؟» (گام‌هایی به سوی مسیح - ص 21)

یکشنبه

خواننده عجول احتمالاً به این نتیجه می‌رسد که تقسیم بندی وجود دارد طبیعی بین فصل پنجم و ششم غلطیان، به گونه‌ای که قسمت آخر آن است به جنبه‌های عملی زندگی معنوی اشاره دارد، در حالی که اولی آموزه‌های نظری را آشکار می‌کند. این یک اشتباه بزرگ است. هیچ چیز در کتاب مقدس تئوری صرف نیست. همه چیز عمل است هیچ کدام در کتاب مقدس وجود ندارد هر چیزی که عمیقاً معنوی و عملی نباشد. در عین حال همه چیز این دکتترین است. دکتترین به معنای آموزش است. آنچه ما به عنوان "خطبه" در کوه می‌شناسیم، است حقیقت آموزه ناب، از زمانی که دهان خود را باز کرد، او به آنها آموزش داد و گفت... برخی به نظر می‌رسد نوعی تحقیر نسبت به دکتترین احساس کنید. به آن به سبکی اشاره می‌کنند، گویی به قلمرو الهیات نظری تعلق داشت و با عملی و روزانه. چنین افرادی بدون اطلاع از موعظه مسیح، که آموزه خالص بود، بی احترامی می‌کنند. از آنجایی که عیسی همیشه به مردم تعلیم می‌داد. تمام آموزه‌های واقعی به شدت است تمرین؛ به انسان داده می‌شود تا آن را عملی کند.

سردرگمی قبلی به دلیل انتخاب مشکوک شرایط است. چی
برخی آن را یک آموزه می نامند، و آن را -به درستی -عملی نیست، آن را نیست
در واقع هیچ دکترینی نیست، بلکه یک موعظه مبتذل است. جایی در انجیل نیست
برای او. هیچ واعظ واقعی انجیل هرگز "موعظه" نمی کند. اگر این کار را انجام دهد
این به این دلیل است که شما تصمیم گرفتید در طول این مدت کاری غیر از موعظه انجیل انجام دهید
چند وقت. مسیح هرگز موعظه نمی کرد. کاری که او انجام داد ارائه آموزه به او بود
شنوندگان، به آنها آموزش دهید. بنابراین، انجیل تماماً آموزه است، دستورالعملی است که از آن سرچشمه می گیرد
زندگی مسیح

- 1 کسی که در آموزه مسیح باقی می ماند چه چیزی دارد؟ (دوم یوحنا 9)

بخش آخر رساله هدف آن را به وضوح نشان می دهد. این مواد را فراهم نمی کند
مناسب با بحث است، اما به آن پایان دهید، و خوانندگان را به تسلیم شدن به آن سوق دهید
روح. هدف بازگرداندن کسانی است که در حال تلاش علیه خدا گناه می کنند
به شیوه معیوب خود به او خدمت کنند و آنها را به سوی خدمت واقعی او هدایت کنند
تازگی روح بحث قسمت قبل از رساله حول محور است
تأیید اینکه تنها از طریق می توان از اعمال جسمانی (که گناه است) فرار کرد
در مورد ختنه صلیب مسیح: خدمت به خدا در روح، و عدم اطمینان

در گوشت

دوشنبه

ای برادران، اگر کسی را در گناهی گرفتار کرد، شما که روحانی هستید او را با روحیه فروتنی راهنمایی کنید. مراقب خود
باشید، مبدا شما نیز وسوسه شوید. (غلاطیان 6:1)

وقتی انسانها شروع به درستکاری می کنند، غرور، خودستایی و خودستایی
روحیه انتقاد آنها را به مشاجره آشکار سوق می دهد. برای غلاطیان اینگونه اتفاق افتاد و
همیشه اینطور خواهد بود. راه دیگری نمی توانست باشد. هر فردی دارد
تصور خودش از قانون، تا خودش قاضی باشد. نمی توان کمکی نکرد اما بررسی کرد
برادران و همچنین خودتان و بررسی کنید که آیا آنها به ارتفاع مورد نظر رسیده اند یا خیر
اندازه گیری شما اگر چشم انتقادی شما یکی را کشف کند که از آن پیروی نمی کند
قانون، بلافاصله بر عهده مجرم می افتد. کسانی که پر از خودپسندی هستند
آنها برمی خیزند تا از برادران خود محافظت کنند تا جایی که آنها را از شرکت خود دور نگه دارند،

تا با تماس با آنها خود را آلوده نکنید. در تضاد آشکار با این

روح، که در کلیسا بسیار رایج است، ما نصیحتی را می یابیم که فصل با آن آغاز می شود. بجای از جستجوی عیبها تا محکوم کردن، باید به دنبال گناهکاران برای نجات باشیم.

خداوند به قایل گفت: «اگر درست عمل کنی، قبول نمی شوی؟ اما اگر کار نکنی

خب، گناه جلوی در است تا بر شما مسلط شود. اما تو باید بر او مسلط شوی» (پیدایش O. 7: 4)

گناه جانور وحشی است که پنهان می شود و منتظر کوچکترین فرصتی برای حمله و غلبه بر غافلان است. از ما قوی تر است، اما به ما قدرت داده است

بر آن مسلط شود "مبادا گناه در بدن فانی شما سلطنت کند" (روم. 6:12) با این حال، امکان پذیر است

(لازم نیست) که بر محتاط ترین ها هم پیروز می شود. "فرزندان من، این را برای شما می نویسم

تا گناه نکنی اما اگر کسی گناه کند، ما در حضور پدر وکیل داریم، عیسی مسیح،

فقط. او قربانی گناهان ماست. و نه تنها برای ما، بلکه برای کسانی که از

تمام جهان» (اول یوحنا 1: 2 و 2). (به این ترتیب، اگرچه ممکن است فرد دچار لغزش شود، اما همینطور است

دوباره تاسیس شد رد نمی شود.

1- علاوه بر ملایمت با کسانی که اشتباه می کنند، چرا باید مراقب باشیم

مخصوصاً در مراقبت از خود در مورد خطاهایی که مرتکب شده ایم؟ (غلاطیان 1:6)

ج: برای اینکه ما نباشیم

خداوند کار را از طریق چوپانی ارائه می کند که در جستجوی گوسفندان است

از دست داد کار انجیل ماهیت فردی دارد. حتی توسط

موعظه انجیل هزاران نفر می توانند آن را در یک روز بپذیرند، موفقیت به این بستگی دارد

تاثیر آن بر قلب هر فرد وقتی واعظی که با هزاران نفر صحبت می کند از راه می رسد

به صورت جداگانه برای هر یک از آنها، کار مسیح را انجام می دهد. به این ترتیب اگر

کسی به عیب می افتد، او را با روحیه ملایمت بازگردانید. هیچ وقت نیست

ممکن است آنقدر گرانها باشد، حتی اگر هدر تلقی شود، که صرفه جویی شود

حتی اگر فقط یک نفر برخی از مهم ترین و باشکوه ترین حقایق از

کتاب مقدس توسط مسیح به یک روح واحد ابلاغ شد. آنچه تلاش می کند

به دنبال گوسفند تنهای گله، چوپان خوبی است.

"او خود گناهان ما را در بدن خود بر درخت حمل کرد" (اول پطرس. 2:24)

او گناهان ما را به ما نسبت نداد، بلکه همه آنها را به عهده گرفت. «نرم بودن

خشم را دور کن» (امثال. 15:1) مسیح با کلمات محبت آمیز نزد ما می آید تا پیروز شود

قلیمان. او ما را فرا می خواند که نزد او بیاییم و آرامش پیدا کنیم، چگونه یوغ تلخ بندگی خود را با یوغ آسان بار او عوض می کنیم سبک.

- 2 مثال مسیح در مورد گناهان ما چه بود؟ و اینکه ما

مسئول؟ (دوم قرنتی 5:19)

همه مسیحیان در مسیح، نماینده انسان، یکی هستند. بنابراین، «همانطور که او هست، ما نیز در این دنیا هستیم» (اول یوحنا 4:17). مسیح در این جهان به عنوان یک بود نمونه ای از آنچه مردان باید باشند و پیروان واقعی چه هستند هنگامی که خود را وقف او می کنند، او به شاگردانش می گوید: «همانطور که پدر مرا فرستاد، من شما را نیز می فرستم» (یوحنا 20:21). با این هدف است که آنها را با آنها سرمایه گذاری می کند قدرت خود او از طریق روح. «خدا پسر خود را به جهان نفرستاد دنیا را محکوم کنید، اما تا جهان به وسیله او نجات یابد» (یوحنا 3:17). سپس نه ما را برای محکوم کردن، اما برای نجات می فرستد. از این رو توبیخ: «اگر کسی در یکی افتاده باشد گم شده... آن را بازگردانید.» دامنه پند و اندرز محدود به کسانی نیست که با آنها همراه هستیم ما به کلیسا می پیوندیم ما را به عنوان سفیران مسیح بفرست تا دعا کنیم هر انسانی با خدا آشتی کند (دوم قرنتیان 5:20). هیچ شغل دیگری در بهشت وجود ندارد یا بر روی زمین، افتخاری بزرگتر از سفیر بودن برای مسیح را به همراه دارد، و در واقع همینطور است این تکلیف حتی به ناچیزترین و طردشده ترین گناهکاری که آشتی می کند، داده می شود با خدا.

سهشنبه

بارهای یکدیگر را تحمل کنید و بدین ترتیب شریعت مسیح را به انجام خواهید رساند. (غلاطیان 6:2)

"شما که روحانی هستید"

فقط برای اینها استحاب افتادگان توصیه شده است. هیچ کس دیگری نمی تواند این کار را انجام دهد. روح القدس از طریق کسانی که باید سرزنش و اصلاح کنند صحبت خواهد کرد. و همان کار مسیح است، و تنها با قدرت روح است که می توان از او بود شاهد

اما این، شاید، بزرگترین فرضی نیست که هر کسی بتواند آن را دوباره برقرار کند

یک برادر؟ آیا این مساوی نیست با تظاهر به اینکه فردی روحانی است؟

به راستی، فرار گرفتن در جای مسیح، قبل از مسیح، موضوعی پیش پا افتاده نیست
مرد افتاده برنامه خدا این است که همه از خودشان مراقبت کنند: «مواظب خودت باش

شما هم وسوسه نشوید.» قاعده مندرج در اینجا برای تولید الف محاسبه می شود

احیای در کلیسا به محض اینکه کسی دچار عیب شد، وظیفه همه است

قرار نیست این خبر را پخش کند، حتی مستقیماً به آنچه سقوط کرده است نمی رود، بلکه از خودتان می پرسد

به خودتان: «من چطورم؟ وضعیت من چیست؟ آیا من مقصر نیستم؟

همان تقصیر، شاید یک تقصیر دیگر به همان اندازه مذموم؟ این نمی تواند باشد

آیا تقصیری از من منجر به غیبت شما شده است؟ من در روح راه می روم، به طوری که

آیا می‌توانید آن را بازبایی کنید، نه اینکه آن را دورتر کنید؟» این منجر به اصلاح خواهد شد

در کلیسا کامل شد، و به خوبی ممکن است این اتفاق بیفتد که وقتی بقیه آمده بودند

به شرایطی که در آن می توانند به سراغ کسی بروند که قبلاً از دام شیطان فرار کرده است.

عیسی در مورد چگونگی کمک به کسانی که به گناه افتاده اند (متی 18:15-18)

گفت: به شما اطمینان می دهم که هر چه در زمین ببندید در آسمان نیز بسته می شود. و همه اش

هر چه بر روی زمین بکشایید، در آسمان نیز گشوده خواهد شد.» (آیه 18) یعنی خدا

تسلیم هر تصمیمی است که جمعی از مؤمنان که خود را کلیسای خود می دانند،

می توانید؟ قطعاً نه. هیچ کاری روی زمین نمی تواند اراده را تغییر دهد

مال خدا تاریخ کلیسا در طول دو هزار سال گذشته انبوهی از اشتباهات و

پوچی ها، شغلی برای خود برتر بینی و قرار دادن خود به جای خدا.

پس منظور مسیح از این چه بود؟ دقیقاً همونی که گفتم که کلیسا مجبور است

روحانی باشید، سرشار از روح ملایمت. و این که هر یک، هنگام صحبت کردن، مجبور است

این کار را به عنوان سخنگوی خدا انجام دهید. فقط کلام مسیح باید در قلب و ذهن باشد.

دهان کسی که باید با متخلف برخورد کند. وقتی این اتفاق می افتد، با توجه به آن

کلام خدا همیشه در آسمان ها ثابت است، معلوم می شود که هر چه بخوانی

بر روی زمین "در بهشت بسته شده است." اما این اتفاق نمی افتد مگر اینکه از آن پیروی کند

کتاب مقدس به طور دقیق، در نامه و روح.

- 1 عیسی در مورد این موضوع چه اطمینانی داد؟ (متی 18:15-18) این بدان معناست
آیا او تصمیم کلیسا را می پذیرد؟

«شریعت مسیح» زمانی تحقق می یابد که هر یک مانند شریعت، بار دیگری را به دوش بکشد
زندگی مسیح برای حمل بار است. «او خود ناتوانی های ما را گرفت و حمل کرد
بیماری های ما.» هر کس می خواهد شریعت خود را اجرا کند باید به همان کار ادامه دهد
به نفع خسته و افسرده

«بنابراین شایسته بود که او از هر نظر مانند برادرانش باشد... او می داند که باید چه باشد.
سخت تلاش کرد، و همچنین می داند که چگونه برنده شود. اگرچه او "گناهی نمی دانست"
او برای ما گناه ساخته شد تا بتواند ما را عدالت خدا در خود قرار دهد (دوم قرنتیان 5:21).
او هر یک از گناهان ما را برداشت و آن ها را در پیشگاه خدا به گونه ای عرضه کرد که گویی گناهان اوست.

- 2 چرا عیسی می تواند به همه کسانی که وسوسه می شوند کمک کند؟ (عبرانیان 2:17 و 18)

و اینگونه به ما می رسد. به جای اینکه ما را به خاطر گناهانمان سرزنش کنید، در را به روی ما باز کنید
قلبش را می دهد و به ما می فهماند که او از همان اندوه، درد، تاسف و شرم چقدر رنج می برد.
این باعث جلب اعتماد ما می شود. دانستن اینکه او هم تجربه مشابهی را پشت سر گذاشته است، که
در همان سختی ها سجده کرده بود، ما را برای شنیدن او آماده می کند
راه فرار را ارائه می دهد. می دانیم که شما از روی تجربه صحبت می کنید.

بنابراین مهمترین چیز در نجات گناهکاران این است که نشان دهیم با آنها یکی هستیم. با نشان دادن عیب خودمان
است که دیگران را نجات می دهیم. بدون آن چه حسی دارد
قطعا گناه چیزی نیست که بتواند گناهکار را بازگرداند. اگه به کسی اینو بگی
به گناه افتاد: «چطور توانستی چنین کاری انجام دهی؟ من هیچ وقت انجام ندادم
چیزی مشابه در تمام زندگی من! من نمی فهمم چطور کسی با کوچکترین
عزت نفس می تواند در این مورد بیفتد!»، اگر با او اینطور صحبت می کردید، بهتر عمل می کردید
ماندن در خانه. خدا یک فریسی را برگزید و تنها یک نفر را به عنوان رسول خود برگزید. و اینطور نبود
فرستاد تا اینکه دیگر خود را در میان گناهکاران ندانست.

اعتراف به گناه تحقیر کننده است، اما راه نجات، راه صلیب است. و
مسیح فقط از طریق صلیب می تواند نجات دهنده گناهکاران باشد. بنابراین، اگر مجبور باشیم
شادی را به اشتراک بگذارید، ما نیز باید با او صلیب را متحمل شویم که «تحقیر می کند

شرم". به یاد داشته باشید: تنها با اعتراف به گناهانمان است که می توانیم جهان را نجات دهیم.
دیگران از گناهان خود فقط از این طریق می توانیم راه را به آنها نشان دهیم
رستگاری کسی که به گناهان خود اعتراف می کند تنها کسی است که از آنها تطهیر می یابد و قادر است
بنابراین دیگران را به سمت منبع هدایت می کند.

چهارشنبه

زیرا اگر کسی فکر می کند چیزی است، وقتی چیزی نیست، خودش را گول می زند.
اما هر کس کار خود را ثابت می کند و او فقط در خود شکوه خواهد داشت و نه
در دیگری. (غلاطیان 3:6 و 4)

به کلمات "هیچ بودن" توجه کنید. نمی گوید اینقدر باور نکنیم
به چیزی که تبدیل نشده ایم. برعکس، تایید کامل الف است
واقعیت: اینکه ما هیچی نیستیم. نه فقط یک فرد؛ همچنین همه ملت ها
جمع شده در حضور خداوند چیزی نیست. هر وقت باور کنیم چیزی هستیم،
خودمان را گول خواهیم زد و ما اغلب این کار را به ضرر انجام می دهیم
از کار خداوند

آیا "قانون مسیح" را به خاطر دارید؟ اگرچه او همه چیز بود، «خودش را خالی کرد
همان» تا اراده خدا انجام شود. «بنده بزرگتر از او نیست
ارباب تو» (یوحنا 13:16) فقط خدا بزرگه «همانا این همه باطل است
انسان زنده» (مزمور 39:5) خدا همیشه صادق است، گرچه «هر انسانی صادق است
دروغگو» (رومیان 4:3) وقتی ما قبلی را تشخیص می دهیم و با آگاهی از آن زندگی می کنیم،
خود را در موقعیتی قرار دهیم که روح القدس بتواند به ما برسد و ما را بسازد
ممکن است خدا برای ما کار کند. «مرد گناهکار» کسی است که خود را تعالی می بخشد (دوم تسالونیکیان 2:3
و 4) پسر خدا کسی است که خود را فروتن کند.

1- مردی که خود را بالا می برد کیست؟ (دوم تسالونیکیان 2:3 و 4).

5 زیرا هر کس بار خود را به دوش خواهد کشید.

آیا با آیه دو تناقض دارد؟ اصلاً. کتاب مقدس این را به ما می گوید
بباید هرکدام بار همدیگر را به دوش بکشیم، نه اینکه بار خود را به دوش آنها بیندازیم! بازیگران بر روی
بار تو ابدی است» (مزمور 55:22) هر یک باید بار را بر دوش خداوند بگذارد. منجر به
بار تمام بشریت، نه به صورت دسته جمعی، بلکه به صورت فردی. قرار نمی دهیم
بارهای ما را در او جمع می کنیم، آنها را در دستان خود یا در ذهن خود جمع می کنیم و آنها را می اندازیم
کسی دور از ما اینجوری غیر ممکنه خیلی ها این راه را جستجو کرده اند
از بار گناه، درد، رنج و عذاب رها شوید، بدون اینکه موفق شوید. بازگشتند به
احساس کنید که سنگین تر و سنگین تر بر سرشان می آید، تا زمانی که آنها را در آستانه ناامیدی رها کند.
مشکل کجا بود؟ آنها به مسیح به عنوان فردی دور نگاه می کردند و چنین فکر می کردند
این به آنها بستگی داشت که پل را بر روی پرتگاه گسترش دهند. اما این امکان پذیر نیست. مرد
(زمانی که ما هنوز ضعیف بودیم) نمی تواند بار را از دوش شما بردارد، حتی در فاصله کم
بازوهای خود ما برای مدت طولانی خداوند را دور نگه داشتیم، اگرچه فقط در امتداد بازوهایمان، خود را از استراحت از بار
سنگین محروم کردیم. و فقط
وقتی تشخیص می دهیم و اعتراف می کنیم که هیچ نیستیم و در درون خود ناپدید می شویم
بی اهمیتی - دیگر خودمان را فریب نمی دهیم - آن وقت است که
ما اجازه می دهیم محموله ما حمل شود. مسیح می داند که چگونه با آن رفتار کند. و یوغت را میگیرم
ما از او یاد می گیریم که چگونه بار دیگران را تحمل کنیم.
پس هدف از حمل بار خودمان چیست؟ این «قدرتی است که در آن عمل می کند
ما» که آن را می گیرد!

- 2 روز به روز چگونه باید خودم را در نظر بگیرم؟ (غلاطیان 2:20)

این در مورد من است؛ اما نه من، اگر نه او.

راز را یاد گرفتم! من هیچ کس دیگری را با شریک ساختن او خسته نمی کنم
بار سنگین من است، اما من آن را خودم حمل خواهم کرد. اما نه من، بلکه مسیح در من است. وجود دارد
بسیاری از پسران خدا در جهان که هنوز این درس را از مسیح نیاموخته اند
او فرصتی پیدا می کند تا بار دیگری را به دوش بکشد. شما خود را به خداوند اعتماد خواهید کرد.
آیا شگفت انگیز نیست که «کسی که توانا است» همیشه بار ما را به دوش می کشد؟

ما این درس را در زندگی مسیح می آموزیم. من کار خوبی می کردم چون خدا بود
با او غمگینان را تسلیت داد، دل شکسته ها را شفا داد، کسانی را که بودند آزاد کرد

تحت ستم شیطان حتی یک نفر از کسانی که با تحمل مصائب و رنجهای خود نزد او آمدند بیماری هایی که بدون تسکین رها شده اند. «این گونه آنچه اشعیا نبی فرمود: «او او ناتوانی های ما را بر دوش کشید و دردهای ما را تحمل کرد» (متی. 8:17)

و پس از آن، هنگامی که جمعیت در شب دراز کشیده بودند، عیسی به دنبال آن بود کوه ها یا جنگل، تا در ارتباط با پدر (که برای او زندگی می کرد) بتواند منبع تجدید حیات و قدرت برای روح خود به دست آورید. «هر کس خودش را بررسی می کند کار خود.» «خودتان را بررسی کنید که آیا در ایمان باقی میمانید. خودت را ثابت کن یکسان. یا خودتان نمی دانید که عیسی مسیح در شماست؟ اگر نیست که شما قبلاً مورد تأیید قرار گرفته اید.» (دوم قرنیتان. 13:5) «زیرا اگر چه در ضعف مصلوب شد، زنده است به قدرت خدا ما هم ضعیف هستیم، اما به قدرت خدا زنده خواهیم ماند با او به قدرت خدا در شما» (آیه. 4) به این ترتیب، اگر ایمان ما ثابت کند که مسیح در ماست (و ایمان واقعیت این واقعیت را نشان می دهد)، ما چیزی برای خوشحالی خواهیم داشت ما، و نه قبل از دیگران. ما از طریق خداوندمان عیسی مسیح در خدا شادی می کنیم و لذت ما به هیچ کس دیگری در دنیا بستگی ندارد. حتی اگر همه تسلیم شوید و سقوط کنید، ما مقاومت خواهیم کرد، زیرا «بنیاد خدا پایرجاست محکم» (دوم تیم. 2:19)

پس کسی که خود را مسیحی می داند راضی به تکیه بر برخی نباشد دیگر. اگرچه شما ضعیف ترین ضعیفان هستید، اما همیشه حامل آن باشید بارها، کارگری همراه با خدا که بار خود و بار خود را در مسیح به دوش می کشد همسایه شما، بدون شکایت یا بی حوصلگی. شما حتی می توانید برخی از آنها را کشف کنید بارهایی که برادرش نسبت به آن اظهار پشیمانی نمی کند و آن را نیز به دوش می کشد. و همین کار می تواند دیگری را انجام دهد. سپس ضعیفان چنین شاد می شوند: «قدرت من و سرود من خداوند، خداوند است که نجات من بوده است» (اشعیا. 12:2)

پنج شنبه

و کسی که در کلام آموزش می بیند باید تمام دارایی خود را با کسی که به او تعلیم می دهد تقسیم کند. (غلاطیان 6:6)

بدون شک، این عمدتاً به منابع زمانی اشاره دارد. اگر یک انسان کاملاً خود را وقف خدمت کلام می کند، آشکار است که چیزها

لازم برای نگهداری آن باید از جانب کسانی باشد که به آنها آموزش می دهد. در حال حاضر پس از آن، معنای نصیحت به همین جا ختم نمی شود. هر کسی که در کلام تعلیم می گیرد باید با مربی «در همه چیزهای خوب» در میان بگذارد. موضوع فصل حاضر است کمک دوطرفه. "تحمل بارهای یکدیگر." همچنین او که دستور می دهد بیش از حد، و از آنها غذای مادی دریافت می کند، باید از پول آن برای حضور استفاده کند دیگران. مسیح و حواریون، که چیزی نداشتند - زیرا مسیح از همه بیشتر بود فقیر در میان فقرا - و شاگردان همه چیز را ترک کرده بودند تا او را دنبال کنند - تماشا کردند به فقرا با منابع ناچیزشان (یوحنا، 13:29)

هنگامی که شاگردان به عیسی پیشنهاد کردند که جمعیت را برکنار کند تا اگر می توانستند خود را تأمین کنند، او پاسخ داد: «نیازی به ترک آنها نیست. به آنها بدهید بخورید» (متی، 14:16) عیسی شوخی نمی کرد. واقعا منظورم این بود که گفتم او می دانست که شاگردان چیزی برای دادن به مردم ندارند، اما به اندازهی آن چیزی دارند او داشت. آنها قدرت کلمات را درک نکردند، بنابراین او خودش آن را گرفت نان را به شاگردان داد تا گرسنگان را سیر کنند. ولی کلماتی که او با آنها گفت به این معنی است که آنها باید دقیقاً همان کاری را انجام دهند که او انجام داد. چند بار بی ایمانی ما به کلام مسیح ما را از کار در جهت خیر محروم کرده است آنچه داریم را به اشتراک بگذاریم و این مایه شرمساری است، زیرا "چنین قربانی هایی خدا را خشنود می کند" (عبرانیان، 13:16)

1 - ما باید همیشه به رهبران یا کشیشان برای بیان کلام خدا تکیه کنیم به دیگران؟ (متی 14:16)

زیرا کسانی که آموزش می دهند نه تنها کلام را به اشتراک می گذارند، بلکه همکاری می کنند با حمایت مادی؛ به همین ترتیب، کسانی که تعلیم کلام را دریافت می کنند، نباید آزادی خود را فقط به چیزهای موقتی محدود کنند. این یک اشتباه است

این فرض که خادمین انجیل هرگز نیاز به طراوت روحی ندارند، یا اینکه نمی توانند آن را حتی از ضعیف ترین افراد گله دریافت کنند، و

نمی توان توصیف کرد که آنها تا چه اندازه روح مربی را تشویق می کنند. گواهی شادی و ایمان به خداوند، که توسط کسانی که کلام را دریافت می کنند، داده می شود. در مورد ... نیست تأیید ساده اینکه کار شما بهبود یافته است. به خوبی ممکن است که شهادت شامل ارجاعات فوری به آنچه داده شده نیست، بلکه شامل موارد شاد و فروتن است

شهادت آنچه خداوند برای شنونده انجام داده است، تأثیر مثبتی بر معلم خواهد داشت و اغلب منجر به تقویت صدها روح می شود.

جمعه

7 فریب نخورید: خدا مسخره نمی شود. برای هر چیزی که انسان بکارد، آن است نیز درو خواهد کرد.

8 زیرا هر که برای بدن خود بکارد، از بدن خود فساد درو خواهد کرد. اما آنچه می کارد در روح، از روح زندگی جاودانی را درو خواهد کرد.

نمی توان این بیان اصول را واضح تر بیان کرد. برداشت، که در پایان جهان ساخته می شود، نشان می دهد که آیا دانه آن گندم بوده است یا عصاره (اختلاف). «بر اساس عدالت برای خود بکارید، بر اساس محبت درو کنید، برای خود آماده کنید زمین جدید: وقت آن است که خداوند را جستجو کنیم، تا زمانی که او بیاید و عدالت ببارد بر تو» (هوشع، 10:12 کتاب مقدس اورشلیم).

«کسی که به دل خود اعتماد کند نادان است» (امثال، 28:26) همین موضوع است همانطور که از آیه 13 استنباط می شود، لازم است در مورد کسانی که به مردان دیگر اعتماد دارند، گفته شود هوشع 10: «شرارت را شخم زدی، گناه را درو کردی. میوه دروغ را خواهی خورد، زیرا به نیروی خود، به کثرت جنگجویان خود اعتماد کردی.» «لعنت بر کسی که بر انسان توکل کند و بر جسم تکیه کند، چه مال او باشد و چه مال. یک مرد دیگر «خوشا به حال کسی که بر ابدی توکل کند و به او امیدوار باشد» (ار. 17:5 و 7).

- آیا می توانیم به خود یا رهبران خود در مورد کارها یا نجات اعتماد کنیم؟
(امثال 28:26)

هر آنچه پایدار است از روح می آید. بدن فاسد است و منشأ آن است فساد. هر کس جز آسایش خود با اطاعت از چیزی بیشتر مشورت نکند امیال نفسانی و ذهنی، محصولی از فساد و مرگ درو خواهند کرد. «روح است

زندگی به خاطر عدالت» (روم. 8:10 کتاب مقدس اورشلیم)، و کسی که فقط با فکر خود مشورت می کند.
از روح، جلال ابدی را درو خواهد کرد. «اگر بر اساس جسم زندگی کنید، خواهید مرد. اما اگر توسط
روح اعمال جسم را می‌میراند، زنده خواهی ماند» (رومیان. 8:13 فوق العاده! اگر
ما زندگی می کنیم، می میریم. و اگر بمیریم، زنده ایم. این شهادت عیسی است: «چه
اگر بخواهید زندگی خود را نجات دهید، آن را از دست خواهید داد. و هر که جان خود را به خاطر من از دست بدهد، آن را خواهد یافت.»
(مت. 16:25)

این مساوی با از دست دادن شادی در زمان حال نیست. دلالت بر تداوم تباهی و
فقر، فقدان چیزی که ما می خواهیم، برای به دست آوردن چیز دیگری. خیر
این بدان معناست که وجود فعلی باید یک مرگ زنده باشد، یک رنج آهسته.
دور از آن! این یک تصور اشتباه و نادرست از زندگی مسیحی است: زندگی که بیشتر
این می تواند مرگ نامیده شود. خیر؛ هرکسی که نزد مسیح می آید و روح را می نوشد «در او یک
چشمه آب که به حیات جاودانی می جوشد» (یوحنا. 4: 14)

2- تکلیف کسانی که از ترس از دست دادن ایمان خود از تبلیغ حقیقت دست می کشند چه می شود؟
زندگی یا آزار و اذیت؟ (متی 16:25)

لذت ابدیت اکنون متعلق به اوست. لذت شما روز به روز کامل می شود. و
«از پر بودن خانه خود راضی است» (مزمور. 36:8 نوشیدن از چشمه
خشنودی خود خدا همه چیز را در اختیار داشته باش، آن که می خواهد، یک بار که دل فریاد می زند
فقط به خدا، و همه پری در او ساکن است. زمانی که باور کردم آن را کشف خواهم کرد
زندگی، اما حالا می‌داند که در واقع کاری جز نگاه کردن به مقبره، به قبر نمی‌کرد
مقبره فساد اکنون زمانی است که شما واقعاً زندگی را شروع می کنید، و شادی از جدید است
زندگی ناگفتنی و با شکوه است»، به طوری که می سراید:

صدای لطیف ناجی

او با احساس با ما صحبت می کند.

به دکتر عشق گوش کن

مردگان را زنده می کند.

مردها هرگز آواز نخواهند خواند،

هرگز فرشتگان در نور
نت شیرین تری خواهند خواند
از نام عیسی
(پ. کاسترو، شماره 124)

شنبه

"همانطور که اعضای خود را به ناپاکی و گناه تقدیم کردید، اکنون اعضای خود را برای خدمت به عدالتی که به قدوسیت منتهی می شود ارائه دهید" (رومیان، 6:19)

یک ارتش زیرک همیشه سعی می کند با ارزش ترین مواضع دشمن را شکست دهد
راهبردی. به این ترتیب وعده ای مهم برای مؤمنان پنهان می شود، شیطان
آن را تحریف می کند و آن را به دلیلی برای دلسردی تبدیل می کند. شاید خیلی ها بخواهند تظاهر کنند
این که کلمه «کسی که برای بدن خود می کارد از بدن فساد درو می کند» به این معنی است که
حتی پس از تولد از روح، آنها باید به رنج ادامه دهند
پیامدهای زندگی گناه آلود قبلی او برخی در نهایت این را فرض می کنند
در ابدیت زخم گناهان کهنه را به دوش می کشند و عزاداری می کنند
کلماتی مانند این: "من هرگز نمی توانم آن چیزی باشم که باید بودم اگر هرگز گناه نکرده بودم."
چه تهمت به فیض خدا و رستگاری در مسیح عیسی! آیا این آزادی نیست
که در آن مسیح ما را آزاد می کند. نصیحت می گوید: «همانطور که خودت نیز عرضه داشتی
اعضای خود را به ناپاکی، گناه، اکنون اعضای خود را برای خدمت به آنها معرفی کنید
عدالتی که به قدوسیت منتهی می شود» (رومیان، 6:19) اگر کسی که از این طریق عدالت را تحمل کند،
همیشه باید به دلیل عادات بد گذشته محدود شود، نشان داده می شود
که قدرت عدالت از گناه کمتر است. اما لطف خدا بسیار قدرتمند است
مانند آسمان ها

فردی را تصور کنید که به خاطر جنایاتش به حبس ابد محکوم شده است. پس از داشتن
چند سالی را در زندان گذراند، مورد عفو قرار گرفت و آزاد شد. مدتی بعد
ما یک توپ آهنی سی کیلویی را پیدا کردیم که به او دستبند زده بود

مچ پا با استفاده از یک زنجیره ضخیم، به طوری که تنها با مشکل می تواند

از ~~جاور برمیچایم~~ دیگر خزیدن "مانند؟ این یعنی چه؟"

غافلگیر شدن. «آنها به شما اجازه ندادند آزاد شوید؟»

"آه بله! او به ما پاسخ می‌دهد: «من آزادم، اما باید این توپ را بگیرم

به یاد جنایات گذشته ام.»

تمام موعظه های الهام گرفته از روح القدس وعده ای از جانب خداست. یکی از آنها،

مملو از فیض، این است: «گناهان جوانی مرا به یاد مبر و نه

از گناهان من، اما بر حسب رحمت خود مرا به خاطر خود یاد کن

ای خداوند نیک» (مزمور. 25:7)

وقتی خدا گناهان ما را می بخشد و فراموش می کند، چنین قدرتی به ما می دهد

از آنها فرار کن تا چنان شویم که گویی هرگز گناه نکرده ایم. از طریق

"وعده های گرانبها و بسیار بزرگ" که او به ما داده است، ما را به "رسیدن به آن."

در فطرت الهی شرکت کنیم و خود را از فساد که به خاطر آن در دنیا است رها کنیم

از امیال شیطانی» (دوم پطرس. 1:4) مرد هنگام خوردن از درخت به زمین افتاد

شناخت خوب و بد انجیل چنین رستگاری از نژاد سقوط کرده را ارائه می دهد،

که تمام خاطرات تاریک گناه پاک می شود. بازخرید شده در نهایت خواهد دانست

تنها خوب، با مسیح، که "گناه نمی دانست".

کسانی که برای بدن می کارند، مانند همه ما از بدن فساد درو خواهند کرد

فرصت بررسی حضوری "اما شما بر اساس جسم زندگی نمی کنید، بلکه بر اساس

بر اساس روح، اگر روح خدا در شما ساکن است» (رومیان O. 8: 9)

روح این قدرت را دارد که ما را از قدرت جسم و تمام عواقب آن رها کند.

«مسیح کلیسا را دوست داشت و خود را برای او سپرد تا او را تقدیس کند و او را پاک کند.

با شستن آب، به وسیله کلام، کلیسایی باشکوه را به خود ارائه کند، بدون

لکه، نه چین و چروک و نه هیچ چیز، اما مقدس و بی عیب» (افس. 5:25-27)

«ما به وسیله زخمهای او شفا یافتیم.» خاطره گناه، نه گناهان فردی،

تا ابد در زخم های دست، پا و پهلوی مسیح باقی خواهد ماند.

آنها مهر رستگاری کامل ما را تشکیل می دهند.

13 جلال صلیب

آیه طلایی: و از نیکوکاری خسته نشویم که اگر غش نکرده باشیم به وقتش درو خواهیم کرد. (غلاطیان 6:9)

برای مراقبه: «همکاران عزیز، وفادار، امیدوار، قهرمان باشید. هر ضربه ای باشد با ایمان داده شده است. وقتی آنچه را که می توانید انجام دهید، خداوند به شما جبران خواهد کرد وفاداری از منبع حیات بخش، انرژی جسمانی، ذهنی و روحی بگیرید. مردانگی، زنانگی، تقدیس شده، خالص شده، تصفیه شده، اصیل شده - ما قول دریافت ما به ایمانی نیاز داریم که ما را قادر سازد در برابر دیدن یگانه مقاومت کنیم که نامرئی است. - ME I) ص 88)

یکشنبه

وقتی به عیسی نگاه نمی کنیم، خیلی راحت از انجام کارهای خوب خسته می شویم. ما استراحت را از دست می دهیم زیرا تصور می کنیم که تمرین مستمر خوب باید باشد سخت اما این فقط به این دلیل است که ما شادی را به طور کامل درک نکرده ایم از خداوند، نیرویی که ما را از غش باز می دارد. «کسانی که به ابدی امید دارند، خواهند داشت نیروهای جدید مانند عقاب پرواز خواهند کرد. آنها می دوند و خسته نمی شوند. راه خواهد رفت و نه آنها خسته خواهند شد (اشعیا 40:31)

همانطور که زمینه نشان می دهد، موضوع اصلی به سادگی این نیست در برابر وسوسه های جسم خود مقاومت کنیم، اما به دیگران کمک کنیم. ما در این مرحله نیاز داریم درس مسیح را بیاموزید، که «تا زمانی که آن را برقرار نکند خسته و بیهوش نخواهد شد عدالت در زمین» (اشعیا 42:4) اگرچه بسیاری از کسانی که او شفا داد هرگز این را نشان ندادند حداقل تشکر، این باعث نشد که او چیزی را تغییر دهد. آمد تا کار خوبی انجام دهد، نه خود را برای ارزیابی دیگران عرضه کند. پس «صبح بذر خود را بکار و اجازه ندهید دستتان در بعدازظهر استراحت کند. چون نمی دانید کدام بهتر است، این یا آن، یا اینکه آیا هر دو چیز خوب است» (حق. 6: 11)

1-گاهی صحبت درباره مسیح برای برخی افراد بی فایده به نظر می رسد. کتاب مقدس چه چیزی به ما می دهد در این مورد بگویید؟ (جامعه 11:6)

نه تعیین شده است که بدانیم چقدر درو خواهیم کرد و نه اینکه کاشت چه خواهد بود که از آن برداشت خواهیم کرد. ممکن است قسمتی از آن کنار جاده افتاده باشد و بوده باشد قبل از اینکه ریشه بزند ربوده شد. دیگری ممکن است روی زمین سنگی بیفتد و خشک شود. و حتی ممکن است دیگری در میان خارها بیفتد و خفه شود. اما یک چیز قطعی است: ما درو خواهیم کرد! نمی دانیم کاشت فردا رونق می گیرد یا برای چه کاری انجام داده است دیر، یا اینکه آیا هر دو این کار را انجام خواهند داد. اما هیچ احتمالی وجود ندارد که هر دو شکست بخورند. یا یکی یا دیگری موفق خواهد شد... یا هر دو!

آیا این انگیزه کافی برای خسته نشدن از انجام کار خوب نیست؟ زمین می تواند فقیر به نظر می رسند و فصل بی امید به نظر می رسند. بدترین اظهارات می تواند باشد داده‌های مربوط به برداشت، و ممکن است وسوسه شویم که فکر کنیم همه کار ما بیهوده بوده است. اما اینطور نیست. "در زمان مناسب ما برداشت خواهیم کرد." «به این ترتیب، برادران من عزیزان، استوار و استوار بایست و همواره در کار خداوند فراوان و دانا باش که زحمت شما در خداوند بیهوده نیست» (اول قرنتیان، 15:58)

دوشنبه

پس تا وقت داریم به همه نیکی کنیم، مخصوصاً به مؤمنان. (غلاطیان 6:10)

این به ما امکان می دهد نتیجه بگیریم که رسول به کمک مادی اشاره می کند، زیرا معنی ندارد که به ما یادآوری کنیم که کلام را به کسانی که ایمان ندارند موعظه کنیم: برای آنها مخصوصاً اینکه موعظه لازم است. اما یک گرایش طبیعی وجود دارد - درک کنید طبیعی، بر خلاف معنوی - یعنی محدود کردن خیرخواهی به کسانی که هستند به عنوان "لایق آن" در نظر گرفته می شود. ما در مورد «مردم فقیری که لیاقت ندارند» زیاد می شنویم یک چیز دیگر". اما همه ما لایق کوچکترین نعمتهای خدا هستیم. این است، با این حال، مدام به ما عطا کن. «و اگر به کسانی که به تو نیکی می کنند نیکی کنی، چه پاداشی خواهید داشت؟ گناهکاران نیز همین کار را می کنند. و اگر قرض بدهید برای کسانی که امیدوارید دوباره از آنها دریافت کنید، چه پاداشی خواهید داشت؟ همچنین گناهکاران به گناهکاران قرض می دهند تا دوباره همان مقدار را دریافت کنند. دوستش دارم چون دشمنانت را، و نیکی کن، و قرض بده، بی توقع، و تو

پاداش، و شما فرزندان حق تعالی خواهید بود. زیرا او حتی نسبت به ناسپاسان نیز مهربان است و ماوس» (لوقا). (6:33-35)

1- باید به همه نیکی کنیم، اما عمدتاً به چه کسی کمک کنیم؟ (گال).

(6:10)

ما باید نیکی کردن به دیگران را یک امتیاز شادی آور بدانیم، نه یک امتیاز وظیفه سنگینی است که در صورت امکان از آن اجتناب کنید. ما هرگز به چیزهای ناخوشایند در آن اشاره نمی کنیم اصطلاحات "فرصت ها". هیچ کس نمی گوید که آنها فرصت صدمه دیدن داشتند، یا مقداری پول از دست بده برعکس، ما می گوئیم فرصت برد داشتیم مقداری یا فرار از خطری که ما را تهدید می کرد. ما باید اینگونه باشیم احسان نسبت به نیازمندان را در نظر بگیرید.

اما باید به دنبال فرصت ها بود. مردان برای جستجو زحمت می کشند فرصت هایی برای کسب درآمد رسول ما را تشویق می کند که به طور مساوی بجوئیم راه فرصت هایی برای کمک به کسی مسیح این کار را کرد. "من داشتم انجام می دادم خوب". او با پای پیاده به کشور سفر کرد و به دنبال فرصت هایی بود که برای کسی کار خوبی انجام دهد و آنها را پیدا کرد. او نیکی کرد، «زیرا خدا با او بود» (اعمال رسولان. (10:38) اسمش هست امانوئل، به معنای "خدا با ما". از آنجایی که او هر روز با ما است، تا اینکه در پایان جهان، خدا نیز با ما خواهد بود و به ما نیکی می کند، به طوری که ما همچنین می توانیم با دیگران انجام دهیم.

11 ببینید با چه حروف بزرگی برای شما نوشته ام.

می توان غیرتی را که پولس رسول را هنگام نوشتن رساله برانگیخت، از طریق آن مشاهده کرد این واقعیت که او برخلاف عادت خود، قلم خود را برداشت و شروع به نوشتن نامه کرد، یا بخشی از آن به خط و خط خودش. همانطور که می توان از فصل چهارم، پولس استنباط کرد دچار برخی مشکلات بینایی شده است. این باعث شد که او نتواند کارش را انجام دهد، وگرنه انجام می داد مانع شد، مگر با قدرت خدایی که در او ساکن بود. همیشه مورد نیاز است کسی بود که تماشااش کند. برخی از آن شرایط سوء استفاده کردند

نوشتن نامه‌های جعلی به نام پولس به کلیساها و در نتیجه ناراحتی مردم

برادران (دوم تسالونیکیان، 2:2)

- 2 در زمان پولس، دیگران نامه‌های جعلی می‌نوشتند که گویی از اوست. شما معتقد است که این اتفاق می‌تواند امروز با الن گولد وایت یا با کتاب مقدس؟ آپوک را بخوانید. 22:18 و نظر دهید:

اما در نامه دوم به تسالونیکیی‌ها به آنها نشان داد که چگونه می‌توانند بدانند که آیا آیا رساله ای از او آمده یا نه: هر که بدن نامه را نوشت، او حتی تیریک و امضا را در دست خودش چاپ می‌کرد. به این مناسبت، خیر با این حال، اضطراب به حدی بود که به احتمال زیاد او این رساله را خود نوشت. کل

سه‌شنبه

همه کسانی که می‌خواهند ظاهری نیکو در جسم نشان دهند، شما را مجبور می‌کنند که خود را ختنه کنید تا به خاطر صلیب مسیح مورد آزار و اذیت قرار نگیرید. (غلاطیان 6:12)

فریب خدا محال است و فریب خود یا دیگران فایده ای ندارد.

ابدی به آنچه انسان می‌نگرد نگاه نمی‌کند. مرد به آنچه در مقابل چشمانش است نگاه می‌کند، اما

خداوند به دل می‌نگرد» (اول سم. 16:7) ختنه ای که در آن برادران دروغین

می‌خواست غلاطیان را متقاعد کند که اعتماد کنند، به جای عدالت‌خواهی، خود عدالت‌خواهی بود

با ایمان آنها فقط قانون را به عنوان «شکل دانش و حقیقت» داشتند (روم).

(2:20) آنها می‌توانستند با کارهای خود یک کاشت "مناسب" برای گوشت انجام دهند. یکی

کاشت خالی، زیرا هیچ واقعیتی در آن وجود نداشت. ممکن است به نظر برسند

عادل بدون آزار و اذیت برای صلیب مسیح.

- 1 آیا معتقدید که وقتی کشیشان برای تحقق اهداف غسل تعمید می‌دهند، دریافت آن افتخار برای این، آیا آنها همان اشتباه رهبران گذشته را مرتکب می‌شوند؟ (غلاطیان 6:12)

13 زیرا حتی کسانی که ختنه شده اند هنوز شریعت را نگاه نمی دارند. ولی آنها می خواهند که شما ختنه شوید تا در بدن شما فخر کنند.

اصلا قانون را رعایت نکردند. بدن با قانون روح مخالف است و «آنهايي که زندگي می کنند بر حسب جسم نمی توانند خدا را خشنود سازند» (رومیان، 8:8) اما آنها سعی کردند به دست آورند همان طور که بسیاری این نظریه ها را می نامند، به آنچه که آنها «ایمان ما» می نامیدند، گرویدند افرادی که از آنها حمایت می کنند. مسیح گفت: «وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار! زیرا از خشکی و دریا می گذری تا دینی بسازی. و هنگامی که برنده شدید، آن را انجام می دهید دو برابر تو پسر جهنمی» (متی، 23:15) چنین اسائیدی در آن تجلیل کردند گوشت "معتقدین" او. اگر اتفاق می افتاد که عده خاصی ملحق شدند به "مذهب ما"، سپس "منافع" بزرگی در مقایسه با سال وجود داشت گذشته؛ و احساس خوشبختی می کنند تعداد و ظاهر برای مردان اهمیت زیادی دارد، اما به خدا هیچی

14 اما از من دور است که فخر کنم، مگر در صلیب خداوند ما عیسی مسیح که به وسیله آن جهان برای من مصلوب شد و من برای جهان.

چرا جلال در صلیب؟ زیرا از طریق او جهان مصلوب نمی شود و ما

ولسایان ~~مصلوب~~ شروع شد، با انتشار این «حال

قرن بد." فقط صلیب این رهایی را برآورده می کند. صلیب نماد تحقیر است.

بنابراین ما در آن افتخار می کنیم.

- 2 تنها چیزی که می توانیم درباره آن «تجلیل» کنیم چیست؟ (غلاطیان 6:14)

خدا بر روی صلیب آشکار شده است. «مرد عاقل مبادا به خرد خود و نه از خرد خود مباحث کند

انسان توانا و نه آن که در ثروت خود ثروتمند است، شجاعت آور» (ارم، 9:23) چرا نباید لاف بزنم؟

دانا از خرد خود؟ زیرا تا آنجا که حکمت مال خودت است، حماقت است. "آ

حکمت این جهان نزد خدا حماقت است» (اول قرنتیان، 3:19) هیچ مردی ندارد

هیچ حکمتی نیست که در آن به خود بیالیم. حکمتی که خدا می دهد به تواضع می انجامد نه به سوی

غرور

در مورد قدرت چه خواهیم گفت؟ "همه گوشت علف است" (اشعیا. 40:6) «این قطعاً بیهوده است هر انسان زنده ای را کامل می کند» (مزمور. 39:5) «مردها فقط یک نفس هستند، خیلی فقیر به عنوان ثروتمند اگر همه آنها را با هم روی ترازو وزن می کردند، وزنشان کمتر از آن بود یک فوت". اما «قدرت از خداست» (مزمور. 62:9، 11)

در مورد ثروت، امید به آن «عدم اطمینان» است (اول تیم. 6:17) «انسان زحمت می کشد آنها میروند؛ او ثروت را انباشته می کند، بی آنکه بداند برای چه کسی» (مزمور. 39:6) «شما باید چشم خود را روی آن بگذارید ثروت، که چیزی نیست؟ زیرا آنها بالهایی مانند عقاب آفریدند و به آسمان پرواز خواهند کرد» (مثل. 23:5) فقط در مسیح ثروتهای ابدی و غیرقابل درک وجود دارد.

بنابراین انسان مطلقاً چیزی برای افتخار ندارد. انسان چیست چه کسی فاقد همه ثروت، خرد و قدرت است؟ هر چیزی که انسان هست یا دارد، از جانب پروردگار می آید

چهارشنبه

اما هر که فخر می کند، باید به این فخر کند که مرا می فهمد و می شناسد، که من خداوند هستم که بر روی زمین مهربانی، داوری و عدالت می کنم. خداوند می گوید که من از این چیزها لذت می برم. (ارم. 9:24)

آیه قبلی را به غلطیان 6:14 مرتبط کنید. همان روح هر دو را الهام کرد بنابراین، آیات نمی توانند در تضاد متقابل باشند. در یک جا خواندیم که ما فقط باید به معرفت خداوند ببالیم. در دیگری، که هیچ چیز وجود ندارد برای شکوه جز در صلیب مسیح. بنابراین، نتیجه این است که بر روی صلیب مسیح ما معرفت خدا را می یابیم. شناخت خدا حیات ابدی است (یوحنا 17:3) و وجود ندارد زندگی برای انسان خارج از صلیب مسیح وجود ندارد. بنابراین، یک بار دیگر می بینیم که هر چیزی که از خدا می توان شناخت بر روی صلیب آشکار می شود. خارج از صلیب وجود ندارد شناخت خدا

این به ما نشان می دهد که صلیب در کل خلقت تجلی یافته است. قدرت ابدی و الوهیت خدا، همه آنچه را که می توانیم از او بدانیم در چیزهایی که می توان دید خلق شده و صلیب قدرت خداست (اول فرنتیان. 1:18) خداوند از ضعف نیرو تولید می کند. انسان را از طریق مرگ نجات می دهد، به طوری که حتی کسانی که می میرند نیز می توانند استراحت کنند در امید. هیچ انسانی آنقدر فقیر، ضعیف و گناهکار، اینقدر ذلیل و مستهلک نیست

تا نتوان در صلیب شکوه کرد. صلیب دقیقاً در این موقعیتی که در آن قرار دارد او را لمس می کند.
زیرا نمادی از شرم و ذلت است. قدرت خدا را در او آشکار می کند و در او هست
دلیل برای شکوه ابدی

- 1 پولس می گوید که برای ما، نجات یافتگان، کلمه صلیب است
است. _____، اما برای کسانی که
هلاک شوم _____ (اول قرنتیان 1:18)

صلیب مصلوب می شود. صلیب ما را از جهان جدا می کند. ما را با خدا محشور کن، منزه از آن اوست! آ
دوستی با دنیا دشمنی با خداست. «هر که بخواهد با دنیا دوست شود، اگر
دشمن خداست» (یعقوب، 4:4 مسیح بر روی صلیب دشمنی را از بین برد (افس).
2:15 و 16) «و دنیا و آرزوهایش می گذرد. اما هر که اراده خدا را انجام دهد،
تا ابد باقی می ماند» (اول یوحنا، 2:17) پس اجازه دهید دنیا بگذرد.

من دنیا را ترک می کنم و از مسیح پیروی می کنم.

زیرا جهان خواهد گذشت.

اما عشق لطیف الهی

برای قرن ها ادامه خواهد داشت.

آه، چه عشق بی اندازه!

چه رحمتی، چه مهربانی!

ای کمال لطف،

پر از جاودانگی!

(V. Mendoza, #266)

عیسی گفت: "و هنگامی که از زمین بلند شوم، همه مردم را به سوی خود خواهم کشید" (یوحنا، 12:32)
این را می گویم تا القا کنم که او با چه مرگی خواهد مرد: «خود را فروتن کرد و بود

مطیع تا سرحد مرگ، حتی مرگ بر صلیب. از این رو خداوند نیز او را به بالاترین تعالی رساند و او نامی به او داد که بالاتر از هر نامی است» (فیلیسیان 8: 2 و 9).

از طریق مرگ بود که به دست راست عرش اعلیحضرت در بهشت عروج کرد. این بود صلیبی که از زمین تا آسمان بلند شد بنابراین، تنها صلیب است که ما را جلال می بخشد و تنها چیز که بتوانیم به خود ببالیم صلیب که به معنای توهین و شرم به جهان است، بلند می شود ما را در این جهان قرار دهید و ما را با مسیح در مکان های آسمانی بنشانید. این کار را برای قدرت انجام دهید که در ما کار می کند» که همان چیزی است که کل جهان را حفظ می کند.

پنج شنبه

زیرا در مسیح عیسی نه ختنه و نه ختنه فضیلتی ندارد، بلکه مخلوق جدیدی است. (غلاطیان 6:15)

رستگاری از انسان، در هر شرایطی و هر چه که باشد، حاصل نمی شود انجام دادن. در حالت ختنه نشده او گم شده است و ختنه شدن برای او چیزی به ارمغان نمی آورد. رستگاری فقط صلیب قدرت نجات دارد. تنها ارزش موجود جدید است، یا، به عنوان برخی از نسخه ها آن را "آفرینش جدید" ترجمه می کنند. «اگر کسی در مسیح باشد، تازه است مخلوق» (دوم قرنتیان 5: 17) و تنها از طریق مرگ است که با او متحد می شویم همه کسانی که در مسیح عیسی تعمید یافتند در مرگ او تعمید یافتند» (روم 6:3).

- 11 اگر در مسیح هستیم، چه هستیم؟ (دوم قرن 5:17)

مصلوب بر درخت؛

بره متین، تو برای من بمیر.

به همین دلیل است که روح غمگین و گریان

با نگرانی آه بکش، پروردگارا، برای تو.

(M. Mavilard, #95)

صلیب آفرینش جدیدی می سازد. ما در اینجا دلیل دیگری برای شکوه در آن می بینیم. وقتی که خلقت در آغاز دست خدا را ترک کرد، «همه ستارگان سپیده دم همه فرزندان خدا ستایش و شادی کردند» (ایوب. 38:7)

علامت صلیب. متن هایی را که تا به حال در نظر گرفته ایم فهرست کنید:

- (1) صلیب مسیح تنها چیزی است که باید در آن تجلیل کنیم.
 - (2) کسی که به خود می بالد، فقط در شناخت خدا باید چنین کند.
 - (3) خداوند ضعیف ترین را در جهان برگزید تا عاقل را شرمند کند، پس که هیچ کس جز به او نمی تواند فخر کند.
 - (4) خداوند در چیزهایی که آفریده آشکار می شود. خلقت که قدرت خدا را آشکار می کند، صلیب را نیز عرضه می کند، زیرا صلیب مسیح قدرت خداست و خداوند خود را از طریق آن می شناسد.
- موارد بالا به ما چه می گوید؟ قدرتی که جهان و همه چیزهای موجود در آن را آفرید همان قدرتی است که توکل کنندگان به او را نجات می دهد. این قدرت صلیب است.

بنابراین، قدرت صلیب، تنها نیرویی که از طریق آن رستگاری حاصل می شود، قدرتی است که می آفریند و آن در خلقت به فعالیت خود ادامه می دهد. اما وقتی خدا چیزی را خلق می کند، "بسیار خوب" است. بنابراین، در مسیح، بر روی صلیب خود، یک "آفرینش جدید" وجود دارد. «زیرا ما کار او هستیم که در آن آفریده شده است مسیح عیسی برای کارهای نیک که خدا از قبل آماده کرده بود تا در آنها گام برداریم.» (افس. 2:10) بر روی صلیب است که ما این آفرینش جدید را می یابیم، زیرا قدرت آن این است که "در ابتدا خدا آسمان ها و زمین را آفرید". این قدرتی است که زمین را از تبدیل شدن باز می دارد

متلاشی شدن در زیر نفرین؛ قدرتی که توالی فصول را به ارمغان می آورد. زمان از کاشت و برداشت؛ که در نهایت کل زمین را تجدید خواهد کرد. شکوفا خواهد شد، او بسیار شاد خواهد شد و با شادی آواز خواهد خواند. جلال لبنان به او داده خواهد شد، زیبایی کارمل و شارون همه جلال ابدی، زیبایی خدای ما را خواهند دید.»

(اش. 35:2)

«عظمت است کارهای یهوه و کسانی که از آنها لذت می برند در مورد آنها تأمل می کنند. شکوه و عظمت کار او، عدالت او تا ابد باقی است. از شگفتی هایش که دارد یادبودی به جا گذاشت یهوه بخشنده و مهربان!» (مصور ۴-۲، ۱۱:۱۱ کتاب مقدس اورشلیم).

ما در اینجا می بینیم که کارهای شگفت انگیز خدا عدالت او را به همان اندازه آشکار می کند لطف و شفقت این شواهد دیگری است که آثار او صلیب مسیح را آشکار می کند، جایی که بی نهایت عشق و رحمت متمرکز است.

"از شگفتی های او یادبودی به جا گذاشته است." چرا از مرد می خواهی آثار شگرف او را به خاطر بسپارید و اعلام کنید؟ تا فراموش نکنی، اما اعتماد کن نجات خداوند اراده او این است که انسان پیوسته در کارهایش تعمق کند، تا بتوانید قدرت صلیب را بشناسید. بدین ترتیب هنگامی که خداوند آسمانها را آفرید و زمین در شش روز، «در روز هفتم خداوند کاری را که انجام داده بود به پایان رساند و در آن آرام گرفت هفتمین روز از هر کاری که در خلقت انجام داده بود. و خداوند روز هفتم را برکت داد و تقدیس شد، زیرا در او از تمام کارهایی که در آفرینش انجام داده بود آرام گرفت» (پیدایش 2:2 و 3).

2- در گذشته علامتی داده می شد تا فرشته فرزندان خدا را بشناسد خون روی در بود و امروز نشانه ای بین خدا و قومش چیست؟ (حزقی 20:20)

جمعه

«آسمان ها جلال خدا را اعلام می کنند و فلک کار دست های او را اعلام می کند.»
(مزبور. 19:1)

صلیب با نشان دادن قدرت او به ما، شناخت خدا را به ما می دهد ایجاد کننده. ما از طریق صلیب برای جهان مصلوب می شویم و جهان برای ما. از طریق صلیب ما تقدیس می شویم. تقدیس کار خداست نه انسان. فقط قدرت الهی شما می تواند این کار بزرگ را تکمیل کند. در آغاز خدا سبت را به عنوان تاج کار خلاق تقدیس کرد، گواه کار خلاق کامل بود، مهر کمال. بنابراین، می بینیم که شنبه، روز هفتم، نشانه واقعی صلیب است. یادگار خلقت است و رستگاری خلقت است: خلقت

از طریق صلیب روی صلیب کارهای کامل و کامل خدا را می یابیم و ما با آنها پوشیده شده ایم. مصلوب شدن با مسیح به معنای دست کشیدن است کاملاً به خودمان، تشخیص اینکه ما هیچ هستیم و اعتماد داریم بدون قید و شرط در مسیح در او آرامش می یابیم. در او می یابیم

شنبه. صلیب ما را به ابتدا می برد، به «آنچه از ابتدا بود»

(اول یوحنا 1:1 استراحت در روز هفتم چیزی نیست جز نشانه ای از کامل بودن

کار خدا بر روی صلیب - همان خلقت - ما از گناه آرامش پیدا می کنیم.

اما نگه داشتن روز سبت دشوار است. با کسب و کارم چه کار خواهیم کرد؟؛ "اگر روز سبت را نگه داریم، نمی توانم امرار

معاش کنم؛" "خیلی نامحبوب است!" هرگز کسی نمی تواند

تظاهر به اینکه مصلوب شدن چیز خوشایندی است. «مسیح نیز خود را خشنود نکرد

همان» (رومیان 15:3 اشعیا باب 53 را بخوانید. مسیح هرگز خیلی خوب نبود

دیده شد، و حتی کمتر زمانی که او به صلیب کشیده شد. صلیب به معنای مرگ است، اما همچنین

یعنی ورود به زندگی بر زخم های مسیح مرهم است، برکت دارد

لعنتی که او به همراه داشت، زندگی در مرگی که او متحمل شد. چه کسی می تواند این را بگوید

برای زندگی ابدی به مسیح اعتماد می کند، در حالی که از اعتماد به او امتناع می ورزد

چند سال، ماه یا چند روز زندگی در این دنیا؟

بیاید یک بار دیگر این را بگوییم و از صمیم قلب بگوییم: «دور باد از من که فخر کنم.

مگر بر صلیب خداوند ما عیسی مسیح که جهان به وسیله او مصلوب شد

من و من به دنیا.» اگر واقعاً بتوانید این را بگویید، آن وقت آن را پیدا خواهید کرد

مصیبت ها و مصیبت ها آنقدر سبک است که بتوانید در آنها شکوه کنید.

شکوه صلیب. از طریق صلیب است که همه چیز حفظ می شود. «همه چیز در اوست»

(کولس 1: 17) او به هیچ شکلی غیر از مصلوب شدن وجود ندارد. اگر نبود

از طریق صلیب، یک مرگ جهانی رخ خواهد داد. هیچ مردی نمی توانست نفس بکشد، حتی یک نفر

گیاه رشد می کند، هیچ پرتویی از نور نمی تواند از آسمان بتابد مگر از طریق صلیب.

پس اکنون، "آسمان ها جلال خدا را اعلام می کنند، و فلک کار را اعلام می کند.

از دستان او» (مزمور 19:1) اینها از کارهایی است که خداوند انجام داده است. حیف نیست

هیچ قلمویی برای ترسیم شکوه شگفت انگیز آسمانها وجود ندارد. با اینکه،

همانطور که اعمال ذکر شده در بالا نشان می دهد، جلال چیزی نیست جز جلال صلیب مسیح. قدرت خدا در مخلوقات آشکار

می شود و صلیب قدرت خداست.

جلال خداوند قدرت اوست، به عنوان «عظمت بی نظیر قدرت او به

کسانی که ایمان دارند» در رستاخیز عیسی مسیح نشان داده شد (افس. 1:19 و 20) "مسیح

او از مردگان برای جلال پدر برخاسته بود» (رومیان 6:4) به این دلیل بود که او از مرگ رنج می برد،

از این رو مسیح با جلال و افتخار تاجگذاری کرد (عبرانیان 2:9)

1- عیسی برای جلال چه کسی از مردگان برخاست؟ (روم، 6:4)

به این ترتیب می بینیم که شکوه کامل ستارگان بی شمار، با رنگ ها متنوع، و شکوه رنگین کمان، شکوه ابرهای طلایی در غروب خورشید، شکوه دریا و مزارع پر گل یا چمنزارهای سبز، شکوه بهار و برداشت در بلوغ، شکوه چیزی که جوانه می‌زند و میوه کامل می‌دهد، شکوه کامل که مسیح در بهشت دارد، و همچنین هر آنچه باید در آن روز به مقدسین او آشکار شود جلال صلیب این است که «عادلان مانند خورشید در ملکوت پدرشان خواهند سوخت». مانند آیا می‌توانیم به جلال در چیز دیگری فکر کنیم؟

16 و برای همه کسانی که مطابق این قانون رفتار می‌کنند، سلام و رحمت بر آنها و بر اسرائیل خدا.

قانون شکوه! چه قانون بزرگی برای هر کسی که می‌خواهد تحت حکومت باشد! ذکر شده اند دو کلاس وجود دارد؟ غیر ممکن است، زیرا کل رساله نشان می‌دهد که همه یکی هستند در مسیح عیسی «و تو در او کامل هستی که رأس همه اصالت است و قدرت [امپراتوری]. در او نیز با ختنه ای که بدون آن انجام شده بود ختنه شده اید هنگامی که بدن گناهان را از طریق ختنه ای که انجام می‌دهد دور می‌کنیم مسیح. با او در غسل تعمید دفن شدی، تو نیز از طریق او با او بزرگ شدی ایمان به قدرت خدا که او را از مردگان زنده کرد. برای شما که در گناه مرده اید، در ختنه نشدن جسم او را با مسیح زندگی کردند و همه او را بخشیدند گناهان» (کولس، 2: 10-13)

"ما ختنه واقعی هستیم، ما که بر اساس روح خدا پرستش می‌کنیم و در مسیح عیسی راضی هستیم و بر جسم اعتماد نمی‌کنیم" (فیلیسیان، 3:3)

2- پولس می‌گوید که ختنه واقعی یا تعمید کیست؟

این ختنه همه را در اسرائیل واقعی خدا تشکیل می‌دهد، زیرا به این معنی است غلبه بر گناه و «اسرائیل» به معنای پیروز است. ما دیگر «حذف» نیستیم

از شهروندی اسرائیل، غافل از عهدنامه، ما دیگر «بیگانه» نیستیم
نه غریبان، بلکه هموطنان مقدسین، اعضای خاندان خدا،
بر پایه رسولان و انبیا ساخته شده و سنگ اصلی آن است
زاویه، عیسی مسیح» (افس. 19، 2:12 و 20). به این ترتیب، ما با
انبوهی که «از مشرق و مغرب خواهند آمد و با ابراهیم و اسحاق و یعقوب خواهند نشست.
در ملکوت آسمان» (متی. 8:11).

شنبه

از این به بعد هیچکس مرا اذیت نمی کند. زیرا من آثار عیسی خداوند را بر بدن خود دارم. ای برادران، فیض خداوند ما عیسی
مسیح با روح شما باد. آمین! (غلاطیان 6:17 و 18)

آنچه به «نشانه» ترجمه شده است، جمع کلمه یونانی استیگما است. نشان دهنده آن است
ننگ و ننگ در گذشته، مسئولین جنایات و همچنین
بردگانی که در تلاش برای فرار دستگیر شده بودند، از طریق انگ مورد انگ قرار گرفتند
قرار دادن علامت یا علامتی بر روی بدن آنها که نشان می دهد متعلق به چه کسی هستند.

نشانه های صلیب مسیح چنین است. پائولو آنها را گرفت. او به صلیب کشیده شده بود

مسیح، و آثار ناخن خود را متحمل شد. روی بدنش مشخص شده بود.

آنها او را به عنوان یک خدمتکار، به عنوان غلام خداوند عیسی مشخص کردند. پس هیچکس
با او مداخله کرد: او خادم مردم نبود. او فقط به مسیح که او را داشت مدیون وفاداری بود
خریداری شده است. هیچ کس انتظار نداشته باشد که او را در خدمت انسان یا جسم ببیند، زیرا عیسی
با علامت او علامت گذاری کرده بود و نمی توانست دیگری را خدمت کند. هیچکس هم
باید در آزادی او در مسیح دخالت کند یا با او بدرفتاری کند، زیرا خداوند او
او با خیال راحت از کسانی که متعلق به او بودند محافظت می کرد.

آیا شما این مارک ها را حمل می کنید؟ سپس می توانید در آنها شکوه و جلال کنید. اگر این کار را کردی، نکن
بیهوده فخر خواهی کرد و متکف نخواهی شد.

چقدر شکوه در صلیب است! تمام شکوه بهشت در این شی مستهلک شده است. خیر

در شکل صلیب، اما در خود صلیب. دنیا این را جلال نمی شناسد. ولی

او پسر خدا را هم نشناخت. روح القدس را نمی شناسد، زیرا نمی شناسد

می تواند مسیح را ببیند

باشد که خداوند چشمان ما را برای دیدن جلال باز کند تا بتوانیم او را بشناسیم
ارزش. باشد که ما راضی باشیم که با مسیح مصلوب شویم تا صلیب ما را به جلال برساند. در صلیب مسیح نجات است.
این قدرت خداست که زمین نخوریم
زیرا ما را از زمین به آسمان می برد. روی صلیب آفرینش جدیدی است که همان خداست
به عنوان خوب "در یک راه بزرگ" واجد شرایط است. تمام جلال پدر و تمام جلال در اوست
از اعصار ابدی پس خداوند به ما اجازه ندهد که به چیز دیگری مباحث کنیم
غیر از صلیب خداوند ما عیسی مسیح که به وسیله آن جهان برای ما مصلوب شده است و
ما به دنیا

یکی بود که می خواست برای من رنج بکشد و بمیرد، به طوری که
روح من را نجات دهد. مسیر خونین صلیب عود می کند،
تا گناهانم شسته شود.

روی صلیب، روی صلیب گناهان من گیر کرده اند!

چقدر می خواست برای من عذاب بکشد!

عیسی خوب با اندوه به صلیب رفت،

و در بدن او عیب های من را گرفت.

(الیزا پرز، شماره 90)